نشر الکترونیک فروغ مهر

Fmehr.com

www.FMEHR.com

بچند بکند و بچند تمام میشود و چند بران دیگر است و وفق هر شکل چند است و اسم هر کس و هر شکل چون باید خاصیت
و خاصیت هر شکل چیست و شرح و بیان این جمله نمائیم اول بدانکه سه در سه و چون آفتاب به نوزده درجه حمل رسد و زهره
به درجه ثور و مقابل درجه کف الخضیب و سمک در طالع و طالع برج منقلب بود و این شکل را بر پاره کرباس نو
نویسد هر کس که با خود دارد در فتح الرجال پیدا شود و گشایش در کارها پیدا کند و محبوس را خلاص دهد و اگر بر قفل بسته
بندند در حال گشاده گردد و از نادر فلکی و این است شکل او سه در سه و در وفق طولا و عرضا او اینها بر سطر آنکه کسی
بر کهر نیست به این طریق شرح سه در سه بدانکه چون قمر به درجه ثور رسد و آفتاب به نوزده درجه حمل این شکل را

٣	٥	١
٤	٢	

بر صندوق جامه و خزینه نویسد هرگز هیچ دزد و حرامی بدان واقف نگردد و اگر در شرف آفتاب
یا قمر بر سفال نو نویسد و زن حامله با خود دارد البته بچه از وی جدا شود به قدرت باری تعالی و اگر
از بحر محبوس نویسد یا از بحر سحر باید که طالع برج منقلب باشد و خداوند ساعت مقبول و قمر در نهم درجه طالع یا در
یازدهم یا در یازدهم و آفتاب در دهم طالع باشد و زهره و مشتری بنظر سعادت بر طالع نگرند دلیل کند که در حال خلاص یابد
و اگر تصرف کند بیش از سه روز نپاید البته سحر برفتن قادر شود چون شکل سه در سه راست یک عدد در خانه از بالا و بیت خانه
اندر میان گذارند از سطر طولی یعنی و خانه میانه بنیاد کند و یک عدد بنهد و در زیر وی از سطر زیرین بر گوشه چپ سه بنهد و در سطر فوقین
دو بنهد و چهار بر گوشه دست چپ بنهد و پنج به میانه از اشکال و شش در زیر پنج بنهد از طرف سطر زیرین و هفت در بالای
شش بنهد و هشت در بر گوشه دست راست بنهد و نه در زیر دست چپ بنهد بدانکه سه در سه بچهار عدد پر میشود
و به نه عدد تمام میشود و وفق او از هر جانبی که شمار کنی پانزده عدد است به دلیل آنکه سه در سه به نه عدد پر شود و چون یک بر وی
افزاید ده عدد شود چون در نیمه ضرب کنی پانزده عدد باشد و وفق او این است   و اگر از برای مفارقت دو
دوست نویسد باید که نام ایشان به حساب جمل کبیر جمع کنند و سه در سه بنهند بر وقتی که طالع و وقت برج منقلب باشد
و آفتاب در طالع و قمر در هفتم طالع و صاحب طالع در ششم یا در هشتم طالع یا در چهارم و خداوند یازدهم
در مقابله طالع باشد یعنی در هفتم و ساعت زحل یا مریخ باشد این نوشته را با یک دیگر و در جا نهاد کسی
دفن کند یا در راهگذر ایشان یا در حمام خراب یا بالش یا بستر بنا نقش کند و هم در جامه ایشان اندازد
البته از هم جدا شوند چنانکه هرگز نتوانند یک دیگر را دید و نام همدیگر نتوانند شنید و اگر مریخ در طالع باشد
یا در مقابله طالع و خداوند طالع ساقط از طالع یا در مقابله طالع این شکل بنویسد بر کرباسی یا برد کوی که حیض
زنان باشد و در میان قومی که در جا مجتمع باشند دفن کنند البته بینشان تفرقه و جنگ و خصومت در میان ایشان
پیدا شود و آواره شوند تا بحدی که دو هزار بدست نا اهلان نیندازند و از مردم عوام و جاهل نگاه دارند

٤	٣	٨
	٥	١
٢	٧	٦

www.Fmehr.com

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۸۰ بدانکه شرح چهار در چهار چون آفتاب به نوزده درجه حمل رسد و قمر به درجه ثور یا به درجه جوزا یا در یازده درجه
سرطان این شکل را بنویسد بر انگشتری نقره یا بر اطلس زرد یا بر کاغذ زرد و وقت نوشتن باید که سعدی در طالع بود
و آفتاب در دهم طالع و قمر در یا زدهم یا پنجم یا در نهم و زحل و مریخ ساقط از طالع و عطارد نیک حال و زهره و مشتری
از هر دو یکی در طالع بود یا به تثلیث یا به تسدیس طالع بود یا خود نگاه دارد دارنده این شکل در نظر بزرگان عزیز و مکرم باشد
و در عز و جاه بیفزاید و دارنده این شکل اگر صد خون ناحق کرده باشد چون بر خصم رسد او را معاف دارد و بر وی ببخشد و
هر کار که روی بدان نهد میسر برآید چون آفتاب طلوع میکند دارنده این حاجت که بخواهد در حال روا گردد و هرگز به هیچ درد و
بلا مبتلا نگردد و پیوسته با عزت و حرمت باشد و نهادن آنرا باید که از گوشه دست راست بنیاد کند و یکی را
در اول بنهند و دو را در یکی دو بنهند و سه را در زیر دو و سه بنهند و چهار را پهلوی چهار بنهند و شش را در زیر
دست چپ بنهند و هفت در زیر شش بنهند و هشت در زیر گوشه دست چپ و نه در فیل وار و ده در زیر گوشه دست چپ
و یازده پهلوی هشت در زیر طوری که یک خانه بالا رفته باشد و دوازده در گوشه دست راست بنهند و سیزده زیر هشت
و چهارده میان یازده و یکی بنهد و پانزده از گوشه دست راست از ضلع زیر از همه بنهد و شانزدهم فیل وار بنهد
تمام شد اکنون بدانکه چهار در چهار شانزده عدد باشد یکی که بر سر یکی بنهی هفده باشد چون ضرب کنی در دو که نیمه چهار است
سی و چهار میشود عدد طولی و عرضی و قطری و فوق مذکور و چهار در چهار هشت عدد تمام میشود و فوق سبق یکصد و سی و
شش است چون خواهد که مخدوم یا محبوب او را عزیز و مکرم دارد باید که نام خود و نام آنکس که خواهد بحساب جمل کبیر
جمع کند و سی و چهار آن بردارد باقی که ماند به چهار قسمت کند اگر کسری در میان باشد اگر یک عدد باشد در خانه سیزدهم
بیفزاید و اگر دو باشد در نهم و اگر سه باشد در پنجم و چهار بجز قسمت بپذیرد و در خانه اولی چنانکه نمودیم نگاه دارد
و اگر خواهد که مرد و یا هر شد در خانه سیزدهم بیفزاید نظم طبیعی نگاه دارد و آن نظم اول بگذارد و شکل چهار در چهار را
که منسوب است به شرف آفتاب چون آفتاب به نوزده درجه حمل رسد یا به بیست درجه حوت و قمر در ثور یا در سرطان
یا در اسد یا در جوزا باشد و برج ماده و صاحب طالع در پنجم یا در یازدهم یا در سیزدهم یا در دهم باشد و سعد در طالع
یا صاحب پنجم ناظر یا با صاحب یازدهم از جا مقبول به نظر مودت یا به نظر تسدیس یا به تثلیث و ساعت زهره و مشتری
در چنین وقتی بنویسد بغایت نیکوست این است شرح پنج و پنج بنویسد بر حریر یا بر پارچه
سپید و اگر اسم مرکب کند بنویسد بمشک و زعفران و چون قمر به درجه شرف رسد در برج
که دارنده این شکل پیش جمله خلایق عزیز و مکرم باشد و پیش زنان و اهل حسن او را عزت
و حرمت پدید آورد چنانچه وصف آن نتوان کردن و اگر در چنین وقتی که نمودیم نام خود و نام محبوب خود بحساب جمل کبیر جمع کند

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	[illegible]	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

وشصت عدد از یکی طرح کند و باقی را بر پنج قسمت کند و پنج بنهند مانند این نزد آن محبوب بغایت عزیز گردد و بر حاجت که
بخواهد روا کند و یک لحظه از رو نگیرد بتاثیر زیرا که این شکل سطریان را بغایت موافق افتد و قاعده عدد نهادن پنج
در پنج اگر چهار در سر صحیح باشد یکی در خانه ششم بنهند و باقی بر وی بنهند که راست آید و اگر سه عدد بر سر یکی باشد در خانه
یازدهم و اگر دو بود شانزدهم و اگر یک بود در بیست یکم بیفزایند تا راست آید و چون ابتدا نمایند دو خانه از بالا و دو خانه
از زیر رها کنند و خانه میانین را مبدا نموده یک عدد بنهند و در زیر یکی دو بنهند و سه را در گوشه دست چپ بنهند
و چهار را پهلوی سه بنهند و پنج را زیر اولی بنهند یک خانه بالا و شش را زیر عرض یک بنهند و هفت بر سر شش بنهند و هشت
پهلوی پنج بنهند و نه را پهلوی یک بنهند و ده را زیر سه بنهند و یازده را زیر پنج بنهند و دوازده را پهلوی یازده
از طرف دست چپ بنهند و سیزده پایین یازده بنهند و چهارده را پایین نه بنهند و پانزده را میان چهارده و ده بنهند
و شانزده پایین هشت بنهند و هفده را پایین دوازده بنهند و هجده را زیر چهارده بنهند از سطر زیرین و نوزده را در پهلوی
هجده در گوشه زیرین و بیست را بالای اول بنهند و بیست یکم را مقابل پنج بنهند در سطر زیرین و بیست دوم را مقابل چهار
بنهند در سطر بالا و بیست سیم را در قطر سه بنهند و بیست و چهار مقابل دو بنهند و بیست و پنج را مقابل یک بنهند تمام
اکنون آمدیم بشرح وفق بدانکه پنج در پنج بیست و پنج عدد باشد یکی که عدد طبیعی است بر سر یکی بر سر بیست و شش شود چون
در دو نیم کنیم نصف سیزده است ضرب کنیم شصت و پنج است و از عرض و طول و قطرها این در نود و پنج بهد تمام شد شرح نهادن پنج

۱۱	۲۴	۷	۲۰	۳
۴	۱۲	۲۵	۸	۱۶
۱۷	۵	۱۳	۲۱	۹
۱۰	۱۸	۱	۱۴	۲۲
۲۳	۶	۱۹	۲	

۲۳	۸	۵	۲۲	۷
۲۰	۱۶	۱۱	۱۲	۶
۱	۹	۱۳	۱۷	
۲	۱۴	۱۵	۱۰	۲۴
۱۹	۱۸	۲۱	۴	۳

در پنج بدین شکل نهند چون شرف زحل باشد
هذا شرح شش در شش در شرف زحل باید کشید
چون زحل بر بیست و یک درجه میزان رسد
این شکل بر خشتی کشند از گل که رنگ کاه دود او
نباشد برنگ سیاه و طالع وقت باید که زحل در یازدهم و پنجم یا وسط السماء باشد یا در دهم بود و سعد از سعدین
در طالع وقت بود و عطارد ساقط از طالع و مریخ هم ساقط و آفتاب و قمر بنظر مقبول از تسدیس یکدیگر بکنند این شکل
بکشند و هم در این طالع که گفتیم باید که صاحب چهارم جا مقبول یا سعد در چهارم طالع بود آنگاه این خشت در اول بنیاد
عمارت بنهند هم بر آن طالع که نمودیم و هر عمارت که خواهد بر سر وی بکند که سالها بسیار این عمارت خراب نگردد بتاثیر شرف
زحل و طالع و سعادت اعداد و وفق اگر این خشت که گفتیم یکی بر سر گنج و دفین گذارند سالها در آن گنج نهان بماند
و اگر جمله بنی آدم طالب آن گنج و دفینه باشند پیدا نتوانند کرد مگر همان کس که نهاده باشد و اگر در همین وقت که
نمودیم این شکل بر کرباس سفید کشند برنگ سیاه هر که با خود دارد قوت بیفزاید و پاره‌ها سنگین تواند از جا بر گرفتن تنها بکند

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 مردم متعجب شوند و اگر از دست خصم بگریزد هیچ کس وی را پیدا نتواند کرد بهیچ نوع اکنون آمدیم بشرح نهادن که چون بنیاد کند
اول بحروف باید که ابتدا از سطر آخرین همه بکند یکی در خانه زیرین همه بنهد از دست راست در خانه دوم و دو را بر سطر
بالا فرود از طول بنهد و سه بسطر زبر آید هم فرود از طول و چهار فرود از کوشه دست چپ از بالا بنهد و پنج بخانه اول
و شش در کوشه سطر اول بر آید پنج و هفت در سطر کناره است فرود یک بنهد و هشت بر سر هفت و نه فرود چهار بنهد و ده
زیر شش بنهد انکه چهار و ده چهار بماند و چون شش در شش عبارت تمام کند اما باید که از برای چهار و ده چهار یکی بنهد و این ده عدد
که در زیر شش نهاده بر سر یک برج تا چهار و ده چهار پر شود دیگر بار بر سر میزان آید و مقابل میزان ده بیست و هفت بنهد و مقابل
نه بیست و هشت و مقابل هشت بیست و نه و مقابل هفت سی بنهد و مقابل پنج سی یک و مقابل شش سی دو و مقابل
چهار سی و سه و مقابل سه سی چهار و مقابل دو سی و پنج و مقابل یکی سی و شش بنهد یعنی شش در شش سی و شش لوح
و میزان ده عدد است و وفق او صد و یازده عدد بود از طول و عرض و قطر همین صد و یازده و نیز میدهد و تعلق

بمریخ دارد و شکل این است که تلمیذ شده شرح لوح هفت و هشت این شکل
تعلق بعطارد دارد چون عطارد به پانزده درجه سنبله رسد و زحل
و مریخ ساقط و عطارد طالع شود یا در دوم یا در یازدهم و سعدی
در طالع و آفتاب ناظر و مقبول و قمر زاید النور باشد بنظر تثلیث و تسدیس

خ	۲۸	۳۴	۲		۵
۱۰	۱۸	۲۱	۲۴	۱۱	۲۷
۲۹	۲۳	۱۲	۱۷	۲۲	۸
۳۰	۱۳	۲۶	۱۹	۱۶	۷
۴	۲۰	۱۵	۱۴	۲۵	۳۳
۳۲	۹	۳	۳۵	۱	۳۱

طالع بود و زهره یا مشتری ناظر طالع بوده باشند یا در طالع مستقیم باشند و از احتراق و هبوط و وبال دور باشند
این شکل را بکشد بمشک و زعفران و بشرینه و پیچید دارنده این شکل پیش اکابر و صدور و اشراف و حکام بغایت عزیز و مکرم
باشد و او را بغایت دوست دارند و در هر کاری که کند آسان بر آید و نکرد رسد که کند و دریابد و آموختن همه علوم
بروی آسان کردد و در نطق و فصاحت بی مثل باشد و در بیست و هشت مجلس بیت را بیت بکند و شرح نهادن وی باید
که سه از بالا و سه از زیر بگذارد و در خانه میانه از جانب یمین یکی بنهد و دو زیر او و سه زیر دو و چهار با کوشه
زیرین دست چپ بنهد و پنج در پهلوی چهار و شش پهلوی پنج بنهد و هفت فرود طول بالای همه سطر بنهد و هشت فرود
هم از جانب چپ که فرود اول باشد و نه را بالای او و ده را بالای نه و یازده پهلوی هفت بنهد و دوازده پهلوی
او اکنون بدانکه این دوازده میزان هفت در هفت است و در جوف هر پنج در پنج بماند بقاعده آنکه در پنج در پنج یکی بنهد
این دوازده بر سر هر برج و سیزده بنهد و آنجا که در بنهد میزان بر سر دو برج چهارده بنهد مثلا چون پنج در پنج تمام کند
یا مقابل میزان آید و در برابر دوازده سی و هشت بنهد و در برابر یازده سی و نه و در برابر ده چهل بنهد و در مقابل نه
چهل یک و در برابر هشت چهل و دو و در برابر هفت چهل و سه بنهد و در مقابل شش چهل و چهار و در برابر پنج چهل و پنج و در مقابل

www.Fmehr.com

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

چهار چهل و شش و در برابر سه چهل و هفت و در برابر دو چهل و هشت و در برابر یکی چهل و نه بنهند و بدانکه هشت در هشت

چهل و نه باشد و میزان دوازده است و وفق و پنجاه عدد چون یکی که اصل عدد است بر سر چهل و نه بر پنجاه کرد و در نصف

هفت که سه و نیم است ضرب کنی صد و هفتاد و پنج باشد از عرض و طول و قطرهای وفق بدید و شمار کند تا عزیز

دارند و این مسئلها غریب و عجیب است که بسالها تمام تجربه یافته‌اند و در هیچ کتاب این مسئلها نباشد و شکل لوح هفت

در هفت این است که تعلیم شده است

۴۶	۱۲	۱۱	۷	۴۴	۴۵	۱۰
۴۱	۳۵	۲۰	۱۷	۳۴	۱۹	۹
۴۲	۳۲	۲۸	۲۳	۲۴	۱۸	۸
۱	۱۳	۲۱	۲۵	۲۹	۳۷	
۲	۱۴	۲۶	۲۷	۲۲	۳۶	۴۸
۳	۳۱	۳۰	۳۳	۱۶	۱۵	۴۷
۴۴	۳۸	۳۹	۴۳	۶	۵	۴

بدانکه این شکل تعلق بمشتری دارد و چون سرطان برسد و زحل و مریخ از وی ساقط باشد و آفتاب در حمل یا در ثور یا در عقرب بود و قمر در حمل یا در سنبله یا در حوت و زهره در عقرب و طالع وقت هم برج سرطان بر پانزده

شرح شکل هفت در هفت مشتری پانزده درجه باشد و آفتاب در حمل یا در ثور یا در اسد و مشتری عطارد و در شرف و در جواب این شکل را بر قرص

نان بنویسد بگلاب و نشاسته یا بمشک و زعفران و بهر بخورد که آن بخورد در حال از صحت عدد وی پیدا شود و اگر آن بخورد

نان نتوان خوردن بگلاب و نشاسته بنویسد و بر بادن کشد که او کاغذ باشد و باد بر وی دمد بهمت بعزت کند

که صحت یابد اگر چه بدرجه مرگ رسیده باشد و اگر اسب و هر حیوانی که باشد از پی وی در دوندن چون دیگر بدو این شکل

بدین وقت و طالع که گفتیم بر کشد بر کاغذ و بر گردن وی بندد البته صحت یابد و اگر چه نعوذ بالله جذام باشد و دارند

این شکل هر کس بهیچ درد و رنج گرفتار نشود و پیوسته با صحت و در هر کار دعای بسلامت کند و عبادت دوست دارد والله

اکنون آمدیم بشرح نهادن آن باید که چهار قسمت کند یعنی چهار در چهار باشد آنگه چهار در چهار او بعبارت گفاد کند تا

هشت بنهد و بانبهای دو چهار آید تا سه و دو بنهد و اگر فیل وار یعنی دو سه و سه بنهد و فیل وار چو یک یعنی و چهار بنهد

و فیل آدیم و شصت و چهار باشد و بشصت و پنجاه باشد و این شکل قسمت پذیر نیست و حاجت بیان ندارد و وفق

وی دویست و شصت باشد یعنی شصت و پنج در چهار ضرب کنیم و از عرض قطر و طول هاین وفق پدید هد و این شکل

مشتری است و بغایت مبارک باشد شکل این است

۱	۶۳	۷	۶۰	۹	۵۴	۱۵	۵۲
۹	۵۹	۲	۶۱	۱۶	۵۱	۱۰	۵۳
۵۸	۵		۳	۵	۱۳	۵۰	۱۱
۶۳	۴	۵۷	۶	۵۵	۱۲	۴۹	۱۴
۱۷	۴۶	۲۳	۴۴	۲۵	۳۸	۳۱	۳۶
۲۴	۴۳	۱۸	۴۵	۴۲	۳۵	۲۶	۳۷
۴۲	۲۱	۴۰	۱۹	۳۴	۲۹	۴۰	۳۲
۴۷	۲۰	۴۱	۲۲	۳۹	۲۸	۳۳	۳۰

این شکل تعلق بمریخ دارد و چون مریخ بر بیت و هم بر طالع جدی و زحل ساقط نباشد و باید که در ربع ثور یا در سنبله و قمر در ثور یا در میزان یا در عقرب و مشتری از تسدیس و تثلیث ناظر و آفتاب در جای

شرح شکل نه در نه هشت درجه جدی رسد عقرب بود یا در دلو یا در یا در حوت بود و زهره مقبول و عطارد دور از آفتاب

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 یا ما مقبول و مستقیم بعد این شکل بر تخته از فولاد برکشد یا بر آهن یا بر کاغذ سرخ یا بر کاغذ برنگ شنجرف برکشد چنانکه مریخ بدرجه طالع برج حمل باشد دارنده این در جنگ و مصاف خصم مظفر و منصور گردد و البته غالب گردد بر دشمن و اگر بر سر علم و نیزه بند بر خصم ظفر یابد و پیش اهل سلاح و بزرگان و سپاه دارنده این شکل عزیز باشد اکنون آمدیم بشرح نهادن نه در نه بدانکه قسمت کنند و هر قسمی سه و در سه آنجا که یکی خواهند سه در سه بنهد و آنجا که دو می خواهند در سه برکشند الی هذا بدین نوع تمام کند و هر چه قسمت پذیرا است و را حاجت بدیگر نباشد و نه در نه هشتاد و یک باشد چون یکی که اصل عدد است بر سر هر یک برج هشتاد و دو شود چون در نه ضرب کنند که چهار و نیم بود ضرب کنیم سیصد و شصت و نه عدد باشد از هر طول و قطر همین نوع بود این شکل را مبارک داشته اند و جهت اهل حرب و کشتی گیران و سواران نیکو باشد و این شکل را در شرف مریخ کشند

شرح شکل ده در ده

۱۳	۷۶	۲۵	۷۴	۹	۱۴	۱۵	۱۶	۷۷
۱۲	۳۶	۶۱	۶۰	۲۳	۲۷	۲۸	۶۲	۷۰
۱۱	۲۵	۳۵	۵۰	۳۳	۳۶	۵۱	۵۷	۷۱
۱۰	۲۴	۳۴	۴	۳۹	۴۴	۴۹	۵۸	۷۳
	۶۵	۵۳	۳۵	۴۱	۳۷	۲۹	۱۷	۱
۸۰	۶۴	۵۲	۳۸	۴۳	۴۲	۳	۱۸	۲
۸۹	۶۳	۵۳	۳۲	۴۹	۳۶	۴۷	۱۹	۳۰
۷۸	۲۰	۲۱	۲۱	۵۹	۵۵	۵۴	۵۶	۴
۵	۶	۷	۸	۷۳	۷۴	۶۷	۶۶	۶۹

این شکل تعلق بمشتری دارد چون مشتری بیازده درجه سرطان یا در آخر برج سنبله یا بیست درجه قوس یا در ده درجه حوت برسد و طالع وقت همین برج بود که مشتری در دلیست و زحل و مریخ ساقط و زهره و آفتاب از تسدیس و تثلیث ناظر و قمر در وسط السماء در جاه عشر این شکل را بر اطلس سفید یا حریر یا بر کاغذ یا بر قلعی نقش کند دارنده این را نعمت بسیار حاصل شود و در نیها و میراثها و مالهای وسیع نوع سرسید بحث سبایی دولت شود و نزد قضاة و حکام و علما بزرگ و عزیز باشد و پیوسته بصحت و سلامت باشد آمدیم بشرح نهادن باید که هر شکل که قسمت می پذیرد و قسمت کند بهر طریق که میتوان نهاد بنهد مثل ده و ده و ده و نمی باید که ابتدا از سطر آخرین بکند از خانه دوم از گوشه دست راست و یکی آنجا نهد و دو فرسو طولی بالا همه بنهد و سه فرسو طولی باز بزیر آید و بنهد و چهار فرسو طولی بر بالای همه بنهد و پنج فرسو طولی در سطر زیر نهد و هم چنین تا هفت و هشت و نو را بگوشه دست چپ دو و نه و ده بگوشه بالا از دست راست و چپ بنهد و یازده فرسو اول از دست راست بنهد و دوازده فرسو عرضی هشت بنهد و سیزده در میان سطر از کنار دست راست بنهد و چهارده بر سر سیزده بنهد و پانزده فرسو هشت از طرف زیر و شانزده فرسو عرضی چهارده بنهد و هفده فرسو عرضی شانزده بنهد و هجده فرسو عرضی هفده بنهد و این نوزده در ده میان وی که یکی جا است اکنون هشت و هشت در صف وی بماند و چهار در قسم کند و هر قسمی چهار و در چهار را باشد و بطریق سه در سه بنهد و از هر نظر با پادشاهان و جبابره از ایشان و نه دوازده در دوازده صد و چهل و چهار را باشد چون یکی بر سر هر یک برند صد و چهل و پنج باشد در شش ضرب کنیم ششصد و هفتاد و دو عدد باشد از طول و عرض و قطر و نوع هر ۱۴۳ در ۱۳ این شکل را شرف زهره نویسد از جهت محبت ایشان

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

و یا نتن مراد از ایشان و بطریق ۱۳ در ۱۳ باید نهاد و در وفق عدد سیزده در سیزده ضرب کنیم صد و شصت و نه باشد
یکی بر وی افزاییم صد و هفتاد شود بر شش و نیم ضرب کنند هزار و صد و پنج عدد باشد ۱۴ در ۱۴ بطریق اول پر کنند
و ثلث دوازده در دوازده بطریق سه در سه و پنج در پنج پر کنند و تمام کنند در شرف آفتاب ۱۶ در ۱۶ بطریق چهار
چهار در چهار پر کنند و تمام کنند ۱۷ در ۱۷ بطریق یازده در یازده تمام کنند بطریق سه در سه شش در شش
تمام کنند ۱۹ در ۱۹ بطریق یازده در یازده تمام کنند و ۱۸ در ۱۸ بطریق چهارده در چهارده پنج در پنج تمام کنند
۲۱ در ۲۱ بطریق یازده بنهند ۲۲ در ۲۲ بطریق اول پر کنند و باقی بطریق بیست در بیست بنهند و هر اشکال
فرد است مثل ۲۳ در ۲۳ و ۲۵ در ۲۵ و ۲۷ در ۲۷ و ۲۹ در ۲۹ و ۳۱ در ۳۱ و ۳۳ در ۳۳ و ۳۵
در ۳۵ و ۳۷ در ۳۷ و ۳۹ در ۳۹ و ۴۱ در ۴۱ و ۴۳ در ۴۳ و ۴۵ در ۴۵ و ۴۷ در ۴۷
و ۴۹ در ۴۹ و ۵۱ در ۵۱ و ۵۳ در ۵۳ و ۵۵ در ۵۵ و ۵۷ در ۵۷ و ۵۸ در ۵۸ و ۵۹
در ۵۹ و ۶۱ در ۶۱ و ۶۳ در ۶۳ جمله بطریق یازده در یازده یا بطریق هفت در هفت می‌نویسند یعنی از خانه
میانه یکی و مرتبه مرتبه بنویسد چنانکه مثال نمودیم و ۱۱ در ۱۱ و ۷ در ۷ و ۲۵ در ۲۵ و ۳۵ در ۳۵ و
۴۵ در ۴۵ شرح آن بگوییم اما ۲۵ در ۲۵ بطریق پنج در پنج بنهد و تمام کند و ۳۵ در ۳۵ بطریق هفت در هفت
و شش و شش تمام کند و ۴۵ در ۴۵ بطریق نه در نه و پنج در پنج تمام کند و هر شکل که خواهد وفق عدد بنهد
و یک عدد که اصل شمار است بر سر هر عدد و آنکه در نیمه و عدد ضرب کنند و آنچه حاصل آید قسمت کند بعبارت بنهد
که مدد چهار و چهار اول یکی می‌نهند و پنجاه بر سر هر عدد و نوزده بنهند و آنجا که عدد نهد بر سر یکی بر عدد و بیست بنهند
و چون هشت تمام کند با سر میزان اصل آید یعنی پنجاه و هشتاد و سه بنهد و برابر هفت هشتاد و چهار بنهد چنانکه برابر
یک صد باشد و ده در ده پنجاه میزان و بیست و یک صد و یکی تمام می‌شود که ده در ده صد باشد و چون یکی بر سر یکی
برد و در پنج ضرب کنند یا نصد و پنج شود از عرض و طول و قطرهای آن وفق بدهد و آنچه حکمای بزرگ بر آن متوفی داده‌اند
مثل هرماس و افلاطون و ارسطو و ابو علی سینا و جماعت حکما تا ده در ده بیش امتحان نکرده‌اند و بیش از این نبوده است
که از سه در سه تا ده در ده قسمت بهفت ستاره کرده‌اند و هر یکی بشرف کوکبی منسوب کرده‌اند و مراد خود از هفت
اقلیم و هفت فلک و هفت طبقه مردم که در عالم گرفته‌اند و هر یکی بر یکی منسوب کرده‌اند و هر یکی دیگر را نهاد از نزلک
هفتگانه و از هفته هر یکی روزی را نهند و دوازده برج بر این هفت ستاره منسوب است چنانچه شرح آن اهل نجوم را
معلوم است بدین نسبت زیادت بر اشکال یکی نکرده‌اند از جهت آنکه و در روزگار انوشیروان عادل تا بصد در صد
نهاده‌اند و کتابها و شرحها بسیار نوشته‌اند و جماعتی که در خدمت اسکندر بوده‌اند هم چنین تا بصد و دو صد می‌نهاده‌اند

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۸۶ و بغایت بزرگ بوده‌اند تا زمانی که به پیغمبر آخرالزمان رسید و چون در زمان قدیم لوح صد در صد تمام نموده بودند و علم
کاویلا بسته بودند و آن علم را برابر هیچ لشکری نداشته بودند که فتح نکرده باشند و چون بعد از زمان حضرت رسالت پناه
چند مرتبه لشکر عرب به ایران آمد و بجهت آن لوح بی مدعا باز گشتند حضرت شاه مردان و شیر یزدان لوح صد در یک در صد در یک
به علم ولایت تمام نموده بر سر علم قرار داده و حضرت امیرالمؤمنین عمر را به سپه سالاری و پیشوای لشکر نامزد نموده چون حضرت باری
نزول اجلال فرموده و جنگ در میان پادشاه عجم و حضرت واقع شد یک مرتبه علم کاویلا به دست لشکر اسلام افتاد و آن
به مدینه آوردند و صحابه حصه نمودند و آنرا یکی از حکمای اشراقی در شرف آفتاب نوشته بود و شرح آن لوح بسیار است چنانچه در
کتابها نموده اند این ضعیف در نهادن هر شکلی شرحی بگوید چنانچه در هیچ کتاب نگفته‌اند اما شرح خواص هر شکل در کتابها گفته‌اند
و معروف است طلبان خلاف اما این نکتها در هیچ کتاب نباشد مگر کسی که تجربه به در کار کرده باشد اظهار کند اکنون آنچه از شرح
اشکال که هر یک را چند نوع می‌توان نهاد یازده در یازده تعلق به خلوا دارد و مخصوص خواطر آورده و اگر خواهند که بنهند آن
کناره دست راست ابتدا کنند و پنج خانه بالا و پنج خانه زیر رها کنند و یکی در آنجا بنهند و هم بر آن سطر مرتبه مرتبه
بر زیر می‌آید تا پنج خانه و شش یکی بشد و دیگر از جانب چپ بنهند
و میل به جانب بیخ نماید و مرتبه مرتبه بنهند تا ده تمام شود
و یازده فرض طرف بالا آن روند و ده خانه میانه سطر بنهند و
دوازده فرض عرض یکی باشد و مرتبه مرتبه بالا روند تا
شانزده تمام شود و هفده هجده و نوزده و بیست پهلوی یازده
بنهند در سطر بالا و این بیست صد میزان این لوح است نگردد

۱۰	۸۶	۹۴	۶	۹۶	۴	۹۸	۲		۹
۱۸	۳۴	۶۹	۷۲	۲۷	۲۶	۷۷	۸۰	۱۹	۸۳
۸۴	۷۱	۲۸	۳۳	۷	۷۶	۲۰	۲۵	۷۸	۱۷
۱۶	۲۹	۷۴	۶۷	۳۲	۲۱	۸۲	۷۵	۲۴	۸۵
۸۷	۶۸	۳۱	۳۰	۷۳	۷۰	۲۳	۲۲	۸۱	۱۴
۸۸	۸	۵۰	۵۳	۵۶	۴۲	۶۱	۶۴	۳۵	۱۳
۱۳	۵۵	۲۲	۴۹	۵۴	۶۳	۳۸	۴۱	۶۲	۸۹
۹۰	۳۵	۵۹	۵۱	۴۸	۳۷	۶۰	۵۹	۴۰	۱۱
۸	۵۲	۳۶	۳۰	۵۷	۶۰	۳۹	۳۸	۶۵	۹۳
۹۲	۱۵	۷	۹۵	۵	۹۷	۳	۹۹	۱	۹۱

ند دو جفت که بعبارت خود بنهند بدین صفت اینست
خواص اگر زنی کم شیر باشد این طلسم را بشوید
بر کردن زن بیاویزد از فضل الله تعالی
شیرش بیفزاید صفة طلسم اینست ا صه صه
صه وما و ر ح ح ح ح فانفجرت
منه اثنتی عشرة عینا اللهم زد لبن
فلانه بنت فلانه بمحمد و آله الطاهرین

۱۶	۱۱۵	۱۱۴	۱۱۳	۱۱۲	۱۱	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱۱۶
۱۵	۲۳	۹۶	۹۵	۹۴	۲۹	۳۳	۳۵	۳۶	۹۷	۱۰۷
۱۴	۳۲	۴۶	۸۱	۸۰	۴۳	۴۷	۴۹	۹۲	۹۰	۱۰۸
۱۳	۳۱	۴۵	۵۵	۷۰	۵۳	۵۶	۷۱	۷۷	۹۱	۱۰۹
۱۲	۳۰	۴۴	۵۴	۶۰	۵۹	۶۴	۶۸	۷۸	۹۲	۱۱۰
	۱۱	۸۵	۷۳	۶۵	۶۱	۵۷	۴۹	۳۷	۲۱	۱
۱۲۰	۱۰۰	۸۴	۷۲	۵۸	۶۳	۶۲	۵۰	۳۸	۲۲	۲
۱۱۹	۹۹	۸۳	۵۱	۵۲	۶۹	۶۶	۶۷	۳۹	۲۳	۳
۱۱۸	۹۸	۴	۴۱	۴۲	۷۹	۷۵	۷۴	۷۶	۲۴	۴
۱۱	۷	۲۵	۲۶	۲۷	۴۸	۹۳	۸۸	۸۷	۵۹	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱۱	۱۰۵	۱۰۴	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۶

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنای بی عدد دیان صانعی را که زمین مطبق بسته بر الجبال را بر دوش آسمان معلق مبنی السیارات آمیزید و از بدان امتزاج ۸۷
۴۴ درجه عناصر و طبایع از اولاد و اتباع او را از اکمل اصفیا پدید آورده جهت ارشاد و هدایت عباد ناس را احمد مرسل را در بخش اسلام
در اقالیم ربع مسکون منتشر گردانید و درود نامعدود و دقیب مقدس محمد و البنا و روضه منوره مثمن الارکان نقطه دایره وجود
صاحب مقام محمود شافع ... ادر ... عاصی مردود محمد المبعوث علی کل الوجود صلی الله با جاه الخطاب الخاتم و بر اهل بیت مطهرش
بتمام خمس آل عبا و اصحاب الکرام خصوصا المبشرین جنة المأوی رضوان الله علیهم اجمعین اما بعد چنین گوید کاتب این رقم
حسن المشتهر بمیر کاتب احسن الله احواله و نور بحقایق معرفته بالکه بمقتضی کلام نبوی علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات
علم الاعداد اجل العلوم بعینه نقد در عنفوان شباب موفق شده در این علم مطالعه کتب علما نموده گشت از جانب جمیع علما اکابر
بتجربه معلوم کرده باشد از خواص عجیب و وفق اعداد و وضع آن جا بجز مستحق اهل وقوف باشد و نتایج غریبه از آن بظهور رسید
در حیز تحریر آورده بحکم المأمور معذور اکابر عرایس افکاری که منقوش لوح ضمیر بود مرقوم جمله تحریر کرده اند المسمی بجامع الخاتم
فی الاعداد و من الله التوفیق و الیه المآب باب اول در خواص ۳ در ۳ که این عدد را مثلث خوانند بدانکه اعداد تا بشمار آدم
نرسد مستعد قبول اعتدال و وفق نشود و صحیح بدانکه هر عدد را کمالیست و عدد کمال ۴۵ است و منقول است و بعضی این
ابیات آن بحضرت صادق علیه السلام نسبت کنند من و بعضی از امیرالمؤمنین علیه السلام از یک تا ۹ چون بشمار آورند

ب	ز	و
ط	ه	ا
د	ج	ح

۴۵ باشد مناسب عدد آدم و بعضی در خواص ۳ و ۳ نوشته اند و ترتیب ابطح جح حروف وفق العدد دقیق نافعه
لعسر حمل الولد و یجمع الآبق فی ساعة البلد و امام محمد غزالی مخترع آن باشد در خواص ۳ در ۳ وضع نهاده اند بزرگان نقش کار
کاعداد آن بر مز بجا هم همی نوشت عید غریب بسال هو و لحضرت آن جح نقش مهین کعبه کرای کوثر شت میعاد وضع
حمل و نمازن و خدای عرش باران مصطفی و طلاق و در جنت و از خواجه نصیر الدین منقول است که حروف نرگان کرد ترتیب
آحاد است بر عیسی مریم ... رسید بود در بطلان سحر جهت تبت اما جهت وضع حمل این شکل را بر سفال آب نرسیده کشند بر
وصله و یکی بر ران پای راست بندند و یکی بر ران پای چپ و یکی بر پشت در ساعت از نیخ خلاص شود و چون روز دوشنبه ساعت
قمر این شکل بنگارند و بجوی صود هند تا در شب پا خود دفن کند از بند ... بزرگ اند زاین شکل چون بنام گریخته نویسند
و نام در باب عدد عدو نیخ بنویسند و در محل خوابگاه او دفن کند و سنگ گران بر بالای آن نهند متحیر شود و باز گردد و اگر بر جهار
وصله کاغذ کشند و هر یکی در کوزه آب نرسیده نهند و در چهار گوشه کشت زار دفن کنند ملخ در آن کشت زار نایافت
شود و جهت باطل السحر این شکل را بنگارند و آیة الکرسی را بحروف مقطعه در حوالی آن بنویسند و به آب حل کنند و آن آب را
بنوشند سحر باطل شود و اگر کسی را بسته باشند بر ران بطریق ... بعمل آورند که مجربست و چون قمر در نحس باشد و با کواکب

آدم ۴۵

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۸۸ سعد بنظر سعود بود بر پوست آهو بنویسند حاصل قادر گردد و بر حرکت و از راه رفتن باز ماند و ملول نشود و چون قمر
در سرطان باشد و ناظر سعود در نفر خالص بنگارند حاملش متین باشد بر جمله حرکات و غالب گردد بر دشمن و چون
بروز زهره و ساعت زهره بنگارند حاملش هر که بر کسی که سخن گوید مطیع او گردد و اگر در روز زهره و ساعت قمر بنگارند و زر را با خود
دارند از جمیع مکاره و خوف ایمن باشند و چون اجتماع نیرین باشد بنویسد هر حاجت که متعذر شود روا گردد و اگر قمر ناظر شمس
باشد بتسدیس یا بتثلیث بنگارند حاملش را جاه و حشمت بیفزاید و اگر بطالع اسد بنویسند و آن را آن نیز از ما سازد با علم کبر
و بخور عنبر و زعفران کند تا بغایت بهتر دهد و اگر قمر بتربیع یا مقابله مریخ بود با هم تخصین بنویسند در میان ایشان
تفریق افتد و حکما گفته‌اند که این شکل را بسیار با خود داشتن خوب نیست که پریشانی آورد ۳ در ۳ عداوت انگیزد و چهار
در چهار با هم آمیزد و چون قمر ناظر زهره یا مشتری باشد بنظر سعد جهت محبت بنگارند که اثر عظیم دهد جهت فتوحات هم
باین نظرات نویسند و شرط نوشتن بجا آرد و بخور لبس رانند و عزیمت بخوانند که مقصودات کلی و جزوی حاصل شود مثال
۳ در ۳ این است که مسوده شد در وقت عمل باید مثلثها مذکوره را در شب شکل مربع نوشت که طول و عرض آنها مساوی باشد

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲		۴

۲	۷	۶
	۵	۱
۴	۳	۸

فصل بدانکه ابتدا با این شکل بصورت نظم طبیعی از جهة
فتوحات ابتدا از خانه ۲ و بجهة محبت ابتدا از ۴ و بجهة
خروج ابتدا از ۶ و بجهة تفریق ابتدا از ۸ و هر یک شکل را
اثری موکل است و در این شکل بسیار غرایبات هست از قهر

۶	۷	۲
۱	۵	
۸	۳	۴

۲		۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

و تسلیط و تملیک و تخریب و قلع و تمریض و تفریق لا حول و لا قوة الا بالله فصل
بدانکه طریق یونانیان هرگاه خواهند که از جهت بعض و تمریض و فتوحات و هر عملی که کنند طریق ایشان آن است که پنج اسم
از این استخراج می‌کنند و عزیمت بخوانند و مقصود حاصل کنند بدین طریق که اول پنج کبیر نهند و ۶ ۳ عدد بر او اضافه
بر ۶ ۳ و بحروف بر نهند و گویند شبدائیل ۲ نهایت عدد که ۹ است اضافه بر ۶ ۳ کنند و گویند شیحائیل ۳ عدد
عدل که آن پانزده است بر ۶ ۳ کنند و گویند که شیطائیل ۴ عدد ضلع که آن پانزده است بر ۶ ۳ اضافه کنند
و گویند شکدائیل پنجم عدد جمله و فق است بر ۶ ۳ اضافه کنند و نطق دهند و گویند بعد از آن عزیمت ساخته قرائت نمایند
که اقسمت علیکم و عزمت بکم بحق ربنا الکم یا شبدائیل و یا شحائیل و یا شیطائیل و یا شکدائیل و یا شدائیل
افعلوا کذا و کذا الساعة الساعة الساعة فصل در دانستن طریق حکماء فرس و اصطلاح این قوم چنان است
که ۳ در ۳ یا مضمر است یا مظهر و مظهر آن آن است که اسم طالب و مطلوب بگیرند و آیه بجهت و این وفق بنگارند مثال طالب محمد
قسمت را
۹۲ مطلوب مجموع ۹۸ و اسم و دو دو ۲ این جمله ۲۱۰ باشد ۱۲ طرح کردیم الباقی ۱۹۸ ماند بر سه قسمت کردیم هر قسمی ۶۶ و دو

دی معنی ارکان [illegible] ساعات [illegible] / [illegible] با یستی [illegible]

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

طرح وبایستم را در ۲ و در ۳ درآوردیم بصورت نظم طبیعی تمام کردیم واگر کسر واقع شود در این شکل راست نیاید و خیر
کسر قبل کند مثلث هذا است

۶۷	۷۲	۷۱
۷	۷	۶۶
۶۹	۶۹	۷۳

در خواص چند یکی در این شکل نموده میشود اول حب
کسی مبتلای دل باشد وخواهد که دلش برو باشد عدد سوره والعصر بگیرد و عدد اسم
آن دو کس بگیرد و در مثلث ثبت کند ۲۰ ۷ و در کوزه نو که آب نرسیده باشد وآب از آن خورده باشند بگذارد
وآب از آن با خود دارد الله نعم دل ادرا از آن شخص یاد کرده اند و سرد کند واگر خواهد که کسی را از مرتبه بیندازد عدد و ما
از مصیبت و عدد آن ظالم در روی ثبت کند و در گورستان دفن کند از آن مرتبه بیفتد وآیه بعد اسم آنکس بخواند
واگر خواهد که ظالمی را بجبر کند عدد فی قلوبهم مرض بگیرد واسم آن ظالم را داخل برو نقش ثبت کند و بعد این جمله بخواند
و در گذار او دفن کند یا در گورستان که آنکس تا توبه نکند به نشود واگر خواهد که کسی از عشق دلش برد شود بگیرد
عدد آیه یا نار کونی بردا و عدد اسم آنکس بدو نقش ثبت کند و در کنار آب روان دفن کند دلش تسکین یابد و سوره تبت یدا
ابی لهب همین عمل دارد واگر خواهد که کسی را مطیع خود کرداند عدد لو انفقت تا حکیم بگیرد و با اسم آن شخص در مثلث ثبت کند
و از باد بیاویزد آنکس مطیع او شود واگر خواهد که کسی را زبان ببندد عدد صم بکم عمی فهم لا یعقلون و عدد اسم آن شخص در این
شکل ثبت و در زیر سنگ گران نهد که آن کس زبان بسته شود و بهر طلب از این اعمال نظری است که اکثر بتجربه رسیده و
منفعت بخوانند که بتجربت **فصـــل** در طریقه حکمای مغرب و بحث ایشان در مفردات و موهبات و عدد مفردات خواص اسماء
بیند
نموده اند مثل کتابش بعرفت در رزق و تسخیرات و در مفردات قهر و تسلیط حمی و بعض و ادراک و قبض و هر چیز که خا
و هر عملی که کنند از قرآن مجید آیتی که مناسب باشد در عمل و حواشی آن دو نقش نویسند بدین مثال اذا زلزلت الارض زلزالها
و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها یومئذ تحدث اخبارها بان ربک اوحی لها یومئذ یصدر الناس اشتاتا
اشتاتا اشتاتا تفرقوا ارتحلوا تفرقوا خضانا و تعالوا بالسکم بینکم شدید و حرجا بینکم ماذا و مکم الاحبا الا بغضب قلب ۲ فلان
۲ فلان علی فلان ۲ فلان الساعة الساعة تا کار شخص بجا کند رسد بر این عمل و دفع هر چیزی مشغول شود تا مضرت
نیابد و دوری بدین مثال و دیگر جماعتی از اهل مغرب از این مرضان و اسم استخراج کرده اند و عمل بر آن کنند بدین مثال
اول اططهیاک دوم بطططمیاک سیم جطططهیاک چهارم وططهیاک پنجم هطططهیاک ششم وططهیاک
هفتم زططهیال هشتم حططهیال نهم ططططهیال بدین صورت و قسم میدهند بدین طریق که اقسمت علیکم یا اططهیاک
تا آخر بحق الحق بحق خالق الخلق بان تفعلوا کذا کذا **فصـــل** در طریقه مظهر و نفع الکتابه و آن چنان است که از مجموع عدد
مثلث بیرون آورد و در خانه قطب نهد و باقی عدد در طول و عرض قسمت کند بر این جمع این عدد ۹ ۷ ۲ مثلثش ۳ ۹ باشد
بیرون کردیم و در قطب نهادیم و باقی عدد را قسمت کردیم بر این مثال شد

۶۶ ۱۲۹ ۸۳

عباد	لطیف	الله
۷۵	۹۳	
۱۲۰	۵۷	۱۰۲

الله	الا	لا اله
مبدی	دایم	[illegible]
جلی	حکیم	بار الطف

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۹۰ فصل در طریقه حکمای بابل و یونان در بیان آنکه چهار ملک ملازم این شکل اند اول ما لیسوا بمیصول دفع آنکه کشنده از
ابتدا کنند ۹ نوبت این اسم بخوانند و در جلوی اول این اسم بنویسند دوم یا ستمیعها چون شکل دوم بکار
این دو جلوی خانه ۲ بنویسند ۹ نوبت سیم یا کشفوثا و چون شکل سیم بکار برند این اسم در خانه ۳ بنویسند و نه نوبت
بخوانند و چهارم مطیطلیجوان چون شکل چهارم بکار برند این اسم را در جلوی خانه ۸ بکار برند ۹ نوبت بخوانند بخورات
بسوزانند و اسما بخوانند که البته مقصود حاصل شود فصل در اصطلاح اهل بابل و یونان ایشان میفرمایند که چون خواهند
که این شکل بکار برند ابتدا بعدد یک کنند و یک نوبت بگویند آه آه و چون عدد ۲ بکار برند دو نوبت بگویند بعطوبال
و چون عدد ۲ الهند ۳ نوبت بگویند جلشوح و چون ۴ بنویسند چهار نوبت بگویند میال و چون ۵ بکار برند ۵ نوبت
بگویند هطططمیشو و چون ۶ بنویسند ۶ نوبت بگویند وکوهم و چون ۷ بنویسند ۷ نوبت بگویند زنفطا و چون ۸ بنویسند
۸ نوبت بخوانند حلاید و چون خانه ۹ بنویسند ۹ نوبت بگویند طمیال این اسما و این عزیمت پس از ایب اعمال در وقت
و در جمیع اعمال مثلث این عزیمت باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم بَرْهَتِیَهٍ بَرْهَتِیَهٍ کَرِیرٍ کَرِیرٍ ابرشان تَتْلِیَهٍ طورانز
مُزَجْلٍ مَزْجَلٍ تَرْجَلٍ تَرْقَبٍ تَرْهَشٍ تَلْمَش خُوطِیرٍ قَلْتَهُوبٍ آبرشانٍ کَظْهِیرٍ مُوشِیخٍ مَلُوشِیخٍ بَرْهَبُولا
نَشْکَلِیخٍ کَرَمْرٍ لَغْشٍ لِبطٍ تَبَراطٍ تَجَطِیرٍ غِبَاهاً کَبَدْ هولا شمخا میرشا خیرشها هیر بحق العهد المأخوذ علیکم
والانقیاد فیما امرکم به وبعزة العزیز فی عزة عزة وبطشه وشدة قهره واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان
بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون افعلوا کذا وکذا بحق الله الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر وبحق بدوح
اجهزطٍ بطدٍ زهج واح وبحق قسم اولد آل وآخره آل ذوالجلال والاکرام وبحق الله لا اله الا هو الحی القیوم فافعلوا
ما تؤمرون بارک الله بکم وعلیکم ان ابیتم ما وصف علیکم انصرفوا بحق من خشیتم من اجله بلا ضرر ولا اضرار بارک الله فیکم و
علیکم و بعد از آن قل هو الله و آیة الکرسی و معوذتین بخوانند و بخور دهند تا از ضرر ایمن گردند دیگر از جمله خواص
این شکل آن است که اگر چیزی را دزد برده باشد و ظاهر نشود بنویسد این شکل را بر بیضه و نام سارق یا ذاهب یا آبق
و در تنور یا مطبخ چون بخار آتش به بیضه رسد آن دزد یا آن گریخته متغیر شود و باز گردد بامر الله تعالی و چون دفن کند
بگوید اللهم اجعل جمعا بین فلان و فلان بدین مثال بنویسد فصل در طریقه حکمای مصر و اعمال ایشان بدین مثال که
که عدد اسم هر چیز که خواهند از خیر و شر و مطلوبی که دارند در مطلب شکل بنویسند و بعد و اسم مشغول شوند و مقصود خود
حاصل کنند مثال یا مفتح فتح باخیر در وسط بنویسند و وفق تمام کنند و این اسما را بعدد شخ بخوانند که مراد حاصل شود
بدین مثال نموده شد این شکل و اگر کسی را خواهد که قهر کند چون قمر در برج مریخ
یا مقابل باشد یا ساعت نحس این شکل بر کشند و در مسجد خراب بنهد و چون قمر در سرطان باشد و ناظر

١٨٢١	١٨٦٤	١٨٢٣
١٨٢٢	یا مفتح فتح باخیر	١٨٢٨
	١٨١٤	١٨٦٩

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

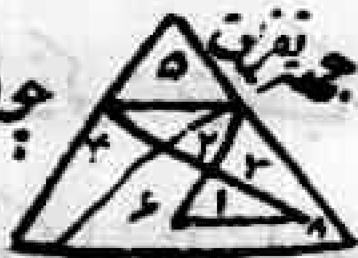
بمشتری این شکل بکارند و ودیك خلعت بگویند یا اتی بیتر ید العمر ۵۲ ء ۱ نوبت که چنان این را تمام خواند با شد چون کد شود کشادنی در کار شود بدین مثال که نموده اند و اگر کسی را خواهد که قهر کنید چون قمر تربیع مریخ یا مقابله باشد نحس این شکل برکشند و در بیند خراب متوجه قبله شود ۱ ء ۹ نوبت این اسما را بخواند که آنکس مقهور شود بدین مثال



	۱۰۵۹	۱۰۵۸
۱۰۰۱	یا علیم ...	۱۰۵۳
۱۰۵۶	۱۰۵۵	۱۰۶۰

۹۶۰		۹۵۸
۹۵۹	یا خبیر ...	۹۶۳
۹۶۴	۹۵۶	۹۶۲

اگر خواهد که زبان کسی را بربندند چون قمر با اجتماع شمس باشد این شکل را بنکارند و نام آنکس در پشت صفحه بنویسند با عدد اسم اضافه کنند و در پیچد و در زیر سنگ گران نهند که زبان آنکس بسته گردد مثال این است





۵۴۳		۵۴۲
۵۴۵	...	۵۴۱
۵۴۴	۵۳۹	۵۴۰

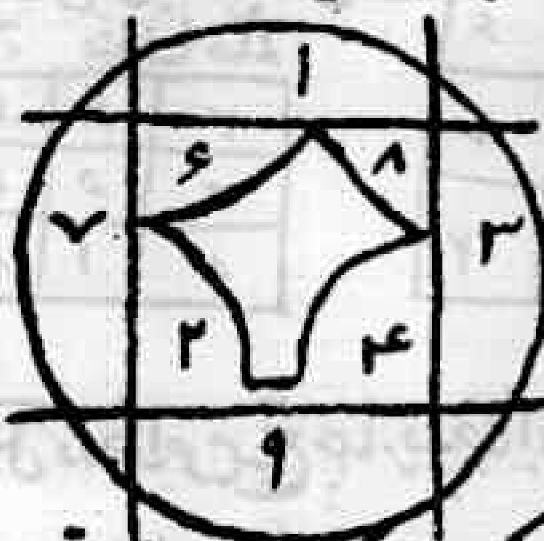
طریق دیگر وضع اسامی که آنها مثلث صحیح باشد و در مربع سه در سه خانه که آنرا ابتغ نوشته شد بنظم طبیعی بکارند و بعد ثلث عدد را در وسط بنهند و فرزین وار در خانه یکی کم و در خانه یکی زیاد از وسط بنهند و در سطر فوق را تمام کند بدین مثال که نموده شده است فصل در مثلث هندسی و آن در شش نظم طبیعی این است

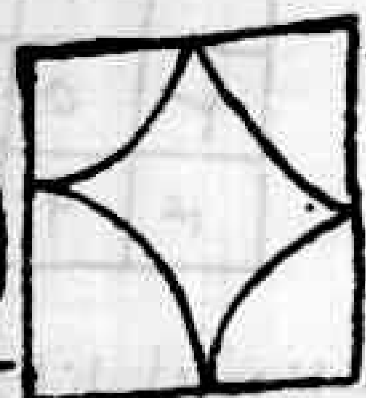
۳۸	۱	۲۱
ج	۲۰	۳۶
۱۹	۳۹	ب

۱۹		ب
ج	۲۰	۳۶
۳۸	۱	۲۱

۴۲	۳	۸۴
	۴۳	۱
۲	۸۳	۴۴

قاعدهٔ دیگر در مثلث هندسی آن است که شش خانه برخی نویسند و از عدد کل آنچه در افعال و واقع است طرح کنند و در این سه خانه باقی وضع کنند که موثق است مثال هو این اسم احمد که ۵۳ است و دیگر مثلث مدور و آن بروش طبیعی این است که نموده شد فایده دیگر این مثلث را که صنوبری میگویند بنویسند و در نوبت عقرابی با آن را شکل در پیچند و در دیوار خانه که خواهد و در آستانه آن خانه بنهند که تفرقه افتد هر چه صعب‌تر این است که نوشته آن این مثلث آن است که ابرا بنویسند و مقام دشمن بفشانند که تفرقه واقع بشود









در روش مثلث در پاچیان است که عدد که صحیح او را مثلث باشد دو قسم سازند و ثلث آن در قطب نهند و تلثین بر فوق آن وضع و باز ثلث را دو سازند و در یمین و یسار بتلثین وضع کنند و باقی عدد را در طول و عرض بکارند مثلا اسم قهار ۳۰۶ است ثلث او ۱۰۲ شد

۳	۱۰	۱
۲	۵	
۹		۶

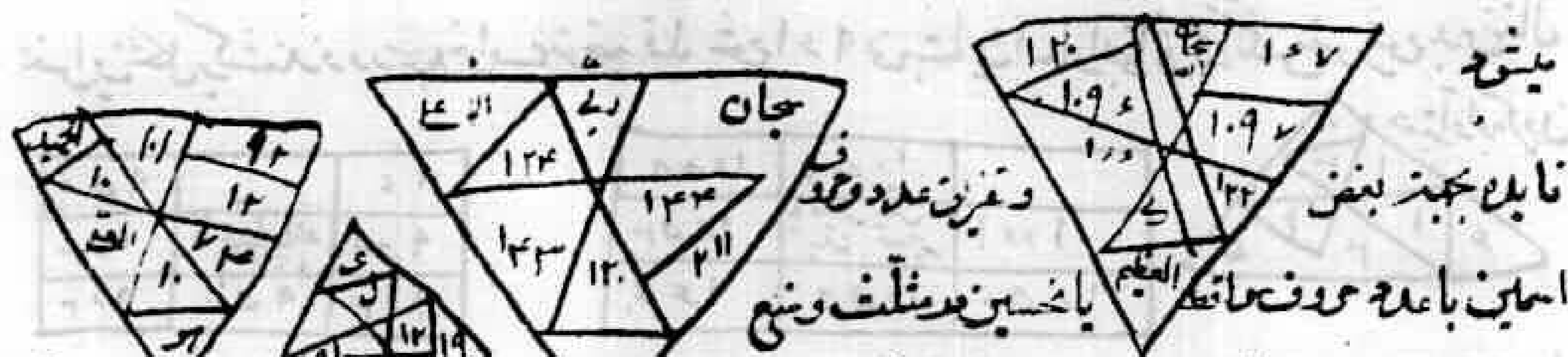
۳	۸	۱
۲	۴	۶
۷		۵

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۹۲ نهادیم و ثلثین که ۳۰۲ است بر بالای آن قسم گذاشتیم و باز ثلث را و نصف چهارم ۳۰ و قسم کردیم و ۵ در یمین نهادیم

و ۲ ۵ در یسار و باقی عدد در خانها قسمت شد بدین طریق و طریق دیگر و ذالکتابه بر نحو دیگر این است که نموده



میشود تا بدان جهت بغض و تعزین عدد و حروف اسمائی با عدد حروف حافظ یا حسین عدد مثلث و نیع کند و حروف اسمائی و کوکبین را ذکر کنند ترکیب کرده و در کرد آن بنویسند و اگر را ذکر کنند تکسیر کرده بجهت باشد.

۵۲	۲۰۴	ب
۱۰۰	۱۰۲	۱۲
۱۵۴		۵۲ ۱

تا بدی دیگر از مثلثات جهت اخراج و اتصال مقصود بود آیه لا تذرنی الی دیار اگر بر کرد آن نویسند و در بغض و القینا و در الهزام و انکسار سیهزم الجمع تا آخر باید و دیگر

در مثلثات اگر عمل خیر کنند باید که زحل مسعود بود در تثلیث و یا تسدیس قمر یا مشتری یا زهره یا شمس و می باید که

در شرف باشد یا ابع یا مثلثه یا در خانه خود اگر عمل بد کنند می باید که زحل نحس باشد بتربیع یا مقابله

یا راجع باشد و دیگر می باید که در آن روز که نویسند ابتدا از حروف آن روز کنند ایکشنبه تا که شنبه است

و تعلق بر امر حاره و ط بد نب و حروف مثلثات این است و اح د ز هج بطد و اگر با اسم شخص نهد و طالع وی داند

بر حسب عناصر اربعه مثلثات چهار مزاج بنهد و هر عمل که کنند بنظر قمر که خاص است و آنچه بشر کنند بروز زحل

و مریخ و آنچه جهت محبت باشد یکی با اسم طالب و یکی با اسم مطلوب و اسم طالب بر وفق اسم مطلوب و اسم مطلوب

بر وفق اسم طالب بنویسد و دیگر گفته اند که مثلث را خاصیت فتوح و محبت و اخراج و تفریق هست جهت فتوح

مثلث ناری که جهت محبت مثلث بادی و جهت اخراج مثلث آبی و جهت تفریق مثلث خاکی و هر یک از این مثلثات را موکلی بود

دیهکی او بیاید نوشت

مثلث خاکی

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

مثلث ناری

	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

مثلث بادی

	۲	۷	۶
۹		۵	۱
	۴	۳	۸

مثلث آبی

۶	۷	۲
۱	۵	۹
	۳	۴
۸		

فصل در خواص مربع چهار در چهار این اعداد را نماینل خوانند و هر که این شکل با خود دارد در نعمت و عزت افزاید و جهت

تحصیل مرادات مناسب است و چون آفتاب به شرف باشد بنویسد که با خود دارد مقبول نظرها گردد و محبوب سلاطین

شود و اگر قمر در کف الخضیب باشد و ناظر بمشتری یا زهره باشد بنظر دوستی این شکل نگارند محبت و مودت ما بین بود و

چون قمر بنظر سعد باشد با مریخ برکشند حامل آن مظفر گردد بر دشمن و چون زهره در شرف باشد و قمر در دو نور باشد و میزان

باشد این شکل را در خاتمی نگارند یا بر حریر باشد حامل آن محبوب خلایق گردد و اگر ابتدا بسیار با خود نگاه دارد در جهان

www.Fmehr.com

www.FMR.ir

www.FMEHR.com



www.FMR.ir

www.FMEHR.com

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

ایمن شود و تولیج را برد و چون قمر ناظر بمریخ باشد بدو این شکل برکشند حامل آن از زاد و رهزن ماءمون شود و بر دشمن

القمر
مظفر گردد و از شر اعدا بسلامت باشد و از مکاره و خسران ایمن باشد و اگر بقران زهره و عطارد بنویسد و منبع

کردد و اگر در برج ان سرب نقش کنند کاهیکه زحل در شرف باشد و قمر در حد زحل حاملش معروف و مشهور گردد و نافذ

القول شود و نزد سلاطین مقبول و محفوظ گردد و از کید اشرار ایمن باشد و اگر در خشت پخته نگارند و در منبع کاریز

تعبیه نمایند آب افزون شود و چون قمر در تثلیث آفتاب یا زحل بود حاملش نزد ملوک با حرمت بود و اگر قمر در تثلیث

عطارد بود نزد وزرا و اهل قلم با حرمت باشد و اگر قمر در تثلیث زحل بود حاملش نیز عزیز گردد و نزد اهل احتشام و قلاع

با حرمت باشد و اگر در ساعت ثلث این شکل نگارند و با آب حل کنند و بیاشامند مجموع علتها را دفع کند و اگر بنویسند بسبب

مصروع که بیهوش باشد بر سر او بندند با هوش آید و اگر بعود باشد آید و با علت تمام باشد حامل این شکل محفوظ باشد

و اگر در پشت کتاب بنویسند از دزد ایمن شود و در هر خانه که باشد بیمن خیر دارد و از برای تألیف القلوب و صلح بین الزوجین

موافق بود و گفته اند که در کشتی نوع ۴ این شکل نگاشته بودند بهتر از غرق ایمن گشت و از خواص مشهور او آنست

که در مهر چهار نگارند آنچه از ... نگاه دارد و از خواص او فاقه ... طبیعی در مربع گفته اند که اگر نقش نوع الزوج باشد

و وقت اجتماع و قمر در شرف یا در خانه خود باشد بر صفحه یا در خاتم زر و نقره بنگارند حاملش بسلامت باشد

و اگر وقتی که نقش فرد الفرد باشد و قمر متصل بود یا زحل یا قمر در وبال بود هر وقت که با خود دارد حامل نشود

اما اشهر انواع که مبنی بر اعوذ ... است با تمام و معنی این کلمات آن است که اح در سطری باشد و زهب در سطری

و وج در سطری و د ه و در سطری و خواه طولی و خواه عرضی بدین منوال میشود کو اگر ترا هوس بچار و چهار ات

احوف وجه یقین ترا در کار است ادفط با ب ... و ... ب ... بلقه ...

دو خانه ... نقصان کن ... معیار است و شارح رساله ... است که ۴۰

نوع مربع ۴ در ۴ نگاشته و ده از ده نوع بطریق نظم طبیعی نموده شد و صورتهای او این است

۹	۷	۱۴	۴	۱	۱۴	۱۱	۷	۸	۴	۹	۷	۸	۱۱	۱۴	۱
۶	۱۲	۱	۱۵	۱۲	۷	۲	۱۳	۱۵	۶	۱۲	۱	۱۳	۶	۷	۱۲
۳	۱۳	۹	۱۰	۶	۹	۱۶	۳	۱۰	۳	۱۳	۸	۳	۲	۹	۶
۱۶	۲	۱۱	۵	۱۵	۴	۵	۱۰	۵	۱۶	۲	۱۱	۱۰	۵	۴	۱۵
۱۲	۶	۱۵	۱	۱۲	۷	۲	۱۳	۱۴	۴	۹	۷	۱۳	۲	۷	۱۲
۷	۹	۴	۱۴	۶	۹	۱۶	۳	۱	۱۵	۶	۱۲	۳	۱۶	۹	۶
۲	۱۶	۵	۱۱	۱۵	۴	۵	۱۰	۸	۱۰	۳	۱۳	۱۰	۵	۴	
۱۳	۳	۱۰	۸	۱	۱۴	۱۱	۸	۱۱	۵	۱۶	۲	۸	۱۱	۱۴	۱
۹	۸	۷	۱۳	۳	۱۰	۵	۴	۱۵	۱	۱۲	۶	۱۲	۸	۱	۱۴
	۱۲	۱	۱۵	۸	۱۱	۱۴	۲	۱۴	۴	۹	۷	۲	۱۳	۱	
۳	۱۳	۸	۱۰	۱۳	۲	۷	۱۲	۱۱	۵	۱۶	۲	۱۶	۳	۶	۹
۱۶	۲	۱۱	۵	۳	۱۶	۹	۶	۸	۱۰	۳	۱۳	۵	۱۰	۱۵	۴

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

٩٤ فاين در اصطلاح وفقيان مربع با مظهر است يا مظهر و يا دو الكتابه واما مظهر آنست كه اگر اسمی یا حرفی را بجهت

در مربع بكار برند بر بن طريق كه نموده شد صورتش اين است اما مضرجنين بود نصف

نصفی و ربعی وسدسی اما طريق سدسی آن است كه از يكی تا بدواز
خانه بنظم طبيعی نويسد

و از كل ۱۲ طرح كنند و عددی كه خواهند در خانه ۱۳ افكنند و تمام
كنند بر اين مثال در

م	ی	ظ	غ
ظ	ع	م	ث
ع	ظ	ی	م
ی	م	ع	ظ

اسم فتاح ٤٨٩ از يك تا دوازده بصورت نظم طبيعی آمديم واز عدد كل ۱۲ طرح نموديم ٤٧٨ در خانه ۱۳

انگاشتيم و تمام كرديم بدين صورت
اما طريق نصفی و آن چنان است كه عددی كه

خواهند بگيرند و از آن عدد نصف
كرده و باقی كه ماند از يكی تا ۸ بر نظم طبيعی

ثبت كنند و بعد از آن آنچه باشد
در خانه ۹ بنهند و تمام كنند بر بن مثال كه عمل

٨	١١	٩ ٤/	١
٨ ٤/٣	٢	٧	١٢
٣	٤٧١	٩	٤/
١٠	٥	١٣	

در اسم عظيم ۲۰۲ نصف كرديم باقی ۱۰۱ از يكی تا ۸ كه ۱۰۵ بود و ۲۵ دو ماند در خانه نهم ثبت كرديم و تمام ساختيم

بدين صورت واگر عدد كسری باشد در خانه ۱۳ بيفزايند كه راست آيد بر بن مثال در اسم مالك ۹۱ طرح نصف الباقی

٤٥ كسری از يكی تا هشت بصورت نظم طبيعی آمديم و ۸ از ٤٥ رقم ۳۷ ماند در خانه نه نهاديم و در خانه ۱۳

كسر را افزوديم تمام كرديم بدين مثال كه مسوده شد اين است
طريق يك ربعی است و آن

چنان است كه از عدد مطلوب ۳۰ طرح كنند و باقی را بچهار
قسمت كنند و خارج قسمت را

در خانه اول افكنند و بصورت نظم طبيعی تمام كنند و اگر كسری
واقع شود يك عدد در خانه

٨	٥٤	٥٧	١
	٢	٧	٥٠٥
٣	٥٠٩	٥٠٧	٦
٥٠٣	٥	٤	٥٠٦

۱۳ بيفزايند و تمام و اگر دو باشد در خانه نهم بيفزايند و تمام سازند و اگر ۳ كسر باشد در خانه ۵ يك عدد اضافه

نمايند و وفق را تمام كنند مثال اين است

٣٢	٣٥	٢٩	٢٣	٢٢	٢٦	١٩	١٥	٢٧	٣٠	٢٤	٢٠	٦٤	٦٧	٧٠	٥٧
٣٧	٥	٢٥	٣١	٣٦	٣٨	١٦	٢١	٢٧	٣٣	٢٦	٣٩	٦٩	٥٨	٦٣	٦٨
٢٦		٣٣	٣٠	١٧	٣١	٢٤	٢٠	٢٢		٢٨	٢٥	٥٩	٧٢	٦٥	٦٢
٢٤	٢٩	٢٧	٢٩		١٩	١٨	٣٠	٢٩	٢٤	٢٣	٣٥	٦٦	٦١	٦٠	

مربع مالك

٨	٣٩	٤٣	١
	٢	٧	٤٠
٣	٣٥	٣٧	٦
٣٩	٥	٤	٤٢

با ملحقا تش ضرب كنند و حاصل ضرب ثانی را از حاصل ضرب اول كه ضرب اسم طالب در مطلوب بوده كم نمايند آنچه باقی بماند

بچهار قسمت كنند و سه قسم را طرح نمايند و يك قسم را بگيرند و عدد اسم را يعنی اسم مطلوب را با ملحقاتش اضافه نمايند

و در يك خانه مربع ثبت نمايند و ديگر بار بهمين عدد را يعنی عدد اسم مطلوب را با ملحقاتش اضافه نموده در دوم خانه ثبت

كنند و هم چنين بر حاصل هر خانه عدد اسم مطلوب را با ملحقاتش اضافه نمايند و مربع را بدين دستور نمايند اما تا عدد آن

كه عدد حاصل ضرب اول را چهار چهار طرح نمايند اگر يك باند از خانه آتش مربع شروع كنند و اگر دو ماند از خانه باد و اگر سه باند

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

از خانه آب و اگر چهار باشد از خانه خاک شروع نماید بعد از آن مربع را با مرکز تنزل بساند مثلا عدد اسم طالب یا لجفا تنزل
این است ۲۷ ۵ ۳۲ عم در عدد اسم مطلوب یا لجفا تنزل کرد این است ۱۴ ۲۷ ۱۴ است ضرب کنیم چنین شود ۲۷۸۱۸
۱۱ ۳ دیگر باره عدد نظم طبیعی مربع ۴ ۴ ۳ باشد و در عدد اسم مطلوب ضرب کنیم چنین شد ۹۲۲۲۶ بعد از آن ضرب ثانی
از حاصل ضرب اول بیرون کنیم باقی ماند این عدد ۲ ۴ ۵ ۵ ۳ ۱۱۱۱ ربع او این عدد شد ۵ ۸۸ ۳ ۲۷۸ کسر او در خانه
هم یکی اضافه نماید عدد اسم مطلوب اضافه او نمودیم این عدد حاصل شد ۹۹ ۵ ۶ ۸ ۷ ۲ صورت شبکه اول
و صورت شبکه دوم است چون حاصل شبکه اول بعد از طرح ۴ ۳ دو ماند از خانه باد شروع کند و مرکز بساند
که مفید است ان شاء الله تعالی

	۳	۴
۲	۶	۹
۷	۲ ۱	۲ ۸
۱	۳	۴
۴	۱ ۲	۱ ۶

		۳	۵	۳	۷
	۸	۱	۶	۲	۱
۲	۸	۵	۳	۴	۹
		۶	۵	۳	۷
	۱	۶	۲	۱ ۲	۱ ۸

بجز کوکب مطلوب و بعد از شرط این عمل آن
و بعد از آن استخراج اسماء الله نماید از چهار مثال

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بیان بیرون آورند از خانه اول و یا اسم ملک و از چهار گوشه اسم ملک از وفق لوح سر اسم ملک
و از مساحت کل وفق لوح کلی یا عرضی ملک از خانه چهارم و پنجم اسم ملک اعوان و از خانه ششم و ۱۲ این اسم
اعوان از خانه سیزدهم و ۱۴ این اسم اعوان از خانه ۱۱ و ۱۶ این اسم اعوان و از عدد چهار اعوان اسم صیغه بیرون
آورده و عزیمت سازد بطریقی که در کتب اهل این فن مذکور شده است اقسمت علیکم یا فلان بحق الملک بحق فلان اعوان
نام ببرد و قسم دهد اعوان با سماء الله و عزیمت تمام نماید فاعدوا خوة المحبة بکیرد حروف فرعها خاتم دا و آید
والقیت علیک محبة منی را دو مثلث وضع کند بحیثیتی که خطوط اضلاع دو مثلث مساوی باشد و ب در راس ب
ح باشد و دال برابر عا باشد و اسم طالب در قطب مثلث وضع کند در طرف راست اسم مطلوب در قطب مثلث
دست چپ و باقی را بدستور که در مثلث نموده میشود وضع کند و بخور کند بسوزاند بعد از آن که تمام شود طرف راست مثلث را
بر بالا طرف چپ گذارد و این آیات که مذکور میشود هفت مرتبه یا یازده مرتبه یا چهل و پنج مرتبه بر مثلثات بخواند و دمد حتی
تواند بخور مذکور را بسوزاند بعد از آن مثلثات را در دیگ سنگ گران گذارد که اثر عظیم دارد و میباید که مثلثات
طالب بالای مثلث اسم مطلوب باشد و آیات و الواح این است که نموده شده است کهیعص کما انزلناه من السماء فا ختلط
به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم ی یوم الا فتح

www.Fmehr.com

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۹۶ اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین وما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع ع علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس ص ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة وشقاق

مثلث طالب

ب	ولقبت	د
محبت	لی الیک	تلبیک
و	منی	ح

مثلث مطلوب

و	علیک		ح
مالقیت	ام مکرر		منی
ب	محبت		د

در استخراج اسماء و اخبار از صفحات جامع و کیفیت سؤال سائل و استخراج جواب بدانکه استخراج اسماء بقطع در بیوت و اثبات بیّنات برو بروا سطر بلا تکرار

بعد و حروف عاکه مخارج اسماء الله الله ولی بعرب و اسماء اعوان بین بمخارج ولی بخلاف غایب در دین تکسیر از جهات

حد ممکن باشد معلوم عالم نازل و بعضی در غایب بین چنین عمل کرده اند و لحجاب سؤال سائل از حروف

بیع دعوی و نام اسم سائل و حروف نیت چهار چهار رکن ننده در هر صفحه که باشد حکم کنند و اگر صفحه را از ایام سال حصه

و مطلوب هر قسمت از سهم مخصوص آن طلب طرز ند ابین و اظهار یابند و این اطلاع مغیبات را باصطلاح جفر یان تر شعف

خوانند که در مقابل کشف است و بعضی حروف غالب را دو دو رقم جز و صفحه کرد ایند طلب مدعا کنند حرف اول

اشارتست بعدد حروف یعنی حرف چندم است از حروف ابجد ۲ اشاره بعدد از صفحه از حروف معین ۳ اشاره است

بعدد سطر از حروف معین صفحه معین ۴ اشاره است بعدد خانه از حروف معین و صفحه معین و سطر معین باب

۷ از جزو ۲ که ابتداء آن این است ب ن ۱۱ تعلیق آن سبب عزت و رفعت و کلمه بزرگی در اوست باب ۸ از جزو ۲

که ابتدای آن ب ح ۱۱ است در سفینه سبب نجات میشود و کلمه بحار در اوست باب ۹ از جزو ۲ که ابتداء آن ب ط ۱۱ است

تعلیق آن بجهت درد شکم خوب است باب ۱۰ از جزو ۲ که ابتداء آن ب ی ۱۱ است جهت محبت مفرط تعلیق آن نماید و لفظ

ببدل در اوست و اسم خدا در این صحیفه در خانه دوم از سطر یازدهم و نوشتن جهت بزرگی باب ۱۱ از جزو ۲ که ابتداء

آن ب ک ۱۱ است تعلیق آن جهت خلاصی از تشویش و لفظ بگذرد در اوست باب ۱۲ از جزو ۲ که ابتداء آن ب ل ۱۱

است جهت دخول بلد و دفع تشویش و حصول آسایش در آن و کلمه بلد در اوست باب ۱۳ از جزو ۲ که ابتدای آن ب م

۱۱ است جهت دفع دشمن در خرابه دفن کند و در عقب صفحه نام دشمن را بقاعده ثبت کند و در زمین دفن بجوز کند و

بار گوید که با فلان بمیرد دشمن هلاک شود و کلمه بمیرد در اوست باب ۱۴ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ن ۱۱ است

بجهت دفع خوف و مبدل از بند رها مناسب است و در پشت صحیفه خدایا مرا محفوظ دار نوشته تعلیق نماید و کلمه بگذراند

در این صحیفه میتوان یافت باب ۱۵ از جزو ۲ که ابتدای آن ب س ۱۱ است جهت عقد الرجال در پشت صفحه بستم فلان

ابن فلان را بر فلان ابن فلان نوشته در قبرستان دفن کند و کلمه بستم در اوست باب ۱۶ از جزو ۲ که ابتدای

آن ب ع ۱۱ است جهت آواره کردن از شهر و خانه بنام آنکس نوشته در منزل او پنهان کند از ذلت در بدر از مقام خود دور افتد

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

و کلمه بعقله در اوست باب ۱۰۲ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ف ا است جهت فهم یا بینی طفل با کسر تعلیق آن و کلمه مفهم در آن است
باب ۱۰۹ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ص ا است جهت درد چشم و زیادتی روشنائی بدیهه الله بسم الله اکحل آورند
و کلمه بصیر در اوست باب ۱۰۹ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ق ا است تعلیق آن جهت برکت و لفظ برکت در اوست
باب ۱۱۰ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ر ا است جهت بشارت دادن بخیر و در زدن بر کسی خوب است و کلمه بشیر در اوست
باب ۱۱۱ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ش ا است جهت سفت است و عدم ضربان و امان است تعلیق آن خوب است و لفظ
بشارت در اوست باب ۱۱۲ از جزو ۲ که ابتدای [illegible] ب ت ا است نوشته در موم گرفته از آب آن تدریج بر جامه خوع افشانند
با آنجا مه الحی بوی رسد و لفظ مدنا در اوست باب ۱۱۳ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ث ا است نوشته اسم دشمن را
در پشت صفحه نوشته و در جای او پنهان کند اگر به نظر مردم خوار گردد و اسم ذلت در اوست باب ۱۱۴ از جزو ۲ که ا
آن ب خ ا است جهت بخیل به سخی شود و کلمه بخیل در [illegible] باب ۱۱۵ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ذ ا است جهت عقد الرجال
در پشت صفحه نویسد بسم ذکر فلان بن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه و کلمه لبستم در اوست باب ۱۱۶ از جزو ۲
که ابتدای آن ب ض ا است جهت تسلیط غم و مرض در پشت صفحه نام دشمن و مادر به مرض یا هر عبارت که خواهد نوشته
در منزل او پنهان کند و لفظ نصالده در اوست باب ۱۱۷ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ظ ا است جهت اطلاع بر خفیات
نوشته با خود دارد باب ۱۱۸ از جزو ۲ که ابتدای آن ب غ ا است جهت دفع دشمن ظالم و آفات نوشته با خود نگاه
دارد باب ۱۱۹ از جزو ۲ که ابتدای آن ج و ا است تعلیق آن سبب قرب حکام گردد باب ۱۲۰ از جزو ۲ که ابتدای آن ج
ز ا است جهت ثواب جزیل و عزت تعلیق آن خوب است باب ۱۲۱ از جزو ۲ که ابتدای آن ج ح ا بر کفن مرده بستن ایمنی از
دوزخ است باب ۱۲۲ از جزو ۲ که ابتدای آن ج ط ا در این صفحه ملکی حاصل میشود از برج قوس تعلیق آن اعزاز و اکرام
و سعی آن ملک در مهام میشود و لفظ ملک محیط مع الفضل در اوست باب ۱۲۳ از جزو ۲ که ابتدای آن ج ی ا هر که
با خود دارد از اهل و دوستان خود خیانت نه بیند باب ۱۲۴ از جزو ۲ که ابتدای آن ج ک ا است تعلیق آن سبب نجات
از بلایا گردد باب ۱۲۵ از جزو ۲ که ابتدای آن ج ل ا است تعلیق آن علت بزرگی بین الناس گردد باب ۱۲۶ از جزو ۲
که ابتدای آن ج م ا است تدفین آن در منزل جهت عزت در نظر مردم که همه بر سر آن جمع آیند باب ۱۲۷ از جزو ۲ که ابتدای
آن ج ن ا است نوشته جهت محبت و رضا نمه مطلوب و فکر کند باب ۱۲۸ از جزو ۲ که اولش ج س ا است جهت قوت یافتن در موم
گرفته با مداد بمیان نه شب انداخته بخورد باب ۱۲۹ از جزو ۲ که اولش ج ع ا است جهت رواج مذهب حق و یاد گرفتن علم
امداد و جعفر و خلاص از دشمنان در ساعت سعید با شرایط نوشته تعلیق کند و هر چه مقصد اوست حاصل شود و کلمه مقصد در اوست
باب ۱۳۰ از جزو ۲ که اولش ج ف ا است بر جبین بسته مقابل لشکر دشمن نگه دارد که دشمن مغلوب شود و کلمه هزیمت که عبارت

www.FMR.ir

ه دم ت باشد در اوست چو اکثر قاعدهٔ علمای این فن است که حروف علت داخل حروف نیست محسوب نمی‌شود چنین است

باب ۹۸ از جزوه که اولش ع ح ا است تعلیق بهر فتوحات غیبی و لفظ فاتح مقلوب بی حرف علت در اوست با این صورت ه ح ت

ف باب ۹۹ از جزوه برای حالات جمع که بفرمان خود آرد در عقب صفحه نام مشار الیهم را نوشته در منزل خود بگذارد باب ۱۰۰ از جزوه

که اولش ه ی ل است برای هیبت و سیاست در نظر خلق با خود تعلیق کند و کلمهٔ هیبت در اوست باب ۱۰۱ از جزوه که اولش ه

ا ث ا است برای حصول مراد مختلف و رنجی را تعلیق نماید و کلمهٔ برکت مقلوب جدا در اوست با این صورت ه ل ت ب ر باب ۱۰۲

از جزوه که اولش ه ل ا است برای ابطال دشمن و در چهار راه دفن کند باب ۱۰۳ از جزوه که اولش ه م ا است برای همراه

راه و همراه غریب یافتن و برای رام کردن دختر نوشته تعلیق کند باب ۱۰۴ از جزوه که اولش ه ن ا است برای تفریق نوشته

در میان راه مرده دفن کند مقلوب لفظ کینه در اوست ه ن ی ک باب ۱۰۵ از جزوه که اولش ه س ا برای دفع ... تعلیق

کند و لفظ بسته مقلوب در اوست باب ۱۰۶ از جزوه که اولش ه ع ا است برای دفع گرانی گوش و قوت سامعه بر گردن بندد

و لفظ سامعه جدا در اوست مقلوبا باب ۱۰۷ از جزوه که اولش ه ف ا است برای درد سینه و سرفه در موم گرفته در شربت

انداخته بنوشاند بخورد و سرفه مقلوب جدا در اوست باب ۱۰۸ از جزوه که اولش ه ص ا است برای دفع متغلب از بیع ملک حصول [illegible]

و کلمهٔ حاصل جدا در اوست باب ۱۰۹ از جزوه که اولش ه ق ا است برای قبول صدقه و قوت به سر صباح بر کرده مالد و طلب مغفرت کند

و صدقه بدهد باب ۱۱۰ از جزوه که اولش ه ر ا برای هراس و هیبت انداختن به اهل جمع که تعلیق کند و کلمهٔ هراس در اوست

باب ۱۱۱ از جزوه که اولش ه ش ا است برای کثرت عقل و هوش مجنون تعلیق کند هشیار شود و کلمهٔ هشیار جدا در اوست باب ۱۱۲

از جزوه که اولش ه ت ا است برای کشتن دشمن در تربیع زحل یا مریخ نوشته نام دشمن را در پشت در محل خود ثبت کند

و در گور مردهٔ کهنه دفن نماید و کلمه مقلوب میتواند یافت باب ۱۱۳ از جزوه که اولش ه ث ا است حامل بیع تیر

که صفحه ایل است در اوست در ساعت میزان نوشته تعلیق کند باب ۱۱۴ از جزوه که اولش ه خ ا است حامل بیع عقرب در آن

برای عداوت در برج عقرب نویسد باب ۱۱۵ از جزوه که اولش ه ذ ا است حامل بیع قوس که هندیا ئیل است جدا در اوست در

ساعت قوس نویسد باب ۱۱۶ از جزوه که اولش ه ض ا است برای رفعت تعلیق کند و کلمهٔ هضمیه که بمعنی فراز است در آن

باب ۱۱۷ از جزوه که اولش ه ظ ا است برای شنیدن مردم سخن او را خوب است و کلمهٔ موعظه مقلوب بی واو در اوست باب ۱۱۸

از جزوه که اولش ه غ ا است جهت در ارغم اطفال و کمال الجد بلوغ و مقلوب بلغت در اوست با این صورت ه غ ل ب

باب ۱۱۹ از جزوه که اولش و ا ا است برای تسلیط وبال و پریشانی بد دشمن در ساعت نحس نوشته در منزل دشمن دفن کند باب ۱۲۰

از جزوه که اولش و ج ا است برای وجاهت نوشته تعلیق کند در میان خلایق وجیه نماید باب ۱۲۱ از جزوه که اولش و د ا

برای محبت و وحدت و دوستی در جمیع قلوب بنی آدم نوشته با خود دارد که اسم ودود پیدا شود تمت

www.FMEHR.com

[illegible] الاسماء الحسنى [illegible] تم [illegible] الله [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] ٩ ٣ ١٠ [illegible]

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ

سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ

عُذْتُ بِاللَّهِ رَبِّي وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَاحِرٍ وَغَدْرِ كُلِّ غَادِرٍ وَمَكْرِ كُلِّ مَاكِرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ نَفَّاثَةٍ وَنَفَّاثٍ

وَلَامَّةٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَاسْتِكْلَابِ كُلِّ ذِي صَوْلَةٍ وَغَلَبَةِ كُلِّ عَدُوٍّ وَشَمَاتَةِ كُلِّ كَاشِحٍ أَدْرَأُ بِاللَّهِ فِي نُحُورِهِمْ

وَأَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِهِمْ وَأَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَيْهِمْ تَدَرَّعْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ مِنْ بَأْسِهِمْ وَتَحَصَّنْتُ بِقُوَّةِ اللَّهِ مِنْ شُرُوحِهِمْ دَفَعْتُهُمْ عَنِّي

بِدِفَاعِ اللَّهِ الْقَاهِرِ وَسُلْطَانِهِ الْبَاهِرِ وَرَمَيْتُهُمْ بِسَهْمِ اللَّهِ الْقَاتِلِ وَسَيْفِهِ الْقَاطِعِ أَخَذْتُهُمْ بِبَطْشِ اللَّهِ طَرَحْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ

وَرَمَيْتُهُمْ تَفْرِيقًا بِحَوْلِ اللَّهِ مَزَّقْتُهُمْ تَمْزِيقًا بِقُوَّةِ اللَّهِ شَتَّتُّهُمْ تَشْتِيتًا بِمَنَعَةِ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

وَغَلَبْتُ مَنْ نَاوَأَنِي بِجُنْدِ اللَّهِ الْأَغْلَبِ وَخَرَقْتُ مَنْ عَادَانِي بِإِذْنِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَدَمَغْتُ مَنْ قَصَدَنِي بِحَوْلِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ وَبَتَرْتُ

مَنْ آذَانِي بِأَخْذِ اللَّهِ الْأَسْرَعِ وَدَفَعْتُ عَنِّي بِجَلَالِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ وَلَا مِنَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا عَوْنَ وَلَا نَصْرَ وَلَا أَيْدَ

وَلَا عِزَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ هَزَمْتُ الْأَحْزَابَ بِسَطْوَةِ اللَّهِ قَذَفْتُ

فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ بِإِذْنِ اللَّهِ سَلَّطْتُ عَلَى أَفْئِدَتِهِمُ الرَّوْعَ بِعِزَّةِ اللَّهِ فَرَّقْتُهُمْ تَفْرِيقًا بِسُلْطَانِ اللَّهِ مَزَّقْتُهُمْ تَمْزِيقًا

بِقُوَّةِ اللَّهِ دَمَّرْتُهُمْ تَدْمِيرًا بِقُدْرَةِ اللَّهِ أَخَذْتُ أَسْمَاعَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ وَجَوَارِحَهُمْ وَأَرْكَانَهُمْ بِبَطْشِ اللَّهِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ

شِدَّتِهِ وَدَفَعْتُهُمْ عَنَّا بِحَوْلِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَقُوَّتِهِ وَهَزَمْتُهُمْ وَجُنُودَهُمْ وَأَبْطَالَهُمْ وَشُجْعَانَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَعْوَانَهُمْ

بِأَيْدِ اللَّهِ الْمَتِينِ وَنَصْرِ اللَّهِ الْمُبِينِ مَهْزُومِينَ مَرْعُوبِينَ خَائِفِينَ خَائِبِينَ مَحْسُورِينَ مَغْلُوبِينَ مَكْسُورِينَ مَأْمُورِينَ اللَّهُمَّ ادْفَعْهُمْ

عَنَّا بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَبَطْشِكَ وَسَطْوَتِكَ مُفَرَّقِينَ مُمَزَّقِينَ مَبْهُوتِينَ مَنْكُوبِينَ مَقْمُوعِينَ مَقْهُورِينَ مَدْحُورِينَ مَذْعُورِينَ

صَاغِرِينَ خَاسِرِينَ مَخْذُولِينَ خَاسِئِينَ مُدْبِرِينَ مَغْلُولِينَ مَبْهُوتِينَ مَشْمُوتِينَ مُشَرَّدِينَ مُتَشَتِّتِينَ تَائِهِينَ فِي ذِهَابِهِمْ

عَامِهِينَ فِي إِيَابِهِمْ حَائِرِينَ إِلَى ثِيَابِهِمْ مَشْغُولِينَ بِأَجْسَادِهِمْ مَكْلُومِينَ فِي أَبْدَانِهِمْ مَجْرُوحِينَ فِي أَبْدَانِهِمْ مَضْرُوبِينَ بِرِقَابِهِمْ

مَمْنُوعِينَ مِنْ مَهَامِّهِمْ مَرْدُودِينَ عَنْ مَرَامِهِمْ مَحْجُوبِينَ فِي كَرْبِهِمْ مَصْرُوفِينَ عَنْ وِجْهَتِهِمْ تَمَامًا مِنْ مُتَوَجِّهِهِمْ شَتَاتًا عَنْ مُجْتَمَعِهِمْ

مَطْبُوعًا عَلَى قُلُوبِهِمْ مَخْتُومًا عَلَى أَفْئِدَتِهِمْ مُغَشًّى عَلَى أَبْصَارِهِمْ مَعْقُودًا عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ مَرْبُوطًا عَلَى أَحْلَامِهِمْ وَأَفْهَامِهِمْ مَشْدُودًا

عَلَى أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلِهِمْ مَدْفُوعًا بِكَ اللَّهُمَّ فِي نُحُورِهِمْ مُسْتَعَاذًا بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ مُسْتَعَانًا بِكَ مِنْهُمْ مُسْتَعَانًا بِكَ عَلَيْهِمْ

اللَّهُمَّ خُذْهُمْ أَخْذَكَ السَّرِيعَ وَسَلِّطْ عَلَيْهِمْ بَأْسَكَ الْفَجِيعَ مَدْفُوعِينَ مَصْرُوفِينَ مَذْعُورِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَحْجُوبِينَ فِي

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

..اف آبائهم مكبوبين على وجوههم وسناخرهم خنونين بحبائلهم وآونانهم مقيدين بالسلاسل مكبلين
بالاغلال مقرنين في الاصفاد معلقين بمطارق البلاد يا مصعوقين بصواعق البلاء يا مقطوعا دابرهم
مفجوعا غائبهم مسلوبا سالبهم مغلوبا غالبهم يا موجود عند الشدائد امن يجيب المضطر اذا دعاه امن يجيب
المضطر اذا دعاه كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي عزيز الا ان حزب الله هم الغالبون ان
وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين انا كفيناك المستهزئين فايدنا الذين امنوا
على عدوهم فاصبحوا ظاهرين

لقلع الاعداء من كتاب سلاح المؤمنين بخط شريف مؤلفه و از مجلد دعاها
مجرب مانده براى قلع اعدا واستيصال اينها داير عاست لواء ما نووا وصمموا عما طووا رب لا تذرني فردا
وانت خير الوارثين الم تر كيف فعل ربك باصحاب الفيل الم يجعل كيدهم في تضليل وارسل
عليهم طيرا ابابيل ترميهم بحجارة من سجيل فجعلهم كعصف مأكول اللهم اكفنيهم بما شئت يا قدير اللهم
بك ادرء في نحورهم واعوذ بك من شرورهم بك احاول وبك اقاتل اللهم واقية كواقية
الوليد بكهيعص كفيت بحمعسق حميت فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم وصلى الله على
سيدنا محمد واله وصحبه اجمعين بعد از نماز عصر هفت مرتبه بخوانند و عقد انگشتان دست نمايند وقت
خواندن كهيعص ابتداء از انگشت كوچك دست راست نمايند و وقت قراءت حمعسق ابتدا از انگشت كوچك
دست چپ نمايند و بعد از آن مشغول شوند بقراءت آيه فسيكفيكهم الله تا آخر دعا انتهى

مجرب
دفع نخل بنويس ى ا ش ع خ م ح م د ب س ب ا س ع د دينه پا نخل كذاشته بريده

مجرب
طريقه اينكه صورتى بايد كشيد بر كاغذ و اسم طالب و مطلوب و مادر هر دو را بايد
نوشت بجاى فلان بعد از آن كاغذ را بايد پيچيد ميان نى گذاشت و سر آن نى را بگل سرخ بايد گرفت
و مهر كرد بعد بايد قضا بر كشت بنام آن شخص گوسفندى بكشند و دل او را در آورد و بشكافند و آن نى را
ميان دل گوسفند آرد و قدرى فلفل و سوزن فولاد در دل فرو كند و دل را بدوزد بنخ يا طور
و در ميان ظرف گذارد و آن ظرف را در ديك اوطاق دفن كند و آتش بالاى او روشن كند
كه حرارت آتش باو برسد پس دل آن شخص آتش گيرد بى آرام شود تا حاضر شود اما اگر
آن شخص پير است گوسفند هم بايد پير باشد و اگر زن است بز باشد و اگر پسر است
بره باشد و اگر دختر است بزغاله جاهل باشد

www.FMR.ir

www.FMEHR.com



از برای ثبات دولت و از فخر جاه و حشمت اسم ملک و تدبیر را باید که بسط و تکسیر کنند
بهمین طریق م ل ک و د ی ر و سطر دوم از حرف پنجم سطر اول ابتدا کنند بهمین نحو د ی ر م ل ک ت ب و
بدین قیاس هفت سطر تمام شود و آن را تصحیح داده بر خاتم مسبع از فیروزه نقش کنند وقتی که قمر در سعد در حد ثور
باشد و حال آنکه ثور طالع باشد و قمر زاید النور بود و در بالای نگین خاتم از طرفی که از درون بیاورند نقش کند دست
کسی بآنجا رسد یا دا آن نقش نصب کنند که آن ملک با او باقی ماند و هیچ تزلزلی در احوال او پدید نیاید ببرکت خاتم
مبارک و این از جمله معمولات خلفای عباسیه است و اکثر مدبر بطور دیگر از آن لوح عدد این دو اسم ملک تدبیر را دو
عم درهم رسم کنند چنانچه بتکسیر عددی و با تکسیر حرفی جمع شود عمل اقوی خواهد بود دیگر از برای حرز دولت
و مهابت اسم علی عظیم را در وقت شرف آفتاب که ۱۹ درجه حمل است تکسیر باید نمود بقاعده مذکوره در اسم ملک
تدبیر که در لوح طلا نقش کنند و با خود نگاه دارند موجب ثبات و ازدیاد جاه و حشمت خواهد بود و در بعضی از نسخ
آورده که حکما این لوح را از برای مامون الرشید وضع کرده بودند و او بقوت همان لوح بر همه ملوک و سلاطین غالب بود
دیگر در بعضی از نسخ ذکر کرده که هر که اسم ملک را در خاتم سه در سه بطریق تکسیر عددی وضع کند در وقت شرف
آفتاب در خاتمی از ذهب و آن را در نگین یاقوت جا دهد و آن خاتم را در دست کند دولت با او ثابت ماند
و نفاذ شوکت و مهابت بحدی رساند که هیچ صاحب شوکتی در مقابل او در نیاید الا آنکه در دل او از آنکس هیبتی بهم رسد و
مشهور است که افلاطون این خاتم را از برای اسکندر ذو القرنین وضع نموده و گفته اند که اگر نگین یاقوت باشد
عوض آن عقیق میتوان نمود که جهان نا پدید داشته باشد ترکیب بعضی بکیا از تیرگا و زرد که نوشته باشد
یعنی آغوز را که دو رطل یعنی یکصد و هشتاد مثقال صیرفی بوده باشد و اضافه کن بر او و بجوشان از آن اکوقیه

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 کدخدا یا روغن خشخاش ... و مکوک ... بوا و بلت و ... السوداء یعنی سیاه دانه و ...

از این مجموع در آن شیر پخته و کف او را برگرفته شیشه در کنند او را در جای ذیل چهل روز بعد از آن او را

بیرون آورده مجموع این مثل شمع خام بقدر سه درهم او را به شست ... بر ... کف باشد مجموع

او روغن ... بعون الله تعالی ایضا ترکیب روغن خالص که در نیم مصطفی و شیخ رضا است مابین

نظرون یعنی ... زرده تخم سفید تخم کرده ... داخل هم نموده و در میان شیشه کرده در زیر

پهن گذاشته تا چهل روز بوده بعد یکمرتبه پهن را تازه نموده بعد از چهل روز بیرون آورده چون سفید

میشود بعد از آن شیر خالص را پخته با نصف مثقال شیر را در ظرفی کرده و گرم نموده یک مثقال از آن جوهر

مذکور را داخل نموده صبر کند که بجلد و قوه الهی روغن خالص شود ایضا عمل روغن ترکیبی از حاجی حسین

مابین ... کره گاو ... سعتر شیر گاو تمام را ممزوج کرده و چهار و بیست روز در آفتاب گذاشته تا خشک شود

و حق و صلابه نموده ... است آورده و چهار یک انجبار ... مابین زرده و هشت تخم دوازده و ... تخم

زنند تا ... شود بعد ... داده بر بار زند که تمام است ایضا عمل روغن ... است آب نعنا آغوز

مابین کره ... ایضا عمل روغن شیر شب کرمانی مرصاف دریج سلطانی زرد شب سفید جز ... عدد

... ده در میان شیشه کند ۵ ۲ یوم در میان پهن گذاشته هر ده یوم پهن را تازه کرده زیبق

صاف میشود یک دیگ شیر را گرم کرده سوم از زیبق ... داخل نموده بر هم زند سرش را بپوشانند.

بعد از ساعتی بر دارد مطلب ... للتسخیر مجرب بسم الله الرحمن الرحیم یا مسخر الفیل و یا مجری النیل و یا فالق

البحر لبنی اسرائیل رب سخر لی و ذلل لی فلان انک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

چون کسی اندیشه کاری کند و خواهد بداند که چون میشود از روز نوروز سلطانی آن سال تا آن روز که اراده کار

خواهد کند بشمارد و سی و شش سی و شش طرح نماید تا آنچه که بماند در این جدول طلب نماید اگر در جدول نیک

بود آن کار را بکند و اگر در جدول میانه باشد بد نخواهد بود و اگر در جدول بد باشد آن کار را نکند که بد است

مجرب و آزموده است فال نامه حضرت خاص ... الدین

طریق عمل به الرحمن باید که بعد از نیت سوره فاتحة

الکتاب بخواند و قصد نماید و انگشت را بر یکی از

این حروف بگذارد و نشان کند و از همان حروف یازده

میانه		بد			نیک
۹	۳	۳۵	۲	۴	۱
۱۲	۶	۳۲	۵	۱۰	۷
۱۸	۱۶	۲۹	۸	۱۵	۱۳
۳۱۴	۳۱	۲۶	۱۱	۲۳	۱۹
۳۵	۲۸	۱۷	۱۴	۲۷	۲۵
۳۶	۲۳	۲۳	۲۰	۲۴	۴۱

یازده بشمارد و حرف یازدهم را بنویسد تا آن حرف که در مشق گذارده است بعد از آن ...

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

١	ب	أ	ب	ب	ش	ذ	ر	ا	ا	ف
ت	ی	م	ح	ج	ک	ر	ی	و	ی	ع
ب	ی	ذ	ق	ز	و	ر	ر	ر	د	ن
ر	ی	ا	ه	ض	ش	ی	د	ع	ب	ب
س	س	ت	ط	ب	و	خ	ک	ش	خ	د
پ	ت	ث	ف	و	س	ر	و	ب	ن	و
ر	ا	ا	ا	ع	ا	ی	ب	ب	ی	ک
ب	د	س	ی	ی	س	ج	ا	ر	ا	ا
ت	ی	ی	ت	د	د	ت	ب	ر	س	س

خواص اعداد لوح الفال حکما فرموده اند که چون کسی را مهمی پیش آید و در آن مضطر باشد این شکل را دوگانه کشیده پیش خود نهد و آن کار در دل بیندیشد و قصد نموده انگشت بر این خانها نهد اگر بجا نَد خالی نهد آن کار را بکند و اگر بجا نَد که دارد نیفتد مصلحت نباشد آن کار را نکند و صبر کند که آخرش خوبست

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد والصلوة علی صاحب اللوا والحمد صلی الله علیه وآله وسلم بعد بر ضمیر منیر ارباب اولوا الالباب فتح الله علی قلوبهم من الحکمة بکل باب مخفی نماند که علماء علم حروف در کتب و رسائل که در این فن نوشته اند بسیاری از کنایات و عبارات مبهم اشارات نوشته اند و طریق تکسیر حروف و نتایج به رموز و عبارات گفته اند

۶		۳		۳۲	
	۱۱		۲۷		۳۵
۲۳		۱۰		۲۴	
	۱۸		۲۱		۱۹
۲۵		۹		۲۶	
	۵		۲		۳۱

و این در تفسیر چنانکه هر کسی در نیابد نهفته اند و روا نداشته اند که کسی این نعمت را بسعی تا بنظر نامحرم مکتوم کرده اند و رخصت نداده اند که غیر مستحق این سر بدست آید طالب محروم بی رنج یقین عرض دارند و از امیر المؤمنین علی تا بامام جعفر و ائمه معصومین نفس بنفس منتقل میشد و قلم در میان نبود و از ایشان بمشایخ و اولیاء الله رسید از جهت آنکه طالب مستعد این معنی بواسطه بعد عهد کم شده بود در هر وقتی یکی میبافتند و این اسرار را در کتب ثبت میکردند تا کامل منعدم و منقش نگردد

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

اما در طلب باید بعون و اشارات مستور باشند و وصیت کرده‌اند که ایشان اگر بعد از ایشان به سر این واقف کردند برسیدن ایشان روند
و مخالفت روا ندارند و در تضییع نکوشند که مستحق این معنی بیابند که گفتن نگویند و ننویسند اما به هر جا که گفتن را شاید
نوشتن را شاید تر تعیین کرده در خاطر بیابند خالی التکلم از تذکره و هم چنان برکان است خاصه که بحکم ضرورت آن را جمع
می باید نوشت بسبب التماس آنکه میدانم که مستحق آن است این نوع تکثیر در قلم آمده با آنچه این باب موقوف به چنانچه بهیچ دقیقه
مهمل نمانده اگر از نا اهل کرم این وصیت تعطیل فرمایند و بعد از آنکه ضوابط آن در ذهن مصور و در خاطر مجرد یا خود مقرر کرده باشند
این شرح واضح از میانه برطرف رند و بقلم یا وصفی که خود دانند پس آنچه ضرورت باشد ثبت کنند تا اگر از خاطر بریزد چیزی ف
فراموش شود به نظر کردن باز آن را در یابند و علت مبالغه که در این وصیت میکنم مبنا بر گفته شود و دانم که مقبول باشد
مقدمات نتایج تکسیر که در این فصلها یاد میکند تا استحضار بکنند در عمل اهمال نکردند فصل ای حق جل و علا بر کواکب سیاره
ملایک موکل کردانیده است تا مدد اتصال کواکب باشند با اثرات و نامهای ملائک این است رقیائیل بخ مهیائیل
کلمیثا سراحیل رحمائیل سرائیل بعصفائیل شرطائیل رقیائیل صهاکیل مهرائیل سواطیل طموشا سهکیائیل
نفیائیل فصل بدانکه هر حرف از حروف بیست و هشت گانه هر یک بملائکه منسوب‌اند اسرافیل جبرائیل
عزرائیل میکائیل کلکائیل نخکیل هکائیل وردائیل اسرافیل شرقائیل اسوکیل هواکیل هاکیل عطکیائیل
اهمیائیل اسمعیل کرداییل کوهاطائیل لوصائیل درحاکیل عطرائیل حبدوائیل طاطائیل روائیل
جولالائیل ردنبائیل اودمائیل کلیطائیل فصل بدانکه حروف بیست و هشتگانه را بحسب ترکیب بر بروج دوازده
کانه قسمتی کرده است بر این ترتیب و مراتب و قوت ایشان از روی طبیعت این است حار رطب هوا اع ه ط
ح ف ش بحمل و اسد و قوس داده اند حمل اسد قوس حار یابس نار ی ق ض ع ظ ک ص بجوزا و میزان و دلو
داده‌اند جوزا میزان دلو بارد رطب مائی س ل ر ث ن و بسرطان و عقرب و حوت داده‌اند سرطان
عقرب حوت بارد یابس خاکی ج م د ب ح و ت خ ذ ثور و سنبله و جدی داده‌اند ثور سنبله جدی فصل
در طریقه دعوا الکتابه در وضع اسماء و آن طریق آن است که اسمی چند در سطر اول سطوح مربع بعرض ثبت کنند در ۱۶
خانه در حد آنها باشد چنانکه چهار در چهار نوشته باشد و چون بنگارند دو بیت راست چنانکه یک
و دو و سه و چهار این خانه اول باشد و دیگر ابتدا از خانه ۵ کند و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ حد او باشد
دیگر ابتدا از ۹ کند و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ حد او باشد و دیگر ابتدا از ۱۳ کند و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ حد او باشد
تمام کند باین مثال که نموده شد و شیخ ابوالعباس که در این علم از مشاهیر است رساله‌ای نوشته موسوم بالارواح
المذاهب و از ارواح در آیات و اسماء در مربعات نگاشته و خواص هر یک نوشته و در مظهر عجیب باشد تصرف در آن بنشین

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

ی	ن	غ	م
۹۹۹	۴۱	۹	۵۱
۴۲		۳۸	۱
۴۹	۷	۴۳	۱۰۱

توان کرد در خواص عدد زوج الزوج اگر کسی خواهد که شخصی را مطیع خود سازد چون
قمر ناظر سعدین باشد این شکل را بکشند و اسم طالب و مطلوب بگیرد و در صفحه مربع
در مقابل کشند و عدد پادشاهان در نبت کند چون طالب این مربع با خود دارد
مطلوب مطیع حاصل شود بدین مثال که نموده شده است

مربع زوج الزوج

۱۶	۲۲	۲۸	۲
۲۰	۴	۱۴	۲۴
۶	۳۲	۱۸	۱۳
۲۰	۱۰	۹	۴

اما خواص زوج الفرد آن است که چون قمر ناقص النور باشد و ناظر بزحل این مربع برکشند
هر زنی که با خود دارد حامله نشود و عقیم ماند و اگر اسباعت بحس بنویسند و اسم شخصین
در صفحه دیگر در مربع ثبت کنند و در میان ایشان تفریق افتد اما در گورستان یا در
مقام ایشان دفن کنند بدین صورت

۱۵	۲۱	۲۷	۱
۲۵	۳	۱۳	۲۳
۵		۱۷	۱۱
۱۹	۹	۷	۲۹

فصل در خواص آیات چند مخصوص که در مربع بیاورند و بمشافهه در خدمت استادان
این فقیر رسیده و از مجربات این علم است اول در خواص بسم الله چون کسی مضطر الحال
باشد و هیچ امید کس را بجایی نداشته باشد این مربع در ساعت زهره و قمر ناظر بسعود
باشد ۶ ۸ ۷ ثبت نماید و شرط خواندن آن است که اول صبح با غسل دو رکعت
نماز کند بدین صورت که گفته شد و طریقه گذاردن آن است در رکعت اول ۱۹ بار بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعد
از آن فاتحة الکتاب بخواند و رکوع کند و در رکعت دوم نیز بدان طریق که گفته شد بعد از آن سلام باز دهد و این
مربع بکشد و بعده مدتی بخواند و بجز ابجد آن ندو در حالت خواندن سخن با کسی نگوید هفت روز این چنین کند تا هفت شب
و این مربع با خود نگاه دارد و چون این عمل کرده باشد بیقین که در اول هفته جمله مقصود او حاصل شود و هیچ شک در آن
نیست که اگر کسی خواهد که دختری را بخت گشاده شود همین عمل بدین صورت که ذکر رفت بجای آورد بخت گشاده
و در جهت معاش و حرمت و عزت در چشم خلایق و هر نیت که دارد مداومت نماید همه مهمات کفایت می‌کند اما می‌باید که
نیت درست و ساعت مساعد النظر مظهر بنویسد و در یک مربع مضمر بدین طریق

مربع مظهر

الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

مربع مضمر این است

۱۹۶		۲۰۲	۱۸۹
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱	۲۰۴	۱۹۷	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳

دیگر خواص فاتحة الکتاب بسیار و غرایب بسیار است و مشهور است که امیر المؤمنین ع بر دست بریده خواند و درست صحیح شد آن شخص پرسید که یا امیر المؤمنین ع
بحق اسم اعظم که بر دست من خواندی و درست من صحیح شد که بگو چه اسم بود امیر المؤمنین ع فرمود که سوره فاتحة الکتاب بود

www.FMR.ir

www.EMEHR.com

 آن شخص این سر تحقیق کرده که سوره فاتحة الکتاب هر حال در پیش او افتاده نزع آنکه بجای رسته تا مکن که قرآن عجیب

و اصل استقامات است و یقین چون این مربع بساعت مشتری بنویسند و قمر ناظر بسعد بود و به بیمار دهند تا با خود نگاه دارد

در صباح و مساء هفت نوبت بخواند و با وضو دارد الله تعالی شفا بدو ارزانی فرماید و هر کس که این مربع با خود نگاه دارد

و بدین نحو بخواند ۱۱۱۱ نوبت در رزق و روزی بر وی گشاده گردد و دشمن ... گردد و غرایبات و عجایبات از وی بفعل آید

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین
اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم
مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم

خواص والهکم اله واحد چون این آیه را مربع بنگارند بساعت آفتاب و قمر ناظر مریخ باشد نظر سعد دارند این خصم غالب آید و هیچ آفریده با او برابری نتواند کرد و اعدا مقهور گردد و اگر این را در ساز در بچشم خلایق با هیبت نماید و چیزهای غریب مشاهده کند و مثالش این است

والهکم اله واحد	لا اله	الا هو	الرحمن الرحیم
الا هو	الرحمن الرحیم	والهکم اله واحد	لا اله
الرحمن الرحیم	الا هو	لا اله	والهکم اله واحد
لا اله	والهکم اله واحد	الرحمن الرحیم	الا هو

و خواص آیة الکرسی هر که در مربع بنگارد در ساعت مشتری و قمر ناظر بسعود و دارنده این مربع ایمن گردد از ظلم ظالمان و از قهر جباران محفوظ باشد و از جهت سحرها ایمن گردد و گشایش کارها و فتوحات امور است و شرط خواندن آن است که چون این مربع بنگارند اسم خود داخل کنند در عدد و بعد از آن پنجاه نوبت بخوانند و بخور بسوزانند و با کسی در آن حالت سخن نگویند و چون شرط بجای آورند از عجایب و غرایب چیزها بیند دیگر و خواص آیت الرسول که کسی عدد این آیه را بگیرد و در مربع بنگارد وقتی که قمر ناظر بسعود باشد بساعت سعد و اسم خود عدد بگیرد و در عدد داخل کند و چون مربع تمام کرده باشد صد نوبت بخواند و در یک مجلس بخور بسوزاند و در آن با کسی سخن نگوید و چون این مربع با خود دارد و بدین آیه ملازم شود و دایما خواند اگر درویش باشد توانگر گردد

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

واگر تیر زیر نوع کرده و مجبتن خلایق مرتب بگنرم ... در نصویبات از عظیم دارد و دیگر خواص قل اللّهم مالک الملک
تا بغیر حساب عدد کبیر اگر کسی از منصب انداخته شده باشد یا منصبی طلبد این آیه را با عدد بکبیر و عدد اسم آن شخص اضافه کند
و در مربع ثبت کند بساعت سعد و قمر مسعود باشد چنانچه نوشته شود و بخور بسوزاند بمنت عنبر پهلو صد بار بخواند و
در حالت خواندن سخن نگوید و در وقت خوابیدن چنانچه این عمل کرده باشد منصب جاه و دولت روی نماید و اگر در عقب هر نماز
ورد سازد فتح و جمعیتش روی نماید و توانگر گردد و دیگر خواص ان الله وملائکته تا آخر آیه هر کس این آیه را عدد بکبیر
اسم داخل کند چنانچه قمر ناظر بسعود باشد بساعت نیک ... بکار برد و بخور بسوزاند و عدد آن جمله صد نوبت بخواند
و چون بدین عمل ملازم شود این مربع با خود دارد مقبول القول گردد و هر کس که سخن گوید مطیع و فرمانبردار گردد و جمیع خلق حق
او شوند بشرط طهارت و چنانچه اسم خود و اسم مطلوب جمله بکبیر و اضافه این عدد کند و در مربع بکار برد و با خود دارد و این
آیه ملازم شود محبت عظیم روی نماید و اگر کسی شقاوت دارد و دیگر خواص آیه ختم الله تا غشاوة عدد بکبیر چون از شخصی مرادی باشد
عدد اسم آن شخص بکبیر و عدد آیه اضافه کند و در مربع بکار برد چون قمر در ثور باشد یا سنبله و قمر ناظر بسعود باشد
بساعت نیک و آن مربع با خود نگاه دارد و این آیه بعدد اسم آن شخص بخواند البته زبان ... بسته شود و اگر خصمان از جماعتی
باشد عدد جمله بکبیر و این عدد اضافه کند و در مربع ثبت کند و در وقت ... و نام خصمان ببرد زبان جمله بسته
شود و هفت نوبت در آن ساعت بخواند این آیه را وجعلنا من بین ایدیهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون
قال اخسئوا فیها ولا تکلمون و شاهت الوجوه وعنت الوجوه للحی القیوم این آیه‌ها بر ... بخواند و اگر جمله را بعدد بکبیر و نام خصمان
اضافه کند و در مربع ثبت کند اثر عظیم روی نماید تا غایتی که گنگ و لال شوند و این جمله از مجربات است
جهت عقد اللسان و دیگر خواص آیه محبت چون کسی ابتلا داشته باشد خواهد که اکثر مسخر خود کند از عدد لو انفقت
ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم و عدد اسم طالب و مطلوب جمل کبیر بکبیر و
اضافه کند و در مربع ثبت کند و هفت روز بعدد اسم مطلوب این آیات بخواند و آن مربع با خود دارد که مطلوب مسخر گردد
و دیگر خواص یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله والقیت علیک محبة منی وانه لحب الخیر لشدید این هر ... بخواند
و اگر این آیه‌ها بجمیع عدد بکبیر و عدد اسم طالب و مطلوب اضافه کند اثر عظیم روی نماید و آن کس مسخر او شود و می باید که قمر ناظر بهر ...
باشد و بساعت مشتری و زهره اولی و انسب باشد و دیگر خواص آیه زین للناس تا حسن المآب چنین عمل کند و از مجربات است
و دیگر خواص لو انزلنا هذا القرآن تا یتفکرون جهت سر کردن احمقان و جباران چون اسم آن شخص اضافه این کند و در مربع
ثبت کند بساعت موافق مقصود حاصل کرده و دیگر خواص لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز تا رحیم چون کسی را خواهد که مسخر
خود کرداند بکبیر و اسم خود و اسم آن شخص جمل کبیر با عدد این آیه در مربع بکار برد و بساعت موافق و قمر ناظر بسعد و چون شب یکشنبه
یا چهارشنبه یا سه شنبه ... خفته باشند وضو سازد و دو رکعت نماز کند در هر رکعت اول یکبار فاتحه و بیست بار لقد جاءکم و در رکعت دوم

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

ناخم و بیت یا لقدح آدم و دو رکعت نماز یکبار تا ختم و بیت یا لقدح آدم بخواند. و چون سلام باز دهد دو نوبت تکبیر
نرسند و بعد از آن سجود کند و بیت یا رکوبه یا رحیم فلان ابن فلان را مهربان من گردان و چون این کار کرده باشد هر چند که
شود مهربان تر گردد تا غایتی که وصف نتوان کرد و دیگر از خواص و من یتق الله یجعل تا لا یحتسب چون کسی در تنگی باشد
این آیه عدد بگیرد با اسم آن شخص در مربع ثبت کند به ساعت موافق و در عقب هر نماز بعدد اسم خود بخواند و اگر شود
مجمل صغیر بخواند الله تعالی در روزی وسعت بر روی گشاده گرداند و مربع با خود دارد و دیگر از خواص قل ان الفضل بید الله
یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم چون این آیه کریمه را در مربع بکار دارد
به ساعت موافق و قمر ناظر بسعد باشد در هر دکانی که ببندد و بر بندد کثرت معاملت پیدا شود و در خرید و فروخت اثری عظیم دارد
و چون این آیه را ورد سازد برکتی در هر کار او پیدا شود و مقبول القول شود و خلایق او را عزیز دارند و دیگر از خواص
وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو تا فی کتاب مبین چون کسی خواهد که از حال گمشده یا غایبی خبر یابد یا از روزگار
آینده خود که چه پیش خواهد آمد شب یکشنبه یا شب چهارشنبه عدد این آیه بگیرد و عدد اسم خود و این جمله در مربع
بکار برد و این آیه را در حوالی مربع بنویسد و هفت نوبت بخواند و هفت نوبت سوره والشمس بخواند و این مربع در زیر
سر نهد و مستطیب بخسبد و نیتی که دارد باز گوید بعضا بیان از آن او را خبر شود و حقیقت استقبال پیدا آید و اگر بدین آیه
ملازم شود غنی گردد و هر صباح که شود هر کس که باو رسد بمحبت او را ترغیب کنند و بسیار عجایب از او ظاهر شود و اثر
عظیم دارد دیگر از خواص آیه الله نور السموات والارض تا آخر آیه که چون کسی را چشم درد کند و این آیه را بگیرد و عدد
اسم آن شخص اضافه کند و در مربع بکار برد در وقتی که قمر ناظر بمشتری باشد و بر میان سر نهد که البته شفا یابد و روشنی
چشم افزاید و اگر در شرف آفتاب این مربع بکار برد و با خود دارد تسخیر خلایق حاصل کرد و علوم غریبه او را روی نماید
و از سید شرف الدین حسینی اصلا منقول است که بخواند آیه نور العزیز دیگر اسرار حروف قاف و کاف چنانکه
دیگر کهیعص فا ولکن واسم اینجا طبع بر خلاف کرم الکبری اندر ذکر آن هر زمان صد بر روی دهد دگر
قاف اگر کسی را لقمه باشد این دو سوره را بمشک و زعفران بنویسد در مربع و عدد اسم آنکس بگیرد و اضافه
کند و چون با خود دارد و بصحبت مشغول شود گشاده گردد و از جهت باطل السحر مجرب است همه بر این صورت که ذکر
رفت و تسمیه دفع خیال فاسد را مؤثر است و شیخ ابو علی سینا در خواص این دو سوره گفته دیگر از خواص حوامیم وسوالح
بدانکه این ترتیب از اسرار اولیاء الله و تسخیرات کلی تا آخر و فتوحات ظاهر و باطن از مداومت این آیات بظهور آید
و در دیوان و دادخواهی عجایب بسیار است چون کسی خواهد که بدین آیات مشغول شود باید که بطهارت باشد و پرهیز
و پارسا باشد و ابتدا بروز یکشنبه کند به ساعت اول از اسم خود مجمل کبیر بگیرد و اضافه این آیات کند و در مربع بکار برد مظهر

www.FMR.ir

دهم مضمر و نحو ایشان باشند و این آیات بعدد آیات اسم خود خواند و مربع با خود نگاه دارد و مستی که از روز بگذرد
در عدد آیه دیگر بگردد و عدد اسم خود نگاه کند و در مربع بنگارد و بعد از آیه و اسم خود بخواند و این آیه را با خود دارد
تا آخر این مثال تا چهارده مربع از حم حاصل شود و چهارده از سورها بعد از آن با این آیتها صباح و عصر مشغول
شود بدین طریق که ذکر رفت چون ایام بعدد اسم او بگذارد نتایج غریب از و بظهور آید و دولت بخشش شود و صاحب
از اولیاء کبار شود و لکن مغیبات جمع شود و اگر فقیر باشد غنی گردد و اگر ضعیف حال باشد قوی حال گردد و روزگار رش
بخوشی بگذرد بصورت و آوازه او در عالم منتشر شود در شهوت حرام و حرام خوردن و دروغ گفتن احتراز کند و چون
صلاح بین او را مشغول شود کرامات از و بفعل آید و تسخیرات مخلوقات و حیوانات او را حاصل شود و محبت و عقل الله تعالی
و غالب شدن بر اعدا و شوقها هر چه غالب باشد و صورت بیان نمایم تا بر طالبان آسان شود و باقی بر این قیاس کنند که
مجربست والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم و دیگر بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله
ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم له ملک السموات و الارض یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر هو الاول
و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم دیگر بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل من الرحمن الرحیم کتاب فصلت آیاته
قرآنا عربیا لقوم یعلمون بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم بسم الله الرحمن الرحیم
حم عسق کذلک یوحی الیک و الی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات
و ما فی الارض و هو العزیز الحکیم دیگر بسم الله الرحمن الرحیم حم و الکتاب المبین انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون
دیگر بسم الله الرحمن الرحیم یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر و دیگر
بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم ان فی خلق السموات و الارض لآیات للمؤمنین
دیگر بسم الله الرحمن الرحیم فسبح باسم ربک العظیم دیگر بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز ما خلقنا
السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق بسم الله الرحمن الرحیم سبح اسم ربک الاعلی الذی خلق فسوی و الذی قدر
فهدی یک دور تسبیح لله و یک لوح از حلیم باید تا نام ما بنده بر این بنا کنند

بسم حم تنزیل	الله الکتاب من الله	الرحمن العزیز	الرحیم العلیم	۵۵۴	۵۶۸	۵۶۴	۵۶۱
الرحمن العزیز	الرحیم العلیم	بسم حم تنزیل	الله الکتاب من الله	۵۶۵	۵۶۰	۵۵۵	۵۶۷
الرحیم العلیم	الرحمن العزیز	الله الکتاب من الله	بسم حم تنزیل	۵۵۹	۵۶۲	۵۷۰	۵۵۶
الله الکتاب من الله	بسم حم تنزیل	الرحیم العلیم	الرحمن العزیز	۵۶۹	۵۵۷	۵۵۸	۵۶۳

۱۰ الخواص ایما . تحابه علما اعداد تحابه شفو و قابلیات در کتب ذکر کرده اند و بعضی ایشان صاحب بحر الو و بیت و مجمله جوهر
اعداد متحابه که اقل المتحابین است آن است که این عدد یعنی ۲۲۰ و ۲۸۴ طالب مطلوب یکدیگر ند بیشتر ثانیه در ...
دیگر بیشکار بد و اسم مطلوب در صفحه طالب بنویسد و اسم طالب در تخته مطلوب بنویسد طالب مطلوب باشد و مطلوب
طالب والعلم عند الله

وفق المحب

۶۳	۷۷	۲۴	۷
۷۵	۶۹	۶۴	۱۶
۶۸	۲۲	۶۷	
۷۸	۶۶	۶۷	۱۳

اسوس بلسوس سوک
یحبونهم کحب الله ... ذلک ...

وفق المحبوب

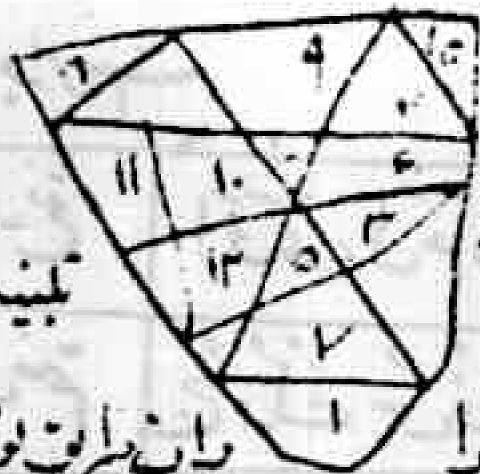
۴۲	۶۱	۵۹	۵۴
۵۹	۵۳	۳۰۹	۶۰
۵۲	۵۶		۵۰
۶۲	۵۰	۵۱	۵۱

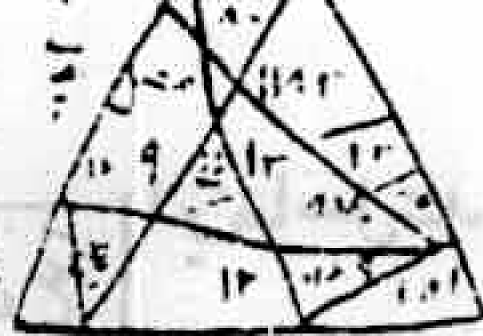
والحکم الدوام لا اله الا هو الحی القیوم
ومن الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم

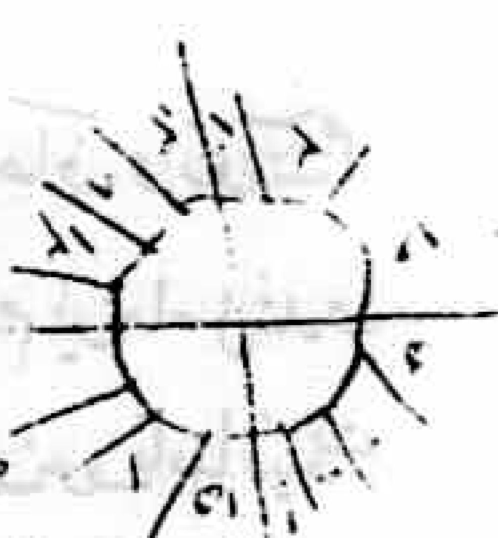
منقول است که این ناکار کردند نام حضرت علی علیه السلام را حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در
در رقم مربع نگاشته داین وفق مشهور است به اعداد و خاصیت این مربع آن است که آفتاب به برج شرف باشد این مربع
بر صفحه نقره یا کاغذ دارند این مربع عزیز باشد به نظر سلطان و بزرگان و محفوظ از شر بلاها و ... صحت
و در همه کارها فایده دهد و انظار مربعات و فق بر ضلع ۷ - ۲ - ۱۳ - ۹۱ و مجموع اضلاع ۲۸ ۲ ۷ ۷ ۳ مربع
حامل می باید که با طهارت باشد و همیشه مداومت بر قرائت سما کند تا اثر پیدا شود انشاء الله تعالی و خواص نقش ۳ اسم
بقراءت جلیل اسم مداومت نماید محتاج باید عدد ۳ اسم را فراکرده در مربع وضع کند و با خود نگاه دارد که او را
حاصل گردد و بمقصود رسد دیگر هر که این مربع بنگارد در شرف آفتاب و قمر در شرف شد حامل این شکل چون ملازم باشم
او را تسخیر ارواح علوی و سفلی حاصل شود و هیبت و جلال او پدید آید و اگر بر ظالمی دعا کند آن ظالم متغیر گردد
این مجربات است دیگر کسی محبوب بر کسی داشته باشد چون با اسم
و دو و مداومت نماید و در شرف زهره این شکل را و صنع کند با خود
دارد محبوب
سخر او شود
و دیگر اگر کسی
ضعیف مزاج بود
شکل مربع فوق را
با خود دارد
هیکل و قوی
شود و با قوت
و هیبت باشد و میان خلایق
و دیگر قواعد
چنانکه در مربع نظر اینه در رفت و عینه
این است که اشکال هر ثروت است در صورت شرح اول

ف ۱۰۰	و ۶	ی ۱۰	ی ۱۰
ی ۱۰	ی ۱۰	ف ۱۰۰	ب ۲
ی ۱۰	ی ۱۰	و ۶	ت ۱۰۰
ب ۲	ف ۱۰۰	ی ۱۰	ی ۱۰

www.FMEHR.com
www.FMR.ir



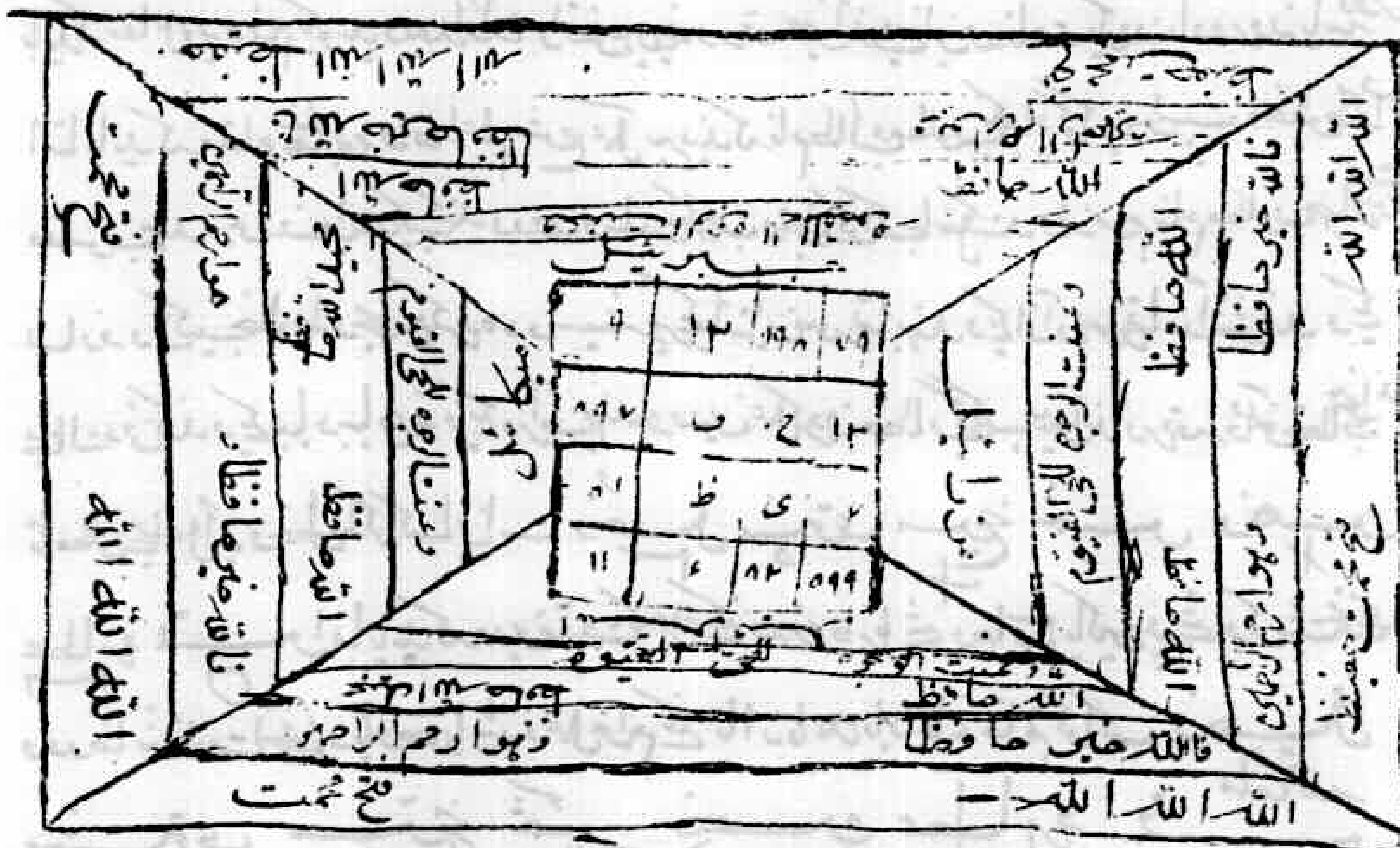




تبیین هر که این نگار در شرف آفتاب با دو رخ ...معوذ بنگارد آیات را با این طریق بنویسد بر کتفی با خود دارد از شر ساحران

ز کید حاسدان و شر ظالمان و جباران محفوظ باشد و اگر خونی وا بسته باشد این کرده و کتابی

در کار او در گشاید و فواید بسیار در این مربع است بدین صورت که نموده شد



الفصل فی خواص الحروف و تأثیرات آن در اینجا گوییم که هرچه در عالم عناصر اجسام متکون شود هم چنانکه آن الطبیعت

واجب است و اسمی بین واجب است و آن اسم از طبایع اربعه خالی نباشد و بین میگوییم که از طبایع دو فاعلند و دو مفعول

و دو مر جسمی که برودت او را رطوبت لازم آید پس حرارت با یبوست مبارزانند در فعل و برودت با رطوبت هم چنین

پس اسم هر شخص و حروف کوکبی که با شخص مطلوب نسبت معروف مجمع کنیم به هر جا که در اول اسم معروف کنیم با حروف آتشی مجمع و معروب

آید و این معنی در بعضی اسما راست آید و در بعضی نیاید فصل در ترکیب حروفات اسما چون خواهیم که عمل بغض و

محبت کنیم اول حرف از نام طالب و حرف اول از نام مطلوب و حرف اول از نام کوکب که کوکب مطلوب منسوب است

بستانیم و مرکب کنیم و به جای ترتیب از هر یک حرفی ... بکنیم ... مجم و معروف کنیم جمله حروف را معروف مجمع کرده باشیم

و حسن عمل معین باشد پس جزء آن کوکب که در عمل آورده باشد بر آتش نهد از غم تا مطلوب حاصل آید و اگر کسی این کتاب

نا شایسته ... و بدست نامحرم دهد تا انجام عمل کرده آنم کرده در نزد خدا یتم و جدول عناصر بعد این است

حروفات کواکب سبعه این است زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر

... چون خواهیم که حروف محمود و فاطمه را و حروف اول زهره ترکیب کنیم این حاصل شود مفم باز حروف ...

www.FMEHR.com
www.FMR.ir

www.FMEHR.com

آن یک ترکیب کردیم این حاصل شد مطلز مغ و حروف پنجم ازکوکب باشد منوال حا ف غطر

حروف حار نخ	ا دَ یَ لَ مَ نَ عَ
حروف یابس سنم	جُ زُ کُ سُ فُ تُ خُ
حروف رطب کسر	هِ رِ شِ ثِ ذِ ص طِ
حروف بارد جزم	بْ وْ خْ ظ ضْ قْ

این حاصل شد حاف وانحروف سیم وان حروف چهارم این حاصل شد و این شد دهم وچون حروف نامها زیادت بازاز سرگیرند ومعرب ومعجم کنند براین وَمَغ دِهِم لیس بجد زمر بکاد داود

باید که مقابل بود در نم بگوید و بعد از آن بر آتش میریزد در رقعه میخواند یعنی این حروفات یکروز یا دو روز یا سه روز

امّا باید که مقام خالی بود والله اعلم شرح عمل بدبیند که نام طالب ومطلوب بکدام کوکب منسوبست وخطوط کواکب

منسوب بنهد وحروف برابر ترکیب کند وروز وساعت کوکب وبخور کواکب حاضر کند وازموم بنام مطلوب چهار صورت

بسازد ودر ترکیب خطوط وبخور کرده ودر سینهٔ هریکی از این صورتها بنهد ویکی از آن صورتها در آتش نهد ویکی

بخاک دفن کند ویکی بباد بیاویزد ویکی در آب نهد ودر این عمل کردن خطاب کوکب میخواند ودر رقعه دانم خطاب میخواند

تا مطلوب بحاصل آید وخطوط کواکب اینست زحل مشتری مریخ شمس زهره

عطارد قمر امّا باید که در این مدت که عمل میکنی روزه دار باشی وجامها پاکیزه پوشی ودر کوشه نجوری

ومعوضا نه خلوت نشینی وباوضو باشی وعمل مدام بکنی تا از تا مدت بازنمانی خاتم کواکب زحل

مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر

خطاب زحل این است ایها السید العظیم اسمک الکبیر شأنک الرفیع قدرتک الغالبة ورحمتک

تابت الرحل الیابس البارد المظلم النحس الصادق فی القول الغضب التعب المعوج بالغم والحزن المنعزل عن الفرح الصالح

المکار العالم الشیخ المحزون النحسة والسعید من اسعدتنا اسئلک ایها الاب الذی بحق الآلائک العظام والخلاق

الکرام ان تفعل فی مرادی ومقصودی خطاب مشتری ایها السید المبارک الحکیم الذی الزاهد البایع عظیم

الهیبة المصالح الکریم الشیخ المعین الوفی بالعهد اسئلک ایها الاب بحق احلاقک الجمیلة وافعالک النقیة

اسئلک ان تفعل فی مرادی ومقصودی خطاب مریخ ایها السید الفاضل الحار الیابس الشجاع القلب المهرق

الدم القاهر الغالب العطاش الحدید صاحب الشر والعذاب والمقرب والنحر والکذب والنمیمة والقلیلة

المقالات بالقتال توحید الغریب حامل السلاح کثیر النکاح اسئلک فی مرادی ومقصودی خطاب شمس ایها

السید الحار الیابس الکریم الحکیم ملک الکواکب اذلک الفضل علیهم اذ هم بک یسعدوا اذا نظرت وینحسوا

اذا جامعت فلم یحظا معرفة ضدک ولن یدرک کنه شرفک فی السماء یا قوی الاقویاء ویا شدید البطش اسئلک

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

في مرادي ومقصودي خطاب بزهره ايتها السيدة المباركة الرطبة المعتدلة اللطيفة الفطرة الحسنة الخلقة الضاحكة
صاحبة الحلي والزينة اللهو والطرب والذهب والفضة والسماع الذي تحزن به العبيد ان صاحبة اللعب والمزاح القاصم
الطايلة المتوكدة العادلة المحبة للحبين والنكاح صاحبة السرور ان تفعلي في مرادي ومقصودي خطاب عطارد ايها
المفسد في حال للفاسد صاحب بحث والمكر الصادق اللطيفة الكبير الحنيف فلا يعرف الطبع ولطف فلم يوصف بصفة
وانت مع السعود سعد ومع النحس نحس ومع الذكور ذكر ومع الاناث اناث ومع النهار نهاري ومع الليل ليلي تمام خاتم
في طبايعهم ومشاكلهم اسألك في مرادي ومقصودي خطاب قمر ايها السيد السعيد البارد الرطب الجميل القاضي في التدبير
المحب اللهو والهوى واللعب صاحب كل بريد وقلب الاعمال البلد السخي الحكيم ان تأثرهم الينا واعظم اسألك في مرادي
ومقصودي شرح عزيمت ميططرون ملك الجن چهل فلاني که سرکوفته دارد طلبد و روغن کنجد و بآنجا کند و عدد ميانش
خانه بيابد و اين عزيمت بخواند تا هفت نوبت يا بيست و يك نوبت که بنوبت مزده باشد آن جماعت که آن شخص
پيش قوهام شوند و اگر خواهد اين عزيمت بر پاره حرير ابيض يا جامه مطلوب بنويسد و فتيله کند و در چراغدان
مين نهد و بروغن کنجد برافروزد و در چراغدان بجانب خانه آن کس کند آن کس بيقرار گردد و خود را بدان شخص
رساند عزيمت اين است عزمت عليكم ايها الملك الكبير بحق سليمان بن داود عليه السلام وآصف بن برخيا وبحق
اسم الذي هو بين النجوم وساعتها ونقش الخاتم وما فيها بحق هذه العزيمة كلاوه هو بركسقيو اكتمع
كسطرهشط الوحا الوحا الوحا طشكياق اهوشطا اطمهيال ططططعطال ميططرون يا
معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان ايها
الجان بحق ميططرون الملك الموكل على الجان والعفاريت اجابة اجابة اجابة ياجا مع الارواح بحق عفاريت الذي
موكل على البر والبحر وبحق هذه الاسم العظيم يا محتمطرها رش الوحا جسجحطلكيع اداوداو
عزمت بحق رب البيت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور ان عذاب ربك لواقع ما له من دافع
استجيبوا لربكم من قبل ان يأتي يوم لا مرد له من الله ما لكم من ملجأ يومئذ وما لكم من نكير وانتم سامدون
شرح عزيمت ميمون الزنگي بياد سفال آب نارسيده و اين عزيمت بنويس بسياهي و در شود تا فتاندازند بقرار شود
مجربست و اگر خواهد که غايبي را از راه دور بيآورد از موم دو صورت بسازد اما اگر يکي باشد مجرب بود و اگر مطلوب
مونث باشد صورت مونث سازد و اگر مذکر باشد مذکر بايد که همه اندامها او پيدا کند تا مقعد و خصيتين
و اين عزيمت بمثل و در نغزان بنويسد و در شکم صورت نهد و در محل خلوت رود و اين صورت را بکوب از چوب انار
بياويزد و دو صورت بهم جفت بلور کند و بيست و يك نوبت اين عزيمت بخواند و در ديگ علك و ساج و سندروس دود کند

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 و چون تمام شود عود و عنبر دود کند و یک هزار و یک بار عقد بخواند و بچشم صورت نگرد بگذارد و اگر این عمل سه شب کند یا دو

یک بعد از هم یا دو و قسم بجان سلیمان علیه السلام دهد مقصود حاصل شود ان شاء الله تعالی تمّ عزیمت میمون زنگی این است

عزمت علیکم یا میمون زنگی کرعکرع حرعحرع زنگی ۳ اوکا ۳ بنیاکا ۳ اشکلینا ۳ کاعدکا ۳

تمخدکا ۳ اوجکا ۳ تلاش طلاش ۳ عبس ۳ الجهج ۳ بوداس ۳ مندوس ۳ مندوسکا ۳ سرهیوس

۳ سرهیوسا ۳ اسرار ۳ کهیکهیسوس ۳ مهراس ۳ کرهوش ۳ احبت کجوت ۳ فه تفری و تلیا و تنفیطهطهیل

۳ طفنا ۳ طیشا ۳ وسکطیا ۳ کتمها ۳ طططری ۳ طمری ۳ سهیکال زکیا ۳ احیا یا میمون الزنکی

اجا بت اجابت اجابت الوحا الوحا العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة النار والنار الحریق

او خلاصیله ایها الارواح بحق نقش الخاتم میمون الزنکی اظهروا صورکم و وسیلکم علی هذا الصبیان فی هذه الطلاة

کلام شقح شمشونخ ورهوقم تو آمین آمین الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة هر کس خواهد که صلاح و فساد

کار عبداند این پنج کلمه بر ناخنها دست راست نویسد هر کلمه بر ناخنی و دست در زیر سر نهاده بخوابد اگر سبز بیند

بنایت نیکوست و اگر سیاه بیند کردن آن نکرد و کلمات این است افتا دین فراهین موهن سوهن هر که را

امر کشتن نماید این نوشته را در موم کرفته در زیر زبان کذارد خلاص یابد مسلمه رسالة و هر که خواهد

حال خود را در خواب بیند این دعا را بر پشت دست چپ نویسد و دست در زیر سر نهاده در خواب رود صاحب وقت احوال را در خواب

بیند دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم سیهیهیام مجهد یا حی یا قیوم تمخنا و تمشینا و تمحیثا اللهم

مغفرتك اوسع من ذنوبی و رحمتك عندی من عملی خاتم جهت آواره کی بنویسد در پای کجشك بندد و تا دود یکسال

باز نماند و مجرب است والله اعلم و اگر خواهی که بیاری بنویسی بر درخت بید و رها دهی از آن طرف که رفته است

بیاید و اگر خواهد که زندانی خلاص شود این خاتم بر پاره خاک گورستان خواند و در آنجا ریزد که هم در روز خلاص یابد

و اگر خواهد که خواب کسی را ببندد این را بنویسد و در آن بندد و از هوا بیاویزد که مجرب است شمخیالشرخیال

اسراییل مکربیال الشحوبیال سیططر و نحبرئیل والحمد لله وحده باب الحب اگر خواهی که کسی را مسخر خود کردانی

که تا زنده باشد سر از قدم تو برندارد و مطیع و مبتلا کرده و اگر یکدم ترا نبیند قرار و آرام و خورد و خواب نداشته باشد

بنویس روز پنجشنبه که ساعت سعد باشد بمشك و زعفران و گلاب پس در شیشه مینا کند و این اجزا در شیشه کند

مثقال از دق ملك یعنی بنفشه خشك پوست نارنج نمك هندی کوکرد عود و نبات بلادر

روغن یاسمین روغن زیت روغن بنذکهن سر شیشه را محکم کرده چهل و یك روز در آفتاب

۱ م ۱ م ۲۰ م

بیاویزد که مجرب است و بیم دیوانکی است و رسوائی و این عمل و این عمل حالینوس حکیم است تنها که بیش از چهل و یك روز در آفتاب

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

نکند دکه بیم خستکی و بلاکی در این عمل است نفس که جهت حلال کند و بنا اهل نیا موزد که شرمنده درگاه رب العزه

شوم ۱۲۱۱۲۱ ﻻ ۴۳۳۱۱۷۱۳۱۱۴۱۱۴۱۱۹۱۹۱۱۲۱۱۸۳

٢١	٩٧	٣	١٣	٦٢	٥	٩٧	١٤	٨٣
١٢	١٩	٧٣	١٥	١٤	٧٤	٥١	٩٧	١٣

٨ ١١ ٨١ ٨١ ٨١ الد ١١١ ٥٥٥٥ ١١ ٢١١

[illegible]	ت ٤٠٠	ف ٨٠	ت ٤٠٠	ف ٨٠	ت ٤٠٠	ف ٨
العجل	ح ٨	١١	ح ٨	١١	ح ٨	١١
راح	ت ٤٠٠	ف ٨٠	ح ٨	١١	ت ٤٠٠	ف ٨٠
العجل ابه ننه	العجل ننه	العجل على حب	العجل ابه ننهل	العجل ننه ت	العجل تلب	الساعة حرنت

جهت کشایش کار بنویسد این هفت در هشت را در دیوار این است

فصل در بیان الواح و وضع در نوع نخستین لوحی که در نوع ممکن باشد مربع چهار در چهار است و طریق وضع او مشهور است از هر خانه که ابتدا کنند چون لوح تمام شود وفق او راست باشد حکما این نوع مربع را چهار مبدأ تعیین کرده اند بر ضابط احوب و حیله و حکیم ابوریحان که از حکما اسلام است چند فصل در خواص این مربع از قول حکما هند استنباط کرده بغایت مجرب است.

٩٠ ٤ع	٨٤٠	٨٤	٨٤	٤٢	١١	X	٤٤
١٤١	٣	٤٢	٢٢	٤٤	٤٩	١٨	٤١١
٢٦	٢٤	٢٢	٤٢	٣٤	٣٤	٢٤	٣ﻻ
٢٤	٢٤	٢ﻻ	٢	٩ﻻ	٣٧	٣٦	٤٤
٦٦	٦٦	٢ﻻ	٤٩	٩٢	٢٢	١٣	٣ﻻ
٤٧	٩٤	٤	٤٦	١٦	٢	١	٤٤
١٠	٢	١٣	٣٣	١١١	٦٤	٢	٨

و در جمیع امور از خیر و شر و نفع و ضرر و حصول مقصود و بر آمدن مهمات و راندن حاجات و در دفع شر اعدا نظیر ندارد و واجب نمود شرح آن تا این مختصر از آن فواید خالی نماند فصل اول در محبت چون خواهی که کسی را محب خود سازی چنانکه یک لحظه بی تو نتواند بود بکیر نام آنکس که مطلوب است و نام مادر وی و نام خود و نام مادر خود بحساب جمل جمع کن و بهر ابیجاه عدد دیگر اضافت کن که در این عدد سریست از اسرار الله تم مجموع بطریق وفق بهمین ضابطه که در مربع اول است درج کن می باید که در ساعت اول روز یکشنبه یا ساعت یکشنبه در اول برج آفتاب یا قمر در ساعت کتابت این مربع کشته با عود بخور کند و در همان ساعت بنجد و در موم کیرد که در مجلس عزت سوختن باشد اکر این عمل را از بهر مدح کند بر پارچه راست بنهد و اکر از بهر زن نویسد بر پارچه سپید و کر بر کاغذ درد نویسد بهر بود و اصل شکل این است

٤	١٤	١٥	١
٩	٧	٦	١٢
٥	١١	١٠	٨
	٢	٣	١٣

بنام ادا سازی ۲۱۷ عدد اضافه کن در کاغذ نوع دیگر بستان در روز آدینه روز چهارشنبه یا پنجشنبه

عقد اللسان در روز دوشنبه زبان بند نیت خصم ۱۶ یا آدینه یا یکشنبه ساعت عطارد

٦	٩		٣
١٢	٧	٢	١٣
١	١٤	١١	٨
١٥	٤	٥	١٠

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۱۶ چون قمر در ثور باشد باد راسد ناظر بقمر یا مشتری بنظر جد بر اعداد اسامی ۱۲۰۱ عدد اضافه کن بر ورق
آهو بنویس و بر بند شلوار بند این است

۱	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴
۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۸۲
۱۸ عدد اضافه کن و بر کاغذ بنویس و در زیر سنگ کلان بنه اگر در ساعت زحل شنبه
قمر در سنبله باشد ناظر بعطارد جانب باشد این است

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۲	۱۳		۳
۱۱	۸	۵	۱۰

نوع دیگر بر اعداد اسامی ۱۵۰۶ عدد ۱۶
اضافه کن و بر کاغذ بنویس و در زیر سنگ کلان بنه زبان خصم بسته شود این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۵	۱۷
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	

نوع دیگر در عقد الرجال بر اعداد اسامی ۳ عدد اضافه کن و بر ورق آهو یا پوست
بنویس و در جای کتابت مقل اندر بخور کن و لوح نوشته را در زیر آستانه آنکس پنهان
کن و نام مطلوب و طالب یاد کن این است

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۹	۳	۶	
۱۴	۸	۱	۱۱

۱۶ ۶

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی
۵۰ ۵ عدد اضافه کن و بر ورق آهو بنویس و بر بند شلوار بند و
تقطیع روز شنبه باید نوشت لوح این است

۵	۱۰	۱۵	۴
	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴

نوع دیگر بر اعداد اسامی هر عدد ۱۶ اضافه کن و بر کاغذ بنویس و در آب اندازد
بخورد آنکس و هر دو بسته شود بفرمان خدا بستم آن را

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۹	۳	۶	
۱۴	۸	۱	۱۱

نوع دیگر عقد النظر در شب چهارشنبه بر اعداد اسامی ۱۹۰ عدد اضافه ۱
کند که تجربه رسیده است این است

۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷
	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۳۰۰۴ عدد اضافه کن و بر کاغذ
بنویس و بر شکم ماهی بند و در گور دفن کن ۱۶ دیده او هم چنان دفن کن که نظر بسته شود این است

۲	۱۳		۳
۷	۱۲	۹	۶
۱۱	۸	۵	۱۰
۱۴	۱	۴	۱۵

۱۶ ۴

نوع دیگر روز چهارشنبه در ساعت آفتاب بتثلیث زهره یا قمر و اگر قمر در ثور
بود بهتر بر اعداد اسامی ۹۲ عدد اضافه کند و بمشک و زعفران و گلاب بر ورق
آهو بنویس و در ساعت کتابت بخور کند عود و لادن و بشرط مذکور با خود دارد مقصود
حاصل شود این است

۸	۱۴	۱۱	۱
۳	۹		۶
۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵

نوع دیگر چون آفتاب بجوزا باشد روز چهارشنبه بوقت ۱۶
طلوع آفتاب بر اعداد اسامی ۴۰۰ ۱ اضافه کن و بنویس و در خانه خود بیاویز
که باد او را بجنباند و در زیر او قدری مقل بخور کند آرام و قرار دشمن ناند لوح این است

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

نوع دیگر روز پنجشنبه که آفتاب در شرف باشد بر اعداد اسامی ۲۰۴۰۲ اضافه کن و بمشک و زعفران و گلاب بنویس و بشرط مذکور با خود دارد که مطلوب حاصل شود لوح این است

۴	۱۵	۱۴	۱
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
	۳	۲	۱۳

نوع دیگر روز پنجشنبه که قمر در شرف باشد بنظر تسدیس با عطارد و بر اعداد اسامی ۱۴۰۸ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران و گلاب بنویس و نوشته را در موم گیرد و بشرط مذکور با خود دارد و در نماز هر که اسم باری تعالی در این لوح مندرج است لوح این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

نوع دیگر چون قمر در ثور باشد یا در اسد و مشتری یا زهره بر تسدیس یا تثلیث قمر باشد بساعت مشتری یا ساعت زهره یا آفتاب بر اعداد اسامی ۱۰۲ اضافه کند و بنویس بشرط مذکور و با خود دارد صورت لوح این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

۴	۱۵	۱۴	۱
۹	۶	۷	۱۲
۵	۱۰	۱۱	۸
	۳	۲	۱۳

نوع دیگر در محبت یا ملاقات به سلاطین روز شنبه بر اعداد اسامی ۶۵۳ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و بموم گرفته در آب انداز و دیگر خود را بدان آب بشوید و نزد هر که خواهد برود در ساعت محبت بیفزاید این است

	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴
۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۲۴۵ اضافه کن و بر کاغذ نویس و در موم که در مجلس عشرت حاضر باشند بگیرد و با خود نگه دارد لوح این است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹		۳
۱۲	۷	۲	۱۳

نوع دیگر روز پنجشنبه بر اعداد اسامی عدد اضافه کن و در روغن بادام انداز و هفت روز بگذار بعد از آن چون پیش مطلوب روی از آن روغن بروی خود بمال لوح این است

۱	۱۱	۱۴	۸
۵	۴	۵	۱۰
۶	۹		۳
۱۲	۷	۲	۱۳

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۰۲ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران و روح آهو بنویس و با خود نگه دارد که مجرب است و لوح مزبور این است

۱	۱۴	۱۵	۴
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۳	۲	۳	

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۱۲۰۴۲ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران و گلاب بر حریر سفید بنویس و با خود دارد لوح این است فصل و محبت شدید

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۸	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰

روز شنبه بر اعداد اسامی ۲۲۴ اضافه کن و بر کاغذ بالکینه بنویس و در موم گیرد بر بازوی راست ببندد این است

۱	۱۵	۱۴	۴
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۲	۶	۷	۹
۱۳	۳	۲	

نوع دیگر روز جمعه بر اعداد

۷	۹	۱۲	۶
۲		۱۳	۳
۱۴	۴	۱	۱۵
۱۱	۵	۸	۱۰

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 اسامی ۲۰۰ اعداد اضافه کن و بنویس بمشک و زعفران و کلاهی بر بازوی راست بندد که مجرب است لوح این است

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۲۱۰۲ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در موم گیر و بر بازوی راست بر بندد این است

۱	۱۱	۱۴	۸
۶		۹	۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

۱۶

	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

۱۰

نوع دیگر روز شنبه بر اعداد اسامی ۲۱۰ اعداد اضافه کن در کاغذ پاکیزه نویس و در موم گیر و بر بازوی راست بندد این است

نوع دیگر روز شنبه بر اعداد اسامی ۴ ۱۰۱ اضافه کن و بر کاغذ نویس و در موم گیر که در مجلس عشرت سوخته باشند و هر بامداد در کلاهی نهد و در پیش خود مالد و در پیش خود بدان بنوید و خشک کند که اگر کس او را ببیند دوست دارد این است

	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

۱۶

	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

نوع دیگر روز پنجشنبه بر اعداد اسامی ۵ ۳ ۹ اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در روغن یاسمین اندازد و سه روز بگذارد و بعد از سه روز برگیرد و هرگاه پیش مطلوب رود قدری بر پیش خود بمالد که شیفته و عاشق وی است این است

نوع دیگر روز آدینه بر اعداد اسامی ۳ ۱۰۰ اضافه کند و بر ورق آهو نویسد و در روغن بادام اندازد و هفت روز بگذارد بعد از هفته در پیش خود بمالد چون اکسیر یا بیند دوست دارد لوح این است

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	

۱۰

فصل در دفع دشمنان اگر کسی را دشمنی باشد که با او بر نیاید روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۴۵ ۷۰ عدد اضافه کند و بجوز کفتار با مجرو بر پوست خو نویسد و در دواکند از آن کس دفن کند مجرب است

۱۱	۵	۸	۱۰
۲		۱۳	۳
۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۴ ۱۰۱ اعداد اضافه کن و بجوز آدمی بر کاغذ نویس و در گلخن حمام دفن کن لوح

۱۶

۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳
۶		۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸

۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

نوع دیگر شب شنبه بر اعداد اسامی ۵ ۰۰ ۹ عدد اضافه کند و بنویسد بر کرباس کمان کفن مانده باشد و از قبر صورتی سازد و نوشته را در شکم صورت نهد و در گورستان دفن کن تا عجایب ببینی لوح این است

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۵۰ بجمع ۲ اضافه کن و بر پوست آهو یا پوست پلنگ نویس و عود و عنبر بخور کن و در سلاح خانه دفن کن

۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

۱۰

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در کرباسی که از کفن مانده باشد

۱۵	۴	۵	۱۰
	۹	۱۶	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸

۶

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

ببیچد و در کوه کهن دفن کند شکل این است

نوع دیگر روز دوشنبه

۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸

بر اعداد اسامی ۳۴۱۱۰ اعداد اضافه کند و ۱۶ بر کاغذ نویسد و در کرباسی کهنه کفن مانند بپیچد و صورتی سازد و نوشته را در شکم صورت نهد و در تابوتی نهد و در گورستانی کهنه دفن کند لوح این است

فصل در فتح الرجال شب جمعه بر اعداد اسامی ۴۰۴۰ عدد اضافه کن و در پاره‌ای کرباس نویس و در آب روان انداز لوح این است ۱۶

۱۳	۳	۲	
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۵	۱۴	۴

۹	۷	۶	۱۲
۵	۱	۱۱	۸
۴	۱۵	۱۴	۱
۱۶	۲	۳	۱۳

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۵۰۵ عدد اضافه کند و بر پوست آهو نویسد و نوشته را با خود دارد گشاده گردد بفرمان خدای تعالی لوح این است

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	
۴	۱۵	۱۰	۵

۱۶

نوع دیگر روز آدینه بر اعداد اسامی ۱۲۴ عدد اضافه کن و بر ورقه آهو نویس و نوشته را در موم گیرد و در کوزه آب اندازد و هر روز دو سه نوبت بشوید کشاده شود از آن آب خورد لوح این است

نوع دیگر شب دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۲۴ عدد اضافه کند و بر حریر سفید نویسد و در موم گیرد و بر بازوی راست بندد گشاده گردد و بغایت مجرب لوح این است

۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱
۶	۱۲	۹	۷
۳	۱۳		۲

۱۶

فصل در آواره کردن خصمان روز شنبه بر اعداد اسامی ۱۲۰ عدد اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در پای گنجشک بندد و بیرون شهر رها کند که آن کس آواره گردد لوح این است

۱۵	۱	۸	۱۰
۴	۱۴	۱۱	۵
۹	۷	۲	
۶	۱۲	۱۳	۳

۱۶

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۵۰ عدد اضافه کند و بر کاغذ نهد و در گورستان جهودان دفن کند آواره شود لوح این است

۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴
۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵

۱۶

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۵۰ عدد اضافه کن و در آستانه وی دفن کن آواره شود البته لوح این است

۱۴	۴	۵	۱۱
۱	۱۵	۱۰	۸
۳	۱۳	۶	۱۲
۷	۹		۲

۱۶

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۱۴۵ عدد اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در میان کوشت نهد و در آب روان اندازد مجرب است لوح این است

۸	۱۱	۱۰	۵
۱	۱۴	۱۵	۴
۱۳	۲	۳	
۱۲	۷	۶	۹

۱۶

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۲۲۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و بر پر عصفور بندد و رها کن که آواره شود لوح مرقوم

۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹		۳

۱۶

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۲۰ این است

۶		۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸
۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰

نوع دیگر شب شنبه بر اعداد اسما ۴۰۰۰ عدد اضافه کند و بر کاغذ نو بنویسد و در پر گنجشک بندد و رها کند مجرب است

نوع دیگر شب یکشنبه بر اعداد اسما ۴۹۵ عدد اضافه کن و بر پارهٔ کرباس نویس و در میان گوشت نه و در آب روان انداز که مجرب است و لوح این است

۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۵	۱۴	۴
۱۳	۳	۲	
۸	۱۰	۱۱	۵

نوع دیگر شب دوشنبه بر اعداد اسامی ۴۴۴ ۷۷ اضافه کند و بر کاغذی نویسد و در محله‌ای که کس پنهان کند که مجرب است این است

۸	۱۰	۱۱	۵
۱	۱۵	۱۴	۴
۱۳	۳	۲	
۱۲	۶	۷	۹

فصل در بغض و عداوت روز شنبه بنام آن دو کس که میان ایشان عداوت افکنی و نام مادر ایشان بحساب جمل جمع کن و بر اعداد اسما ۱۰۵۰ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و در خانه او دفن کن لوح این است

۶	۱۶	۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۲۲۰۵ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و در چاه افکن یا در کوزه‌ای نو [illegible] ملحقات بعد در لوح این است

۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
۲		۱۳	۳

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۲۰۰۵ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و در گورستان جهودان دفن کن که مجرب است لوح این است

۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴

نوع دیگر روز شنبه بر اعداد اسامی ۶۰۵ عدد اضافه کن و بر پوست خر نویس و در جایی که نم باشد دفن نماید که بجا ام بکنی البته البته لوح این است

۱۵	۴	۱	۱۴
۱۰	۵	۸	۱۱
۶	۹	۱۲	۷
۳		۱۳	۲

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۹۷۰ ۷ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و در آستانه در دفن کن که مجرب است لوح این است

۱۴	۴	۱	۱۵
۱۰	۵	۸	۱۱
۷	۹	۱۲	۶
۳		۱۳	۳

نوع دیگر روز شنبه بر اعداد اسما ۲۲۵ عدد اضافه کن و بر پوست خر نویس و در میان گوشت بنه و در آب شب گرما بر انداز لوح این است

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵

نوع دیگر شب چهارشنبه بر اعداد اسامی ۲۵۰۰ اضافه کن و بر کاغذ بنویس یا در پوست نه و در مرغ خانهٔ دشمن انداز

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

فصل در صلح میان زن و شوهر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۰ عدد اضافه کن و بنویس و بر بازو

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

راست بندد مراد حاصل شود این است

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۲۰۷ عدد اضافه کن و بر بازو راست ببند

۷	۱۲	۹	۶
۲	۱۳	۱۶	۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۱۱	۷	۵	۱۰

و با خود دار لوح این است

۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵
۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۴۰۰۰ عدد اضافه کن و بر پوست آهو نویس و با خود دار لوح این است

۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵

نوع دیگر روز پنجشنبه یا شب شنبه بر اعداد اسامی ۴۰۰ عدد اضافه کن و بر حریر بنویس و بر بازو راست بند لوح این است

۱۱	۸	۵	۱۰
۲	۱۳		۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۷	۱۲	۹	۶

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۵۰۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نوشته با خود دارد لوح این است

۲	۱۲	۱۳	۷
۵	۱۵	۱۰	۴
۱۱	۹۱	۸	۱۴
	۶	۳	۹

۱۶

نوع دیگر روز آدینه یا شب سه شنبه بر اعداد اسامی ۴۰۰ عدد اضافه کن و بر حریر نویس و با خود دار این است

نوع دیگر شب سه شنبه یا یکشنبه بر اعداد اسامی ۵۰۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و بر کمر ببند همین طریق

۶	۱۳	۹	۷
۳	۱۳		۲
۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱

۱۶

فی المحبة بنویس روز جمعه بوقت طلوع آفتاب بر کاغذ بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ زرد و پاکیزه

۴	۸	۵	۱۱
۳	۱۳		۲
۱۵	۱	۴	۱۴
۶	۱۲	۹	۷

۱۶

و بر اعداد اسامی ۶۰۶ عدد اضافه کن و بر فلفل بخور کرده در پیچید و جوگی که از شمع عروسی باشد گرفته بادیم در وختر با خود دارد اگر مرد است بر بازوی راست بندد و اگر زن باشد چپ انگشتان محبت بیقرار کرده و بیم دیوانگی است شک نیاورد که کافر گردی که اسمی از اسماء عظام در این درج است لوح این است

۴	۱۵	۱۴	۱
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
	۳	۲	۱۳

۱۶

نوع دیگر بنویسد در روز پنجشنبه بمشک و زعفران و گلاب و بر اعداد اسامی ۵۵۲ عدد اضافه کن و با خود دار بشرط مذکور در حبیب القلوب بطلوع حاصل شود این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

۱۶

فصل دوم در بغض و عقد اللسان اگر کسی را خصمی بوده باشد و علاج او نداند بنویسد این مربع را بر ورق آهو و بر سر اعداد اسامی ۹۸۴ عدد اضافه کند و در روز چهارشنبه بوقت طلوع آفتاب در موم کرفته در جا نه خصم دفن کند این است

نوع دیگر بنویس بر پاره کاغذ جهت عقد اللسان و بر اعداد اسامی ۴۹۶ عدد اضافه کن و بر کلاه بند زبان انگشت بسته شود بفرمان خدا انشاء الله تعالی

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۲	۱۳		۳
۱۱	۸	۵	۱۰

۱۶

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

این است فصل در عقد النوم اگر خواهی که خواب کسی را ببندی چون آفتاب بقمر متصل باشد

و عطارد بمشتری در روز چهار شنبه ساعت عطارد بنویس بر کاغذ و بر اعداد

اسامی ایشان ٢٠٢ عدد اضافه کن و بر زیر بالین بنه و بخواب رود خواب آنکس بسته

شود این است

١٠	٨	٥	١١
١٥		٤	١٢
٣	١٣		٣
٦	١٢	٩	٢

نوع دیگر در روز جمعه بر اعداد اسامی ٢٠٠٦ عدد اضافه کند و در کاغذ نویسد ساعت عطارد و در وقت نوشتن بگوید لبستم خواب فلان ابن فلان بعشق و محبت فلان ابن فلان و بعد از کتابت با کسی نگوید و نوشته در زیر سر نهد و بخوابد خواب آنکس بسته شود لوح این است

٦	٩		٣
١٥	٤	٥	١٠
١	١٤	١١	٩
١٢	٧	٢	١٣

نوع دیگر روز جمعه ساعت عطارد بر اعداد اسامی ٢٠٢٠٦ عدد اضافه کن در کاغذی نویس و پایه خود بخور کند و نوشته را بر ران چپ ببندد و بگوید لبستم خواب فلان ابن فلان را بعشق و محبت فلان بن فلان و با کسی سخن مگوید و خواب کن و خواب آنکس بسته شود لوح این است

١٢	٢	٧	١٣
١٥	٥	٤	١٠
١	١١	١٤	٨
٦	٤	٩	٣

فصل چهارم في عقد الرجال بنویس این لوح را بنام آنکس که تو خواهی بر اعداد اسامی ١٩٥ عدد دیگر اضافه کن و در وقت کتابت این شکل بگو لبستم الت فلان ابن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه بحق هذه الاسماء الاعظم بعد از آن

١٢	٢	٧	١٣
١٥	٥	٤	١٠
١	١١	١٤	٨
٦		٩	٣

بستان زن فلانه بر وی بند و در جایگاه مناسب دفن کن و سنگ گران بر زیر آن بنه و باید که از برای حلال کند که اسم اعظم در این لوح است فصل در عقد النظر اگر خواهی که نظر کسی بر بندی و بغیر از تو در کسی ننگرد باید که نظر ها و ساعتها سعد نگاه داری و ساعتی که این عمل مناسب باشد بستانی کاغذ با

و نام ها را حساب کرده عدد بر سر آن اضافه کن و بطریق دفن بنویس و در روز

٢	١٦	١٣	٣
٧	٩	١٢	٦
١٩	٥	٨	١٠
	٤	١	١٥

سه شنبه در موم کافور نا زموده که در و در آبی که در دکرما بیرون میآید دفن کن و در آن حالت بگوی لبستم نظر فلان ابن فلان را بر فلان ابن فلان تا مطلوب حاصل آید این است

نوع دیگر بستان پوست در انگور در روز چهار شنبه ساعت عطارد نامها را حساب کرده بر سر اعداد اسامی

٢	١٣		٣
٧	١٢	٩	٦
١١	٨	٥	١٠
١٤	١	٤	١٥

٢٠١٩٠ عدد اضافه کن و در این لوح درج نموده در آستانه آنکس پنهان کن تا در دیگر نظر خود را بغیر او نتواند کس متوجه دارد

نوع دیگر بنویس بر پوست گرگ در روز دوشنبه بر اعداد اسامی عدد اضافه کن و در این لوح درج نموده در آبی که از ما به بیرون میآید دفن کن یا در در یکی از آنکس در عقد النظر نظر ندارد و دغا دکه بحرام نکند تا در دو بال بیفتی که اسماء عظام در این مربع است

٤	١٥	١٠	٥
٩	٦	٣	
٧	١٤	١٣	٢
٣	١	٨	١١

و لوح این است

فصل ششم در عقد الطریق اگر خواهی که کسی را از دفتی مفر باز دارد

٧	١٢	١٣	٢
٩	٦	٣	
٤	١٥	١٠	٥
١٢	١	٨	١١

www.FMR.ir

بنویس این مربع در روز دوشنبه بر پوست کفتار و بر اعداد اسامی ۲۰۴ عدد اضافه کن که هیچ وجه رنجش ۱۲۳
آنکس میسر نشود و ساعتها که این کار را شاید شنبه ۳ یکشنبه ۷ دوشنبه نشاید سه شنبه ا چهارشنبه
۱۲ روز پنجشنبه نشاید روز آدینه و شب شنبه و شب یکشنبه پنجشنبه شب پنجشنبه و آدینه نیک است لوح این است

۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵
۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲

نوع دیگر بیاور پارهٔ کاغذ روز یکشنبه ۷ و بر سر اعداد اسامی ۲۰۰ عدد اضافه
کرده بنویس و در زیر سنگ گران نه آنکس را سفر هیچ وجه میسر نشود و مانع
ضروری پیدا شود لوح این است

۵	۱۰	۱۱	۸
	۳	۲	۱۳
۴	۱۵	۱۴	۱
۹	۶	۷	۱۲

نوع دیگر در عقد الطریق روز چهارشنبه بر اعداد
اسامی ۴۰۰ عدد اضافه کن و کاغذ بنویس و در موم گیر و بخورد ماده گاو خر
بده او بسته شود و هیچ جا نتواند رفت این است

۱۳	۷	۲	۱۲
[illegible]	۴	۵	۱۵
۸	۱۴	۱۱	۱۰
۳	۹		۶

نوع دیگر شب یکشنبه
ساعت پنجم بر اعداد اسما ۹۵۰ عدد اضافه کن و در ساعت کتابت عود و سندروس
و مقل ازرق بخور کن و این مربع بر پوست آهو بنویس و نوشته را با پاره عنبر و مقل ازرق بخور کن و در موم
کافور فرموده گیر و پاره نه کمان ندافی برگ بیچ و دیگر با بن ناشسته گیر و در زیر سنگ گران بنه یا بر سنگ
بند و در چاهی انداز که آب ایشان نکشند لوح این است

۳	۱۶	۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۱	۱۴	۱
	۵	۴	۱۵

فصل هفتم فی حل الرجال بستان از حریر سفید
و بر نامها حساب کرده این عدد ۲۹۵ اضافه کن و در روز پنجشنبه بنویس و بر گلگاه بند
که مراد و مقصود حاصل شود این است

فصل هشتم در گشایش کارها اگر کسی خواهد که کار بسته او گشاده
و برکت و جمعیت و در رزق بر وی گشاده گردد شرایط بجا آورد نظرها مسعود و
ساعتها و روزها نیک و بودن قمر در حمل شاید ثور در نیمه آخر جوزا نیک است سرطان

۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	
۷	۱۲	۱۳	۲

نیک است اسد شاید سنبله شاید میزان نیک است عقرب قوس جدی دلو حوت نیک است بستان پاره حریر
سفید و نامها را حساب کن عدد دیگر اضافه کن و در روز پنجشنبه ۵ بنویس و در موم گیر که با وی مشک آمیخته
باشد و در بازوی راست بند هر مهمی که داشته باشی کفایت کرده بنفسی و در رزق در روزی بر وی
گشاده شود باذن الله تعالی و توفیقه و صورت لوح مزبور این است

۷	۹	۱۲	۶
۱۴	۴	۱	۱۵
۲		۱۳	۲
۱۱	۵	۸	۱۰

نوع دیگر بنویس در روز
دوشنبه ساعت مشتری و بنامها حساب کرده ۴۰۸ عدد دیگر اضافه کن و بوقت کتابت
عود و لادن بخور کن و بموم کافور فرموده بگیر و با خود دار در گشایش کارها و زیادتی رزق و رهایی از بند نظیر
ندارد این است

۶	۹	۱۲	۷
۵	۴	۱	۱۴
۲		۱۳	۳
۱۰	۵	۸	۱۱

نوع دیگر بنویس بر حریر سفید و در شب چهارشنبه بنامها حساب کرده
۹۹ عدد اضافه کن و بیاور ۱۰۴ فلفل و بر آن عدد نفث بر هر یکی ۱۰۱ بار قل اعوذ برب الناس

www.FMEHR.com

 بخوان و پاره موم کار دنا فرمرده ۱۰ قل اعوذ برب الفلق بخوان و بیاید پاره مقل ازرق و بروی ۱۴ قل هو الله احد
بخوان و فلفل و مقل و فندق را بکوب و موم را بگدازد همه در موم دیند فندقها بنا و در وقت کتابت این لوح
بخود کن که اسم اعظم باری تعالی در این لوح است و با خود دار و عجایب بینی این است

٧	٩	١٢	۶
١۴	۴	١	١۵
٢		١٣	٣
١١	۵	٨	١٠

۱۶

١١	۵	٨	١٠
١۴	۴	١	١۵
٢		١٣	٣
٧	٩	١٢	۶

فصل پنجم در دفع خصمان و ظفر بر دشمن اگر کسی خواهد که دفع او کند بیاید
پاره پوست شیر و نامها بحساب کرده ۲۰۰۱ عدد دیگر اضافه کند و بخور عصفور
بنویسد و در موضعی که مردم آنجا زراعت می کنند دفن کند و بگوید نفس فلان ابن فلان است انا لله و انا الیه
راجعون آنکس بعد از سه روز یا سه روز هلاک گردد باید که تا مرده نباشد کفنی این است

١٣	٢	٣	
١٢	٧	۶	٩
٨	١١	١٠	۵
١	١۴	١۵	۴

نوع دیگر بیاید پاره پوست آهو یا پاره پوست پلنگ و نامها حساب کرده ۵۵ ۴۴ عدد دیگر
اضافه کن و بقولی دیگر ۵ ۴۴ عدد بنویس روز یکشنبه در وقت نوشتن عود و عنبر بخور کن و در سوراخ
خانه دفن کن که دشمن با دولت فرزند هلاک گردد و انوبا از رهی این است

١۵	۴	۵	١٠
۶	٩	١۶	٣
	٧	٢	١٣
١	١۴	١١	٨

نوع دیگر بنویس
بر کاغذ در روز پنجشنبه نامها حساب کرده عدد دیگر ۱۲ اضافه کن و
بخور بنویس و در پاره کرباس که از کفن مرده مانده باشد در پیچ و در گور کهنه دفن کن این است
و دیگر این حروف را جمع کرده اند و آنرا حروف متواخیه نام کرده اند برای مثال است

١٢	٧	٢	١٣
۶	٩		٣
١۵	۴	۵	١٠
١	١۴	١١	٨

ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ه ی که این ۱۶
حروف را بمشک و زعفران و شیر زنی که اول پسر زاده باشد بر کاغذ بنویسد
در کلاه یا دستار دوخته بر سر نگاه دارد هر کس او را ببیند دوست دارد حضرت اسد الله الغالب علی ابن
ابیطالب علیه السلام در کتاب خانه آورده است که هر کس این که آیت کلمه است و لا منقطع می شود اول آن
واو است و آخر آن میم واین در سوره انعام است و تمت کلمة ربک صدقا و عدلا لا مبدل لکلماته و هو السمیع
العلیم بحروف مقطعه بنویسد خاص اولیاء را است اولک اکثر بدین وجه که ذکر کرده شد بنویسد و در پیچد
چنانکه نوشته بیرون باشد و سفیدی اندرون و در موم گیرد و در دهن نگاه دارد و با مطلوب سخن گوید
مراد حاصل کرده و چنانچه فرزند برادر را در کشته باشد از سر حم او در گذرد و در عقد العین نیز اثر
بسیار دارد اگر بشرایط عمل کند و اگر کسی را رحمت ق باشد نعوذ بالله این حروف را مقطعه بنویسد و در موم
گیرد و در کلاه اندازد و بنبات مصری شعیب کرده هفت روز بیشتر از طعام و شربت دیگر این را بیاشامد
از آن رحمت نجات یابد بفرمان خدای تعالی هر که شکسته آورد کار گرده و اگر کسی را رحمت برص پیدا شود او آن بیمار مرحم

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

لاله که بشفا بن النعمان معروف است بخواند و بر ریزند یک مثقال پس از نطفا با آب سرد بیاشامد و هفت روز مداومت نماید حضرت عزت آنکس را از آن زحمت شفا دهد و اگر کسی را درد دل ضعفی باشد این آیه هجایی طریق که ذکر رفت بر صحن چینی یا زجاجی مشک و زعفران و گلاب بنویسد و بزبان پاک کند پیش از غذاء دیگر هفت روز آن موضع ضعف از دل او بیرون رود و قوت پیدا شود و اگر کسی را دشمن او قوی باشد و از وی در بیم باشد این آیت را هفتاد بار بعد از چاشت را به بخواند و بطرف دشمن باشد آن دشمن مقهور و حقیر گردد و خواص این آیت را نهایت نباشد بدین قدر اختصار کردیم و طریق مقطعه این است و ت م ف ل ل م ط ت ر ب ل ص د ق ا و ع د ل ال ام ب د ل ل ل ل م ا ت هـ د هـ و ا ل ر م ت ع ا ل غ ل ع م و هم در آن کتاب مسطور است و شیخ الدین حموی از لجا نقل کرده حدیث رسالت پناه محمد صلی الله علیه و آله و سلم که لکل شیء قلب و قلب القرآن یس و قلب یس سلام قولا من رب رحیم است و میگوید که در ۴ و ۳ در شرف آفتاب میباید نوشت و چنین حکما نوشته اند که این آیه که چهار کلمه است و هر کلمه چهار حرف است و چهار در چهار که شانزده خانه است بطریق وفق بنویسد و با خود دارد از سوختن شدن و غرق شدن در امان باشد و اگر زن حامله این شکل را با خود دارد بار را بآسانی بنهد و اگر کودکی حایم گرید این نوشته را بر عضو گهواره او بندد از آن گریه قرار گیرد و اگر ابتدا در شرف آفتاب نوشته با خود دارد از شر هاد و گژدم و تب و جنون و صرع در امان باشد و این شکل را صد و یک خاصیت نوشته اند و این مختصر احتمال آن نکند و طریق نوشتن شرف آفتاب کیا اصحاب حساب و حکماء نیاجه وضع کرده اند برای این نهج است و شکل این است

سلام	قولا	من رب	رحیم
۲۹۳	۲۵۷	۱۳۲	۱۳۶
۲۵۶	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۳
۱۳۸	۱۳۴	۲۵۵	۲۹۱

و طریق نوشتن حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام این است بهمین لوح الوعها کم و طریق نوشتن امام جعفر صادق علیه السلام این است که نموده شد

ام ۶۹ ل ام ع ل ام س ۲۲۲ ح ۱ ۳ و طریق نوشتن شیخ سعد الدین حموی رحمه الله علیه این است ۱۱۱۶ ۲۲ ۱ ع ح ۲۱۲۱۱ ام ع ۳ ۱ ۴ ۲۳ ۱ ع ل ۱ ۳ ۱۸۲۲۲ ۱ ۴ سم بدانکه حکماء علوم ربانیه را اتفاق است در این آیه که ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین اسم اعظم باری است جل و جلاله و اصحاب تجارب بهمین نوع نوشته اند و طریق تکسیر امام جعفر الصادق ع بدین طریق نوشته اند اله ا و ق ا ت ا ا و ر ق و ی ا هـ ز و ل ت م ن و شیخ سعد الدین حموی بدین طریق نوشته اند ال ا ه ا و ق ا ت ل ا و د ق ا و ی ذ و ل ت م ن اگر کسی را مقصود دنیوی یا دینی باشد پیش از صبح برخیزد بساعت سعد مشتری و کند بخور کند و هزار و یک بار بخواند مقصود حاصل شود چنانکه هیچ سعی در آن مدخل نباشد اما باید هفته با بخواند و اگر کسی فقیر حال باشد

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

١٢٦ بهمین شرایط که گفته شد یک هفته بخواند دنیا بدانکس غالب کند بغیر حساب. واگر کسی را حبس کرده باشند و بیم کشتن
باشد بهمین طریق بخواند از آن حبس خلاص یابد. واگر کسی غایب باشد به نیت غایب بهمین طریق و شرایط بخواند آن
غایب حاضر شود هر چند میان او و آن غایب مسافت بعید باشد. واگر کسی را علتی مخفی باشد و از اطبا آن علت پنهان
باشد بدان نیت بخواند حضرت عزت شفا بخشد. واگر کسی را در چشم خللی و ضعفی باشد بهمین طریقه بسرمه خواند و در چشم
کشد از چشم او آن ضعف زایل شود. واگر کسی را علتی پیدا شود نعوذ بالله من ذلک بهمین شرایط هفت عدد خرما بخواند
و هر روز یک عدد خرما بر ناشتا بخورد بامر او تعالی از آن علت نجات دهد. واگر خواهد که بر مغیبات وقوف یابد بهمین
شرایط بر خروس سفید بخواند و او را بسمل کند و خون آن خروس را در سایه خشک کند و در شب با آن در چشم کشد
چیزها بیند که کسی دیگر را بعین الیقین میسر نشود و عجایبها بیند و در این شک نیاورد که کافر گردد و خواص اشیاء را
منکر نتوان شد خاصه اسم اعظم بامر حق از این آیهاست و بوقت خواندن بطریق امام جعفر باید خواند که اثر
آن زودتر ظاهر گردد و هم از امام منقول است که اگر حاجتی کسی را باشد بنویسد این حروفات را و در دست گیرد
از هر کسی که حاجتی خواهد طلبد او روا کرده حروفات این است لاع لاع بدیح حبله سمه ح و از امام
منقول است که اگر کسی را دل بطرفی نگران باشد و خواهد که خبر او را شود این حروف را بر کف دست بنویسد و بخسبد
یکی از ارواح بر خواب آید و هر چه از او سؤال کند جواب گوید و حروفات این است بسم الله سمت الحت لحت
لحت فایده جامعه هر کس در علم حروف خوض کند باید که در تقوی و ریاضت کوشد و پاکی ورزد چون خواهد
که بعمل حروف مشغول گردد باید که سه روز روزه دارد و حیوانی نخورد و سیر بسیار نخورد و بغیبت و دروغ مشغول
نشود و با طهارت و تسبیح و استغفار باشد تا ادراک مناجات او را حاصل شود و ملائکه و ارواح طیبه از او متنفر
نگردند پس روز یک تکسیر و عمل مشغول گردد و در آن ساعت نام خود و نام مطلوب و نام آن کار که دارد از محبت و عداوت
و غیره بنویسد و در سطر یک آن تکسیر کند تا ممتزج شود بعد آن حروف مکرر را بیند که چند است و بر پشت آن
کاغذ که سطر با آنجا نوشته است در مربع ثبت کند بر طریق وفق و چون تعویذ با خود نگاه دارد آنگاه بتکسیر
طالب و مطلوب شروع کند این طریق بر وفق سعادت و نجاح و برآمدن مقصود راهبر است و چون از تکسیر فارغ شود
نظر کند در جمع که از تکسیر حاصل آمده باشد اگر در یک حروف حارات یا مرکب غالب باشد کار بر مراد خاطر باشد و مقصود
زود حاصل شود و بحصول پیوندد و اگر حروف بارده و رطبه غالب است آن هم بشادی و طیب خاطر و آسان محصل گردد
و اگر حروف یابسه غالب است مطلوب بزحمت و رنج برآید تتمه اعداد متحابه که در میان حکما مشهور است اگر مرتبه
که در نقش این ۲۲۲ ۲۲۴ بر نان بنویسد یا بر کاغذی و بخورد صد کوه هر در میان ایشان دوستی تمام پیدا شود و عاشق

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

یکدیگر کرده‌اند و اگر این نقش را که گفت یا حی دائم خلایق در محبت او بیفزایند و اگر این شکل را وقتی که ماه در سرطان
باشد و آفتاب در حوت برمهره و رامتعم واقف در هر جا که خواهد بگذارد محفوظ باشد و دزد و خاین بر وی راه
نیابد و بسلامت ماند و اگر با تصالات نحوس برسد بهتر بود و اگر با مرده در گور نهند آن مرده بپوسد و نریزد
و اسنا و خاصیت این شکل معتبر که شرف آفتاب است پایانی ندارد و در مقصود شروع کنیم ضابطه ارشاد و نقش کردن
مربع از قول سرور دانایان اسدالله الغالب مظهر العجایب علی بن ابیطالب اهرب وجد است و معنی اهرب وجد
آنست که اح در یک سطر و هب در یک سطر و وج در یکسطر و ده در یک سطر باشد خواه در طول و خواه در عرض
مربعی اگر چه بحروف ابجد چهار است اهرب وجد ببینی تا در کار است و در خانه ذیل هر یکی هفده گیر
معیار کن آنچه مرتبه معیار است و این یا مظهر است یا مضمر و مظهر را دفاکتا بد بینی گویند و طریق مملو کردن این نوع
آن بود که چون اهرب وجد نوشته شد رقم یک را در خانه هشت بنهد بر بالای چهار و رقم دو بر ضلع خانه
امید در خانه اب بر پهلوی پنج و رقم یازده در پهلوی هشت چنانکه در میان هشت و چهاردهم بود و رقم دوازده
بر بالای شش و رقم سیزده در میان هشت و سه و رقم چهارده در خانه دوم که از اول ابتدا کرده است و رقم
پانزده را بر پهلوی چهار بر ضلع ایمن و رقم شانزده بر بالای پنج مسطور آید با این طریق که در این لوحها نوشته شده
این است اما مضمر چند نوع است نصفی و ربعی و سدسی سدسی آن است که ثلث از مجموع کم کنند و از یکی تا دوازده هم

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣		٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

١٠

١٥	٦	١٢	١
٣	٩	٧	١٤
٥		٢	١١
١٠	٣	١٣	٨

١٠

بر صورت نظم طبیعی ثبت کنند و بعد از آن از
ضلع دوازده طرح کنند و هر چه باند در بیت
ثالث عشر بنهند و تمام کنند قطر و ضلعش راست
آید مثلا غنی ١٠٦٠ است از یکی تا دوازده بصورت نظم طبیعی ثبت کردیم و از ضلع بیست و یک طرح کردیم
ماند ٩٣٠١ در بیت ثالث عشر نهادیم برای مثال این است

٨	١١	١٠٢٤	١
١٠٣٩	٢	٧	١٢
٣	١٠٤٢	٩	٦
١٠	٥	٤	١٠٤١

فصل در طریقه نصفی و آن چنان بود که عدد اسمی که میخواهند بگیرند و
از آن نصف طرح کنند و باقی که باند در مربع از یکی تا خانه
هشتم بصورت نظم طبیعی ثبت کنند و هشت از نصف کم کنند و آنچه باند در بیت نهم بنهند و تمام کنند
بطریق نظم طبیعی اقطار و اضلاع راست آید و اگر عدد اصل کسر شود برای مثال مثلا منعم ٢٠٠
نصفش طرح کردیم ١٠٠ ماند هشت طرح کردیم و از یکی تا هشت ثبت کردیم و باقی را که ٩٠٢ است در خانه
نهم نهادیم و اگر کسری باشد در خانه سیزدهم اضافه نمایید مثلا برای مثال الطیف ١٢٩ انصفا

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۲۸ طرح کردیم و از یکی تا هشت وضع کردیم ماند ۴۰ و از ۴۰ که نصف اوست هشت کم کردیم ۵۶ ماند در خانه

۸	۹۰۴	۹۰۷	۱
۹۰۶	۲	۷	۹۰۵
	۹۹	۹۰۲	۶
۹۰۳	۵	۴	۹۸

۳

هشتم نهادیم دیگر که کسر ماند بود در خانها ندسیدیم اضافه کردیم و تمام کردیم این است

فصل در طریقه ربعی و آن چنان است

که از عدد مطلوب سی طرح بکنند و باقی را

۸	۵۸	۶۲	۱
۶۱	۲	۷	۵۹
	۶۴	۵۶	۶
۵۷	۵	۴	۶۳

۳

بچهار قسم کنند و یک قسم را در خانها از اول بنهند و بصورت نظم طبیعی

تمام کنند که در نقش راست آید مثال علی ۱۱۰ است سی طرح کردیم هشتاد ماند بچهار قسم کردیم هر قسمی بیست

عدد بود یک بخش در خانها از اول نهادیم بر این مثال و بصورت نظم طبیعی تمام کردیم این است

۲۷	۳۰	۳۳	۲۰
۳۲	۲۱	۲۶	۳۱
۲۲	۳۵	۲۸	۲۵
۲۹	۲۴	۲۳	

و مربع این حروف عدد هزار و سیصد و هفتاد و دو باشد و مربع اسماء آن است

که در خانها مربع این اسم درج شده پنجاه و دو اسم از اسماء الله و سیزده حروف

از مقطعات قرآن و یک آیت از قرآن و یک اسم از چهل اسم و دو کواکب و چند لفظ دیگر که ذکر آن مدخل

عظیم دارد در دعا چنانچه عدد مجموع خانها بضلع همان عدد حروف این حروف شود و ما علینا البلاغ

و علیک الحساب

[illegible]	یا اکرم الله لا اله الا هو الرحمن الرحیم یا جلیل یا علیم [illegible]	یا فتاح یا رزاق یا واسع یا جامع	یا اول یا [illegible] یا سمیع یا بصیر [illegible]
هو العجائب [illegible] عزیز یا [illegible] یا واحد یا قدوس	مظ یا حکیم یا واحد یا وهاب	علی داعی خبیر جلیل	یا مالک یا مصور
ذی [illegible] یا وارث یا وکیل	یا احد یا والی یا هادی یا مجیب یا باقی	یا مفید یا [illegible] یا محصی یا محیی یا کریم یا قادر	کهیعص حمعسق مالک حجت حق
و [illegible] یا [illegible] طاهر	یا مبدی یا باقی یا علیم یا لطیف یا حمید یا [illegible] رئوف	سبحانک [illegible] یا علی یا [illegible] یا والی یا [illegible]	یا غنی یا هو

اگر کسی این لوح حمعسق را نگاه دارد هر آنکه رسد و اگر این لوح را کند در دفعه پاک کرده خالص باشد

بنویسد و با خود خواهد از و هم بعد از آن که تمام بپیچد و لوح با یا در زر و نقره

بهم آمیخته یا مس و زر بهم که اختیار تم حصول مرادات و ظهور منافع و برکات مجمل این لوح باز بسیار است

پس هر که با خود دارد رونق او وسیع شود و محبت او در دلها سرایت کند و بهجت در دل حامل پیدا شود و اطلاع

بر امور خفیه و عواقب امور حاصل شود و اگر کسی این لوح را وقت خواب بر سر نهد بعد از آنکه بوضوی

کامل بوده باشد راست خسپیده باشد که معوذتین و آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و آخر سوره حشر

بخواند در خواب کسی را ببیند که هر چه از و سؤال کند از امور خفیه عالم یا از حال غایب یا غیر آن جواب

شافی شنود و اگر در زیر سر نهد صاحب الضمیر خود را ظاهر کند و بی اختیار بر زبان او جاری شود و اخراج دفاین

و اگر در مدفون شک و تردید داشته باشد چون در زیر سر نهد و بشرایط مذکور خواب کند بوجهی از وجوه بر حقیقت حال اطلاع

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

باید در دو نخ شکلات و مکروهات از نخ عظیم دارد و عامل باید بشرایط کتابت ملاحظه کند و بنظرات سعی تمام
بجا آورد و اگر بعد از عمل از نخ که نوشته شد ظاهر نشود

بدانکه طریق حکمای یونان
چنان است که هر کار خواهند
از حب و بغض و فتوحات
عمل کنند پنج اسم از آن وقت
استخراج میکنند و عزیمت
میخوانند و مقصود حاصل
میکنند بدین طریق اول
آنکه عدد پنجم بگیرند و ع۳
بر او اضافه کنند و بحروف

لوح عربی

ك	ه	ی	ع	ص
ع	ص	ك	ه	ی
ه	ی	ع	ص	ك
ص	ك	ه	ی	ع

لوح هندی

۲۰	۵	۱۰	۷۰	۹۰
۷۰	۹۰	۲۰	۵	۱۰
۵	۱۰	۷۰	۹۰	۲۰
۹۰	۲۰	۵	۱۰	۷۰
۱۰	۷۰	۹۰	۲۰	۵

لوح [illegible]

ك	ع	س	ك	ه
غ	ه	ج	[illegible]	بر
بر	[illegible]	غ	ح	۴
ح	ه	ـه	[illegible]	ع
[illegible]	ع	ح	۴	بر
ح	ـه	[illegible]	ع	ح

حمعسق

ح	م	ع	س	ق
۲۳	۵۸	۹۸	۱۱	۳۰۸
۱۰۱	۹	۴۱	۷۱	۵۶
۳۹	۶۹	۵۹	۹۹	۱۲
۵۱	۱۲	۲۷	۲	۷

برند و گویند شیدائیل دوم نهایت عدد را که ندا است بر او
اضافه کنند ع۳ را گویند شحائیل سیم عدد عدل را که ده است
بگیرند و بر او اضافه کنند ع۳ و گویند شیطائیل چهارم عدد ضلع
که پانزده است بگیرند و بر او اضافه کنند ع۳ را و گویند شکدائیل
پنجم عدد جمله را که چهل و پنج است بگیرند و بر او اضافه کنند ع۳ را و

ح	م	ع	س	ق
س	ق	ح	م	ع
م	ع	س	ق	ح
ق	ح	م	ع	س
ع	س	ق	ح	م

گویند شندائیل و بعد از آن نطق بهند و گویند عزمت علیکم و اقسمت علیکم بحق ربنا و ربکم یا شیدائیل یا شحائیل
یا شیطائیل یا شکدائیل یا شندائیل افعلوا کذا و کذا الساعة الساعة و مبالغه در عمل واجب دانند
در دانستن طریق حکما و آنچنان است که باصطلاح این قوم سه در سه مضمر است یا مظهر مضمر که اسم طالب و مطلوب را
بگیرند و آیتی یا اسمی از اسماء الله عدد وفق بکار برند مثلا محمد ۱۹۲ است و مجموع ۹۸ و اسم الودود ۲۰ دو نخ
طرح کردیم و باقی را به سه قسمت کردیم هر قسمی شد ۶۴ دو قسم را طرح کردیم و یک قسم را انگاشتیم بر این مثال این
است

۳۲	۶۶	۷۱
۶۸		۷۲
۶۹	۳۴	۶۷

و اگر کسر واقع شود در خانه هفتم بهمان عدد را زیاده نماید و جهت فواید چند
شکل نموده می شود اول چون کسی مبتلا به دمل بود و خواهد که دمل بسر شود عدد
سوره والعصر را بگیرد و با اعداد اسم شخص در مثلث ثبت کند و در کوزه آب اندازد
چند از آن آب بخورد حق تعالی او را بسر کرداند و اگر خواهد که میان او و حرام تفرقه افتد آیه والقیام

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

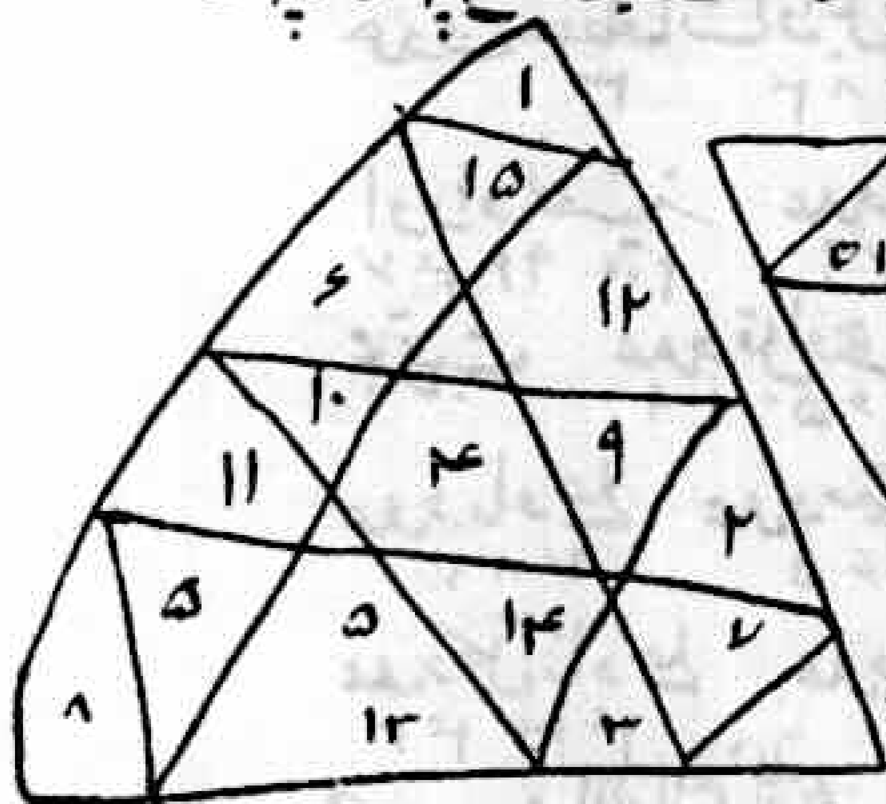
۱۲۰ العداوة والبغضاء الی یوم القیمة را عدد بگیرد و اسم شخصین را نیز عدد گیرد و در منزل آن کس دفن کند تفرقه در میان
شان افتد و اگر خواهد که کسی را از جا آواره کرداند عدد سورة الم ترکیف را بگیرد و اسم آن شخص را در وفق
ثبت کند و در رهگذار او دفن کند یا در مقامی که بخواهد آواره کرد و اگر خواهی که کسی را از مرتبه بیندازی باید که
عدد آیه ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی بعدد اسم آن شخص در وفق ثبت کند و آیه را بعدد اسم آن شخص
بخواند و در گورستان دفن کند از آن مرتبه بیفتد و اگر خواهد ظالمی را بیمار کند عدد آیه فی قلوبهم مرض فزادهم الله
مرضا ولهم عذاب الیم بگیرد با عدد اسم آن شخص در وفق ثبت کند و بعدد آیه بخواند و در گورستان دفن کند
بیمار شود تا توبه بکند بهتر شود و اگر کسی خواهد که کسی را دل گرم کرداند آیه یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم را
بگیرد و عدد اسم آن شخص را در وفق ثبت کند و در آب روان نهد دل تنگی نیابد و سخن ثبت نیز بهای غنا بهشت
دارد و اگر خواهد کسی را مطیع خود کرداند عدد انفقت ما فی الارض یا عزیز یا حکیم را بگیرد و عدد اسم آن شخص و اسم خود را این حیله
در مثلث ثبت کند و با خود دارد آن کس مطیع او شود و اگر خواهد که کسی را زبان بند کند بگیرد عدد آیه صم بکم عمی فهم لا یعقلون
با عدد اسم آن شخص در مثلث ثبت کند و در زیر سنگ گران نهد زبان آن کس بسته شود و باید که سه در سه چهار
خاصیت دارد اگر الف را در خانه دوم کشد تحصیل در آمدن مال را فایده دهد که خانه ثروت است شمار سنه درهم
از یازده زیاده و کم نشود و اسم آن شخص را در شب اعداد باید نوشت لهم کارگر باشد اول چهار دایره بکشد
آنگاه خط در میان آن نهد و اگر در کشیدن اعداد کامل نباشد از نوار تامل بنویسد جای الف در دست راست
باشد دوم پنج در میان بکشد سیم نه بکشد بعد از آن بدست چپ چهار بکشد و سه بکشد و هشت بکشد بر این
ترتیب نام در ترتیب کشیدن این است اگر خواهی که الف در خانه دوم بکشی بجهت مال و فایده بدین ترتیب باید نهاد
اول ۶ خانه دوم ۱ خانه باشد سیم ۸ خانه چهارم ۷ پنجم ۵ خانه ششم ۳ خانه هفتم ۲ خانه هشتم
۹ خانه نهم ۴ و اگر خواهی که الف در خانه چهارم بکشی حیات را فایده دهد خانه اول ۸ خانه دوم ۳ خانه سیم
۴ خانه چهارم ۱ خانه پنجم ۵ خانه ششم ۹ خانه هفتم ۶ خانه نهم ۲ و اگر خواهی که الف را در این که خانه
هشتم است بکار محبت نهد بدین ترتیب باید نهاد خانه اول ۲ خانه دوم ۹ خانه سیم ۴ خانه چهارم
۷ خانه پنجم ۵ خانه ششم ۳ خانه هفتم ۶ خانه هشتم ۱ خانه نهم ۸ و اگر خواهی که الف در شبیب که
خانه ششم است بکشی خانه اول چهار خانه دوم ۳ خانه سیم ۸ خانه چهارم ۹ خانه پنجم ۵ خانه ششم
۱ خانه هفتم ۲ خانه هشتم ۷ خانه نهم ۶ رفتار مثلث بطریق ربع کردن اسامی و مقصود کلی و ضابطه این
که رفتار مثلث باید دانستن بدین طریق که بیان کنیم اما شرط آنست که این طریق را هر کس نگویند و از نااهلان

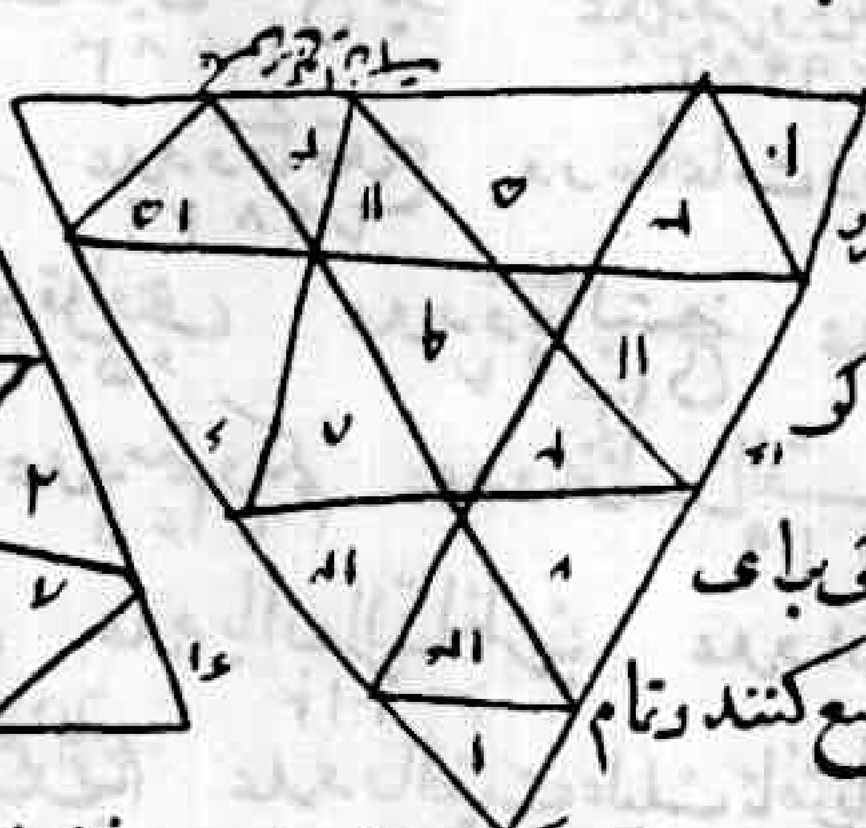
www.Fmehr.com

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

و بطریق مشایخ این علم روند و مخالفت روا ندارند تا نتیجه بخشد و خلل و فساد نپذیرد بدانکه مشایخ این علم فرموده‌اند که انشاء اسرار در بوبیت کفراست و طریق درج کردن نام در مثلث و نیز در لوح چهار در چهار و تا مربعات است مثلث اینست





بدانکه در مربعات مقدار عدد یک قطر طرح کنند و یک قطر قسمت کنند اگر کسری بیفتد یک قسم را بگیرند و یکی بر او افزایند و در خانهٔ اول ابتدا وضع کنند و تمام سازند مثل یوسف اگر خواهیم که در مربع سه در سه درج کنیم حاصل او صد و پنجاه و شش باشد پانزده طرح کردیم صد و چهل و یک باقی ماند هر قسمی چهل و هفت باشد چهل و هفت را که یک قسمت بگیریم و هفت یکی افزاییم و در خانه ابتدا وضع کنیم و رقم تمام بنهیم بر قانون رفتار سه در سه و اگر در مربع چهار در چهار اسمی درج کنند مقدار عدد یک قطر او باید طرح کردن یعنی سی و چهار که مقدار عدد یک قطر است باید گرفت و یکی بر وی باید افزود و در خانهٔ ابتدا باید نهاد و تمام باید کردن و سایر به همین قانون است و پنج در پنج را زیاده بر وی و اگر کسری واقع شود آن کسر را طرح باید کردن و باقی را بعدد خانها قسمت باید کرد و کسر آن تا عدد در میان رقم باید نهاد یعنی آن کسر را باید افزود مثلا سه در سه کسر او دو است یا یکی و اگر کسر دو ماند در خانهٔ چهارم یکی باید افزود و اگر کسر او یکی بماند از خانهٔ هفتم یکی افزاید چنانکه عدد را حساب کنیم صد و ده باشد پانزده طرح کنیم نود و پنج ماند باقی نسبت قسم کنیم دو کسر ماند و هر قسمی را عدد سی و یکی باشد و یکی بر سی و یکی افزاییم و در خانهٔ ابتدا وضع نموده در خانهٔ چهارم یکی زیاده کنیم تا سی و شش باشد و تمام رقم بر این قیاس بنهیم اما کسر چهار در چهار سه عدد است یا دو یا یکی اگر سه باشد در خانهٔ پنج یکی زیاده کنیم و اگر دو باند در خانهٔ نهم و اگر یکی باشد در خانهٔ سیزدهم و اگر خواهد که مقدار عدد یک قطر را بداند در مربع ۷ اعداد را در دو خانهٔ مربع ضرب کنند آنچه حاصل شود عدد یک قطر باشد مثلا عدد قطر سه در سه است و در مربع چهار در چهار منتهای او شانزده است با یکی جمع کنند هفده باشد در نصف چهار که دو است ضرب نماید سی و چهار باشد و هم در بیان آن فواید بسیار است در اسماء مختلف و درج کردن در آن تمت

عدد آیه یحبهم و یحبونه انه لحب الخیر لشدید رفع
۱۲ ۸۵۰ ۱ ۱۴۹ ۲

کلمهٔ اسم الله ۲ ۲۱۰۶ آیة الکرسی ۸ ۶ ۱۴ انا فتحنا ۲۱ ۹ ۱۸ وان یکاد ۷ ۹ ۶ ۳ چهار قل ۶ ۴ ۳ ۲۰ عدد کل جفر جامع ۹۶ ۸ ۴ ۶ ۲ ۵

از امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که در شرف کواکب موافق سازند جهت کل حاجات عدد الجد جمیع اوراد
۸۰ ۶ ۵ ۱۱۴

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۳۲ نسخهٔ کبیر بهر دفع آفات دو جهان که در مربع نهند — عدد حروف یمانی — عدد جمل اسم — عدد نود
۲ ۹ ۹ ۸ ۵ — ۴ ۳ ۴ ۲ ۹ ۸ ۵ — ۱۸۲۰۰

و بینه نام باری تعالی — عدد کل قرآن — عدد آیات مجتبت — عدد اذا جاء — عدد
۴۲ ۳ ۳ — ۲۲۳۵۹۲۳۶ — ۵ ۳ ۷ ۲۷ — ۶۱۲۴

حروف مقطعات اوایل عدد مع آید — عدد هزار و یک نام — عدد حروف الجمر — عدد
۳ ۱۴۸۴ — ۱ ۷۹۹۸۳۸ — ۶۴ ۷ ۴۰

اوراد مختصر — عدد دعا قدح — در ساعات و روز و شرف مشتری جهت دفع جمیع آفات
۲۰۰ ۹۴۴۷ — ۷۹۸۲۹ — ۱۴۴ ۵۲۷

مجربات — عدد تراویح — عدد دعا لشیخ — عدد فاتحة الکتاب — عدد جوشن کبیر
۲۹ ۵ — ۹۷ ۱۰۴ — ۶۱ ۳ ۹ — ۸۶۳۹۱

عدد ناد علی — عدد صم و بکم — عدد و ننزل من القرآن — عدد آیه والقینا بینهم العداوة
۷ ۸ ۷ — ۵ ۶ ۷ — ۱۹۱۹ — ۱ ۳ ۲ ۷ ۴

عدد کل ناد علی — عدد یا ابصر الناظرین — عدد الله ربی لا اشرک به احدا — عدد
۴۲ ۳ ۴۲ — ۱۱۲ ۳ — ۹۰۱ ۳ ۳

بسم الله الرحمن الرحیم — عدد و القیت علیک تا منی — زین للناس تا حسن المآب — عدد
۹ ۷ — ۱۱۱ ۶ — ۹۱ ۵ ۸

صم بکم عمی فهم لا یعقلون — ابصر لا یتکلمون — ابصر لا یرجعون — ابصر لا یبصرون — سوره
۸۰ ۷ — ۱۰۲ ۴ — ۷ ۳ ۴

الم ترکیف بسمله — سوره تبت بسمله — یحبونهم کحب الله تا اشد حبا لله — لو انفقت
۶ ۵ ۸ — ۵ ۸ ۲ ۶ — ۱۲ ۹ ۴ — ۸ ۲ ۶

تا عزیز حکیم — انه لحب الخیر لشدید — یا قاهر ذو البطش الشدید — والقینا یوم القیامة
۱۲ ۹۱ — ۲ ۶ ۳ ۴ ۸ — ۳ ۲ ۳ ۰ ۶

اذا طلقتم النساء فطلقوهن — وقالوا نسوة تا ضلال مبین — سوره والضحی بسمله — عدد
۱۷۰ ۴ — ۶ ۳ ۶ ۹ — ۴ ۷ ۴ ۲

والقینا بینکم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة — قال هذا فراق بینی و بینک بعد المشرقین تا الغریب
۳ ۹ ۶

ایما تکونوا تا قدیر — عدد آیه و عنده مفاتح الغیب — عدد آیه و ما رمیت اذ رمیت
۲۱۵ — ۸ ۲ ۴ ۹ — ۲ ۴ ۶ ۲

ابجد صغیر

ا ب ج د هـ و ز ح ط ی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ک ل م ن س ع ف ص ق ر

ش ت ث خ ذ ض ظ غ

ابجد کبیر

ا احد ۱۳ — ب اثنین ۳ — ج ثلثه — د اربعه — هـ خمسه — و سته — ز سبعه ۱۲۷
ح ثمانیه — ط تسعه ۵۳۰ — ی عشره ۵۷۵ — ک عشرین
ل ثلثین ۱۰۹۱ — م اربعین ۴۳۳ — ن خمسین ۵۶۷ — س ستین ۵۲۵
ع سبعین — ف ثمانین — ص تسعین — ق مائة
ر مائتین ۵۱ — ش ثلثمائة — ت اربعمائة — ث خمسمائة
خ ستمائة — ذ سبعمائة — ض ثمانمائة — ظ تسعمائة — غ الف

۳	۴	۶۹	۷۲	۲۷	۹۹	۲۶	۷۷	۸۰	۱۹
۷۱	۲۸	۳۳	۷۰	۹۰	۱۱	۷۹	۲۰	۲۵	۷۸
۲۹	۷۴	۶۷	۳۲	۹	۹۳	۲۱	۸۲	۷۵	۲۴
۶۸	۳۱	۳۰	۷۳	۲	۹۹	۷۶	۲۳	۲۲	۸۱
۱۸	۹۴	۹۶	۹۸	۴۰	۱	۱۱	۱۵	۸۵	۸۴
۸۳	۷	۵	۳	۱۰۰	۹۷	۹۱	۹۶	۱۶	۱۷
۵۰	۵۳	۵۶	۴۳	۹۵	۶	۴۲	۶۱	۶۴	۳۵
۵۵	۴۴	۴۹	۵۴	۹۳	۸	۶۳	۳۶	۴۱	۶۲
۴۵	۵۸	۵۱	۴۸	۸۷	۴	۳۷	۶۶	۵۹	۳۰
	۴۷	۴۶	۵۷	۱۲	۸۸	۶۰	۳۹	۳۸	۶۵

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

عدد جملی حروف صفحه غربی عدد صفحه واسع ابجد اهل مغرب سابقاً در میان عرب شایع بوده است

۳۹۶۰۱۸ ۴۴۱۲۰۸ ۲۸۵۲۹۴ ۹۹۰۱۴

و ابجد ایشان چنین است صعفض قرست ثخذ ظغش یعنی صاد را شصت میگیرند و ظاء را هشتصد میگیرند و غین را هشصد میگیرند و شین را هزار و در باقی حروف با مشهور موافقند خواص آیه کریمه قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب عدد بگیرد و از برای کسی که منصب محبت طلبد و یا از منصب افتاده باشد عدد آیه و عدد اسم سایل مجموع را در مربع ثبت کند بساعت سعد و قمر مسعود و بعد از نوشتن بخود ببندد هفت روز هر روز صد بار بخواند و سخن نگوید ده روز یا شب چنان عمل کرده باشد منصب و جاه و دولتش زیاده نماید و از عظیم بخشند و اگر عقب هر نماز ورد سازد بخواند فتح و جمعیتش روی دهد خواص آیه ان الله و ملائکته تا آخر عدد گرفته و اسم خود داخل کند چون قمر ناظر بسعود باشد بساعت نیک در مربع نگارد با بخور و بعد آنجا بخواند چون برای آید ملازم شود این مربع با خود نگاه دارد مقبول گردد و با هر که سخن بگوید مطیع گرداند و جمیع خلایق مسخر او شوند بشرط طهارت چون اسم خود و اسم مطلوب عدد بگیرد و اضافه این عدد کند و در مربع نگاشته با خود نگهدارد و برای آید ملازم شود مطلوب مطیع و فرمانبردار و تابع خواهد بود طریق ختم سوره فاتحة الکتاب چهل و یک روز هر روز چهل و یک مرتبه بخواند بشرطی که یک روز فوت نشود و باید از سر گیرد بعد از آنکه چهل و یک مرتبه بخواند سیزده بار بگوید یا مفتح فتح یا مفتوح فتح یا مسبب سبب یا میسر یسر یا مسهل سهل یا متمم تمم بعد از چهل و یک روز فتوحات روی دهد که بشرح راست نیاید تا بدانی چون خواهی که زبان دشمنان بسته شود این آیه را ده مرتبه بخواند هر سه مرتبه که خواند محو شود و ... از میان هر دو ابروی خود تا سر دماغ بکشد البته زبان دشمنان بسته میشود دیگر در حق او سخن نگوید ... والله المستعان علی ما تصفون طریق ختم سوره الم نشرح هفده روز هر روز هفده مرتبه بعد از نماز صبح در یک مجلس بخواند و بعد از آن این دعا بخواند اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و اغننی بفضلک عمن سواک خواص آیه یحبونهم کحب الله تا اشد عدد بگیرد و عدد اسم طالب و مطلوب را اضافه کند و هفت روز یا هفت شب بخواند که مطلب مسخر گردد و قمر ناظر به زهره باشد بساعت مشتری یا زهره او و آیه زین للناس تا حسن المآب هم این خاصیت دارد و از مجربات است خواص آیه لقد جاءکم تا رؤف رحیم چون کسی را خواهد که مسخر خود کرده اسم آن شخص داخل عدد آیه نموده در مربع ثبت کند در ساعت موافق و قمر ناظر بسعود چون شب یکشنبه یا چهارشنبه رسد که مردم خفته باشند وضو سازد و دو رکعت نماز کند اول یکبار فاتحة الکتاب ۲۵ بار آیه لقد جاءکم رکعت دوم بدستور و سلام دهد و بیست مرتبه صلوات فرستد بعد از آن بسجود رود و در سجود ۲۵ مرتبه بگوید یا رحیم فلان را بمن مهربان گردان البته از عظیم محبت بخشند که تماشا باید کرد خواص آیه قل ان

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۳۴ الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم چون
این مربع پر کنند در دکان بیاویزند سودها و معامله بسیار شود خواص آیه وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو تا فی
کتاب مبین چون کسی خواهد که از حال چیزی یا از غایبی خبر یابد و یا از دور کار آینده خود که چه پیش آید شب یکشنبه یا چهارشنبه عدد
این آیه بگیرد و عدد اسم خود و جمله را در مربع بنگارد و این آیه و در حوالی آن مربع بنویسد و هفت نوبت بخواند و سوره والشمس
هفت نوبت بخواند و این آیه را در حوالی آن مربع نوشته بعد از خواندن در زیر سر نهد و در خواب هفده و نیت کند البته بگوید
او را خبر دار سازند و حقیقت استقبال را بگویند و باید آیه که ملازم شود هر صباح که شود هر کس که با وی رسد سخنان غریب بگوید
و بسی عجایب از وی ظاهر شود و از عظیم دارد خواص آیه مبارکه نون تا آخر چون کسی را در چشم پیدا شود عدد این آیه بعدد آن اسم
آن شخص در مربع بنگارد و قرار باید ناظر الشمس ما شد و بر صیاد نهد که البته شفا یابد و روشنی چشم بیفزاید و اگر در شرف
شمس این بنگارد و با خود دارد تسخیر خلایق حاصل شود و علوم غریبه او را روی نماید و این آیه را ملازم شود تا مراد حاصل گردد
خواص معوذتین اگر کسی را بسته باشند این دو سوره را مثلث و دعز ان بنویسند در مربع و عدد اسم انگس اضافه نمایند چون با خود
دارد بحجت صید کرده و گشاده شود و بجهت باطل السحر بغیره مناسبت بسیار دارد مجربست خواص آیه لو انفقتم ما فی الارض تا عزیز حکیم
عدد بگیرد و اسم طالب و مطلوب را بجمل بگیرد و با و اضافه کند و بمربع برد هفت روز آیه را بعدد اسم مطلوب بخواند و مربع را نگاه دارد
مطلوب مسخر وی گردد باذن الله خلق الجمل چون مضطر و ناامید و بی الجا باشد بنویسد بر ساعت زهره و قمر ناظر السعود و لیس
۶ ۸ ۷ بار بخواند و شرط خواندن آن است که وضو ساخته دو رکعت نماز گذارد که اول سوره حمد و ده نوبت ۰ بار بسم الله الرحمن الرحیم
و بعد از سلام مربع صحیح بکند واو را بمربع ببرد و بخور خصه مربع را با خود نگاه دارد پس بعد مذکور بخواند در یک مجلس و سخن
در میانه نگویند تا تمام بخواند و هفت روز چنین کند و یا هفت شب پنجشنبه که در آن هفته بمقصود رسد و بجهت کسب معاش و حرمت میان مردم
و تسخیر خلایق و بخت بسته و سایر مطالب اثر کلی دارد و چون بدین آیه متوسل گردد همه مهمات کفایت است باید مربع
النظر باشد یک مصر و یک مظهر مظهر را جو دف نوشته شود و مصمر را عدد ۵ خواص این دعا الحمد من نوالدعا ده عالک فلم تجبه
ومن عاذ بک استغاث بک فلم تغثه و اغوثاه و اغوثاه و اغوثاه بک استغیث اللهم کما نجیت موسی من الغرق و نجیت خلیل
من ایدی المشرکین فاسئلک ان تنجینی مما انا فیه عاجلا بفضلک وجودک یا ارحم الراحمین با بدایه عادا دو زشنبه شروع نماید
و سعی کند بعد از نماز صبح بجهت هر مطلبی پیش آید نگه با کسی حرف نزند ۲۱ مرتبه و بعد از نماز ظهر هم ۲۲ مرتبه و بعد از نماز عصر
۳ ۲ مرتبه و بعد از مغرب ۲۲ مرتبه و بعد از خفتن ۰ مرتبه که مجموع صد مرتبه خوانده باشد البته بمراد برسد و اگر هر روز
هلیه مداومت نماید باعث سعادت دین و دنیا و آخرت خواهد شد ان شاء الله تعالی خواص این دعا عزت و جاه و حرمت و تقرب
سلاطین بلیغ مجلس هزار و هشتاد و دو بار بخواند مستقیم بمراد برسد و اگر ورد کند هر که نام او بگیرد و این است الحکم الدوا الواحد لا اله

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

الا هو الرحمن الرحیم خواص او برای آواره کردن مدعیان و اکثر تحصیل شفا بیماران و حصول مهمات و حوائج کلی و مطلب نیک و توانگری هزار ۱۳۵
و سیصد و سی و سه بار بخواند اگر تواند بیک مجلس بخواند و بجا الا آنچه تواند بخواند این است فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین خواص
حصول حوائج و بلاد دشمن و دفع خوف و عقد اللسان حاکم خصمان هزار و یکبار بخواند این است انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون خواص
برای الفت عالمها و وسعت رزق و طلب جاه و منصب و نیکی و محبت الخلق و عقد اللسان و وزرا هزار و یکبار بخواند این است الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء و هو القوی العزیز خواص او برای هفت مطلب است ۱ دعا ۲ عقد اللسان ۳ رفعت ۴ قبول عامه ۵ اجابت دعا ۶ آسانی کارها ۷ دوستی خلایق
این است آنرا بخواند بعدد کبیر هزار و سیصد و سی و سه بار و بسط ششصد و شصت و شش بعدد صغیر شصت و شش بار این است یس والقرآن الحکیم
ص والقرآن ذی الذکر ق والقرآن المجید ن والقلم و ما یسطرون خواص این ورد به نیت هفت خاصیت دارد ۱ عزت ۲ رفعت ۳ فراخ روزی ۴
۵ محبت ۶ قوت ۷ قدرت بعدد کبیر شصت و چهار عدد و بسط چهل و هشت بعدد صغیر هشت بار است حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
و هو رب العرش العظیم خواص جهت برآمدن مهمات کلی دوازده هزار بار بیک مجلس بخواند و آن هفت مقصود برآید این است امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء
اذا دعاه خواص جهت ایمن بودن از بلاها بعد از نماز بامداد ده بار بخواند این است فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم خواص برای کفایت مهمات و برآمدن حاجات و دفع خصمان این کلمه را بقصد هفتاد و پنج بار بخواند کهیعص و اگر تواند حمعسق
بدو ضم کند و هر دو کلمه را هر روز بخواند بیک مجلس مراد بر آید البته خواص جهت فراخ روزی و اجابت دعا و زود
شدن با ... و برآمدن حاجات ... خواستن بود این آیه قیام نماید بعد از وضو هفت بار و بعد از هر نماز بیش از آنکه سخن گوید
هفت بار بخواند این است و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون خواص
از جهت ادای قرض و برآمدن مرادات کلی و ... و خلاصی از حبس و دفع مرض و دفع دشمنان و دفع حزن و اندوه این آیه کریمه را هفتاد هزار
بار بخواند هیچ روز از هزار بار کمتر نخواند اگر دو ماه بخواند ... لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین خواص ... و دزد
شدن ... و آمدن ... و اظهار ... و امثال آن بیک مجلس ... یکبار بخواند ظاهر شود و در خواب ... باز نمایند
و ان غائب ... کنند و آن ... این است الم تعلم ان الله یعلم ما فی السماء و الارض ان ذلک فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر خواص برای
کفایت مهمات و ... آمدن و باز آمدن ... از غربت بوطن و حصول مرادات کلی ... و رسیدن بمطلوبات ... و دفع دشمنان قهر و کفی بالله ولیا
و کفی بالله نصیرا و کفی بالله حسیبا و کفی بالله علیما و کفی بالله وکیلا و کفی بالله شهیدا خواص مرویست از حضرت رسالت پناه
که هر که این کلمات را در عمر خود یک بار بخواند حق تعالی فرماید هفتاد هزار ملک را تا از برای
او آمرزش می‌خواهند تا روز قیامت و از برای مهمات و حاجات و وسعت
رزق و طول عمر و دفع خوف و خاتمت ایمان کامل از این عالم رفتن
باین کلمات مداومت نماید جزی الله محمدا عنا ما هو اهله

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۳۶ هذه صورة دائرة تسعة عشر كر با شرح ولطم من كلام مولانا امير المومنين على بن ابى طالب عليه الاف التحية والثناء دائما











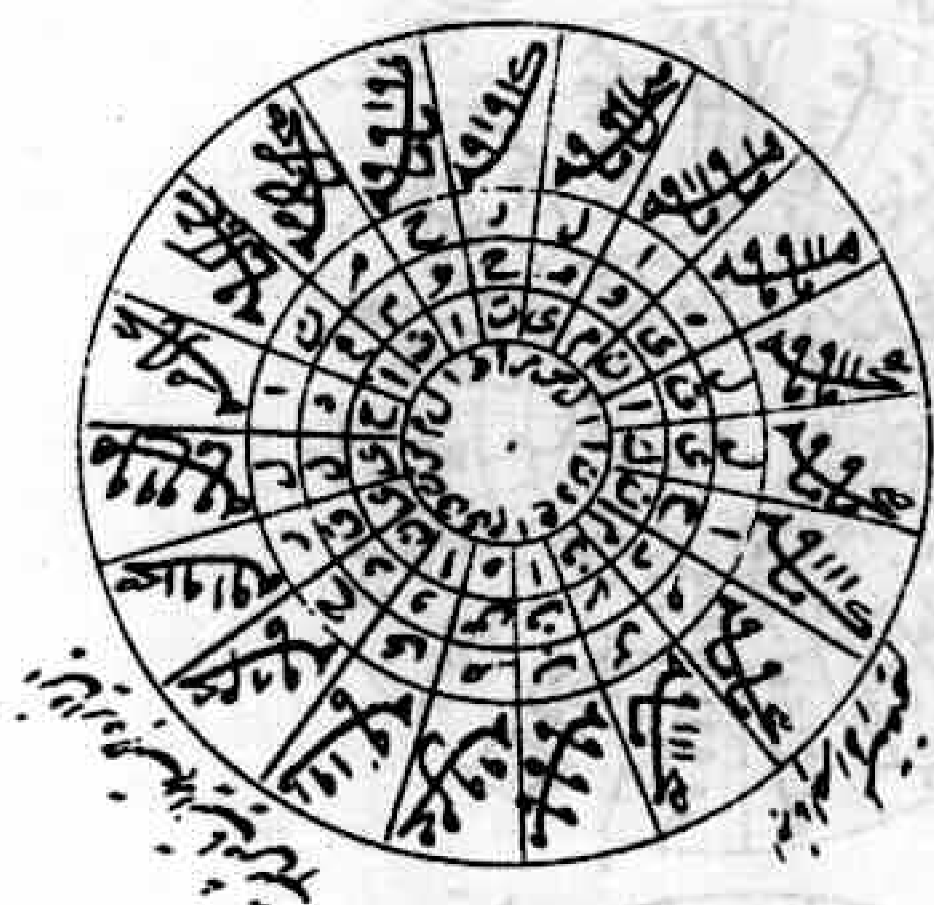


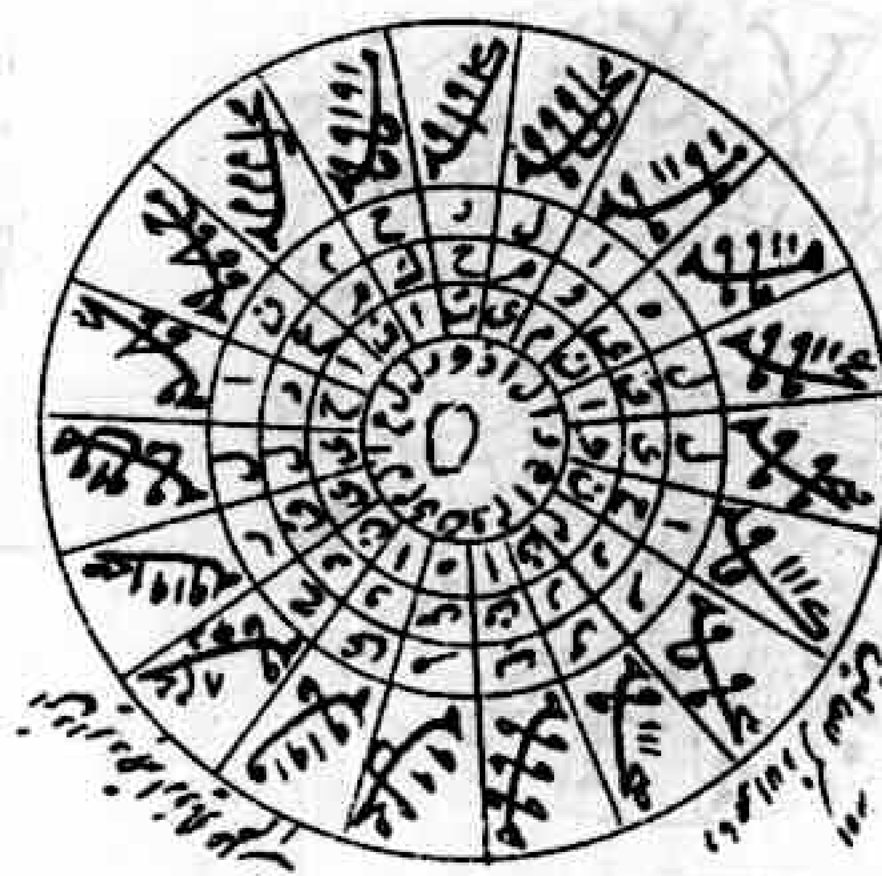
در صفحه ۱۳۹ تفصیل آن بزرگوار مسطور است لاحول ولا قوة الا
(بالله العلی العظیم)

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

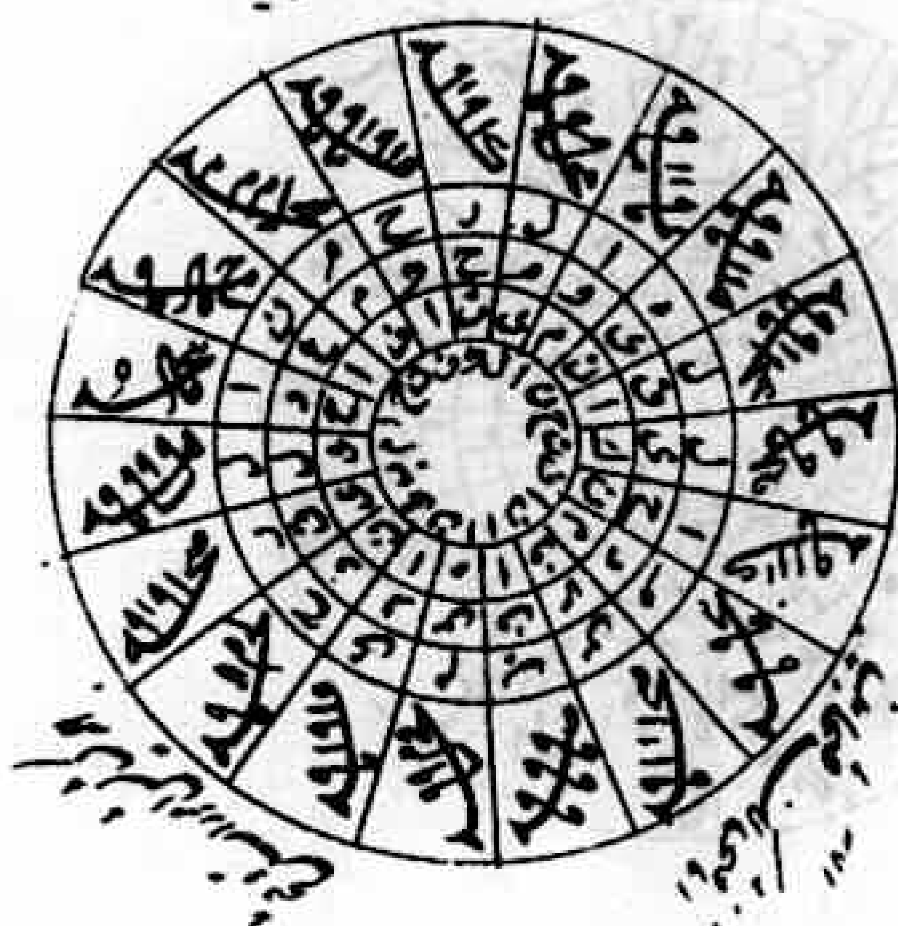












www.FMR.ir

www.FMEHR.com









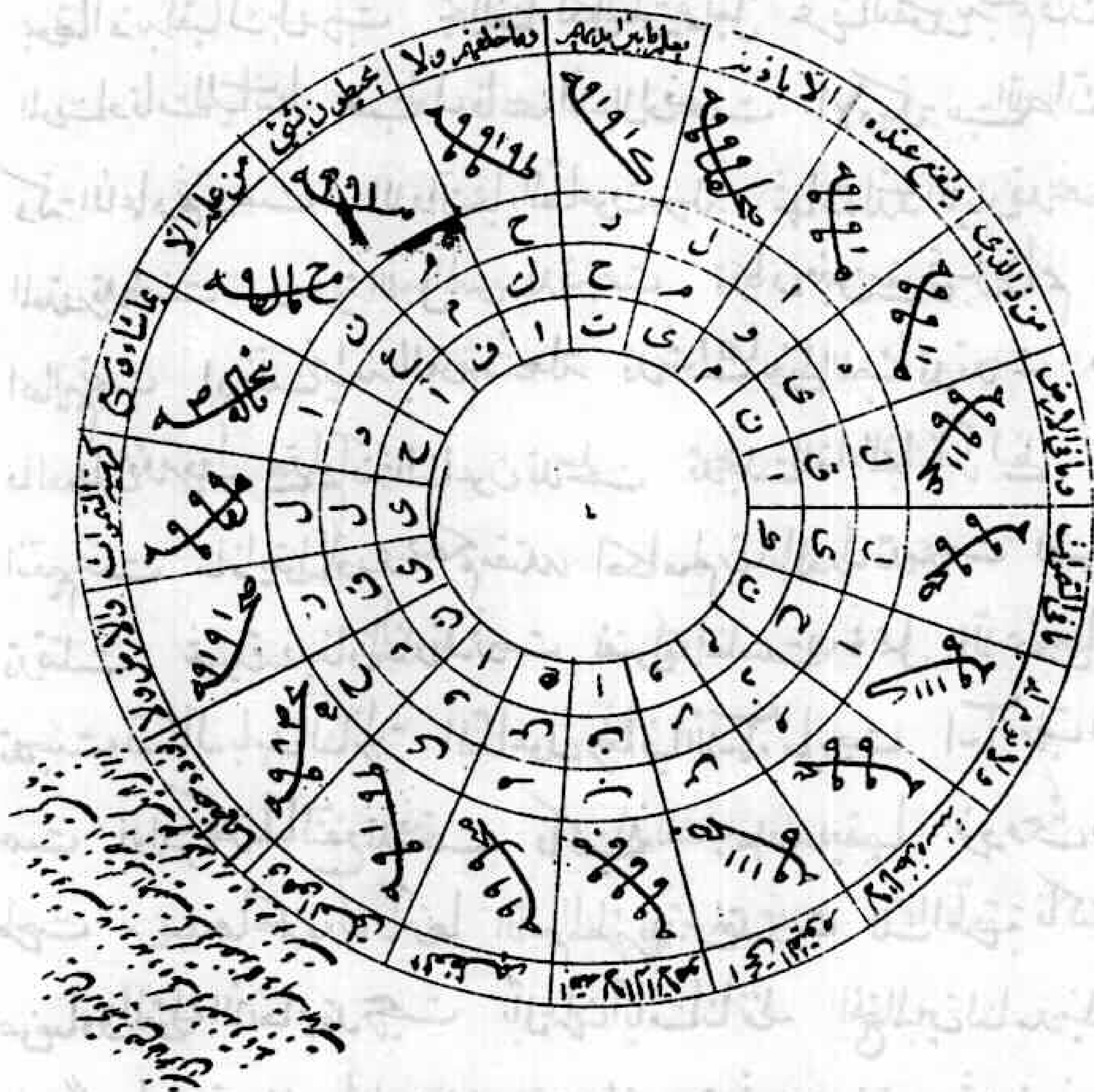




www.FMR.ir

www.FMEHR.com

هذه الدوائر التسعة عشر معروفة دوائر جنة الأسماء منسوبة الی ١٣٩
امیرالمؤمنین علیه السلام مجربة فی التأثیر استجزنا من جمع مشائخ فاجازوا
لنا فی کتابتها و اجازتها لمن هو اهل لها - کتبه العاصی ... عطاری



بِسْمِ اللّٰهِ الفرد حیٌّ وقیّوم حکم عدل قدوسٌ الفتح المبین ٩٠٣ م

با زعفران و مشک نوشته شود

www.FMR.ir

هذه قصيدة منسوبة الى علي ع في خواص الدائرة وكيفية كتابتها وهي التي مذكورها في الرسالة الماضية لقد

بدأت ببسم الله مفتتحاً انك الحامد حمد الله فافتتحت مثنياً بصلوة الله اكملها على نبي به سبل الحمد

اتضحت محمد خير خلق الله سيدهم ومن به الخلق يوم الفصل قد منحت ذنوب امته من اجله كرماً

عنها مكارم عفو الله قد صفحت وان مبغضهم عسرت فبالصلوة عليه مكثراً نجحت يا رب

هب لعلي من لدنك رضى يا من بقدرته الارضون قد سطحت نفسي لطول حنين الحيا القدر ضيقت

بموتها اذ بلقياك بل فرحت بحر الفناء لكل الخلق ثم اجل غرق النفوس به حتم وان جنحت قد ضيق

الموت اوقات الحياة بنا هب طول فاسحة الاجال لو فسحت الا ومكة بيت الله ان له لصدمة

ركبة الاعماد ثم وحت الا وان نخاء الطاعون مرسلة شهادة لذي الايمان قد منحت استر القدر

المقدور قد طعنت ومدية الاجل المحتوم قد ذبحت فقد كان فيمن مضى من قبل من امم زجر القوم لهم

افعالهم قبحت ان غلبت نيرانه بالقوم مشتعلة قد شوانها بغطى الاصحا قد قدحت فهم على الاثم

والعدوان قد مردوا حتى لهم آفة الطاعون قد صلحت قد عجلت للقاء الفجار نار لظى والمؤمنين لهم داء

انعيم جنت ماذا يقول الورى في حكم مقتدر احكامه لم يزل بالعدل قد مدحت نفس لمعركة الطاعون

قد قتلت شهيدة في جنان الخلد قد فرحت نفس لقد اخلصت لله في عمل الا بموتها والله قد نجحت

قد جنت تسئال باهل النازلة الطاعون رفعاً فبالاسماء ما برحت اسماء رب نعم قد ست و

سمت ابواب حكمتها بالنفع قد فتحت فاكتب لذلك بسم الله يعقبها نوره ومحمد وفيوم وقد

طرحت من بعدها حكم مدل وآخرها الاسم المطهر قدوس نقد فتحت تلك الطريقة فاكتب بعض آية ما

عن صادق القول في الانعام قد رجحت بآل عمران آيات لنا نزلت الفتح المبين لنا منه علينا فتحت

واحرفاً معجمات صنع نلبسها في الوضع مثلثات بعد قد شرحت فتسعة ثم عشر ضبط عدة ما

بعين دائرة الاسماء قد انتحت ببيئة ضعهم في دور دائرة بالزعفران ومسك ريحه نفحت و سميها

جنة الاسماء والقربها اسنة الطعن بالطاعون اذ جرحت ومن اصيب بطاعون فصابر شبه للمغيب

من نار لد لفحت فامح الكتابة بالماء المعين وكن للثقل دام ببين غد ما نضحت ثم اسقه الماء

واعلم ان به شفاء ما لم تكن روح عين النفس قد صلحت وقل لمن يدخل الاسماء منزله ما بن يقرب

شاة فديته ذبحت وبعدها نقرأ بان عندهم فهذه هبة من ربكم منحت ولا تبح سر هذا القول

غير فتى معالم الخير من سيماه قد لمحت من رام يطعن جهلاً منه او حسداً فلا تخف من كلاب النبح ان نبحت

www.FMEHR.com

من جرّبهم رسول الله مقتبس   فيالها غرفة من بحر طفحت   لطائف الله في اسمائه اجتمعت   والعارفون بها
صدراً لقد شرحت   خذها فانها نور دُرّ من مطلبها   لها نفوس كبار القوم ما سمحت

اقـــول

قد اتفقت الكتاب بالعطا ان دائرة جنة الاسماء من افاضات امير المؤمنين على عليه السلام وهي مشتملة على الاسم الاعظم والفاتحة الا ترجمة والقصيدة التي مرت منسوبة اليه مشتملة على توصيف الدائرة وكيفية تحريرها ويفهم منها ان صورة الدائرة واحدة لا تعدد فيها وانها لدفع الطاعون فقط ولكن سمعنا بعض المشايخ يقول انها تسعة عشر دائرة كل واحدة منها على هيئة اخرى ولحاجة اخرى كما مرت كلها مشروحا ومفصلا والظاهر انها واحدة على هيئة واحدة لا تعدد فيها مشتملة على خمس دوائر منقسمة على تسعة عشر حصة ملثا وبيت ويكتب في الدائرة الاولى آية الكرسي الى العظيم وفي الثانية الاشكال المرموزة وفي الثالثة البسملة مقطعة وفي الرابعة الاسماء الستة كذلك وفي الخامسة آية مناسبة للحاجة مشتملة على تسعة عشر حرفا مثلا لدفع الطاعون او من كان ميتا فاحييناه ايضا توكل على العزيز الحكيم ولدفع الاعداء حسبنا الله ونعم الوكيل وللفتح والنصرة انا فتحنا لك فتحا مبينا وللعداوة والقينا بينهم العداوة ايضا خصمان بغى بعضنا على بعض ولابطال السحر ولا يفلح الساحر حيث اتى ولدفع الشدة سيجعل الله بعد عسر يسرا ولدفع الغم رب اشرح لي صدري ويسر لي امري ولدفع الحمى يا نار كوني بردا وسلاما ولعقد اللسان اليوم نختم على افواههم وللاختفاء عن الاعداء فاغشيناهم فهم لا يبصرون ايضا صم بكم عمي فهم لا يعقلون ولتبديل الاحوال عسى ربنا ان يبدلنا خيرا ولاحسان الامراء واحسن كما احسن الله اليك وللخلاص من الحبس اياك نعبد واياك نستعين ولطلب الهداية اهدنا الصراط المستقيم ولزيادة العمر والحمد لله رب العالمين وهكذا والعلم عند الله وجهه الكريم   وقال بعض المشايخ انه لابد ان يحسب اعداد حروف البسملة والاسماء والآية التي في الخامسة وآية الكرسي ويجمع كلها واضيف اليها عدد اسم على ع مع عدد كلمة طي ويكتب في مربع مرسوم في جوف الدائرة الخامسة وهو سر تاثير الدائرة قيل واضيف اليها ايضا عدد حروف اسم الطالب وامه ولابد ان يكتب الدائرة مطهرا بالمسك والزعفران على لوح من ذهب او ما يناسبه في اللون كالقرطاس الاصفر وغيره في ساعة سعادة القمر والمشتري ثم يبخرها بالعود وغيره وينبغي ان تكون الدائرة متساوية الوضع ويكون رؤس الخطوط محاذية لمركز الدائرة وان يشرع عند الكتابة من البيت الاقل الذي تحته وهكذا وبعد تمام الكتابة يعلق الدائرة ويقرء كل يوم بعد صلوة الصبح كل واحد من الاسماء الستة والبسملة والآية تسعة عشر مرة الى تسعة عشر يوما فبعد تمام تسعة عشر يوما يرى العجيب ان شاء الله تعالى وبعد القراءة يقرء هذه العزيمة مرة واحدة وهي هذه اللهم اني اسئلك بفاء الفردانية وحاء الحيات السرمدية وباء ينابيع الحكمة وقاف القدرة وواو الوجه وميم الملك وحاء الحكم وقاف القيوم ودال الديان

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۴۲ و واو الولایة و بین السکینة اقسمت علیکم ایها الارواح الروحانیة بهذه الحروف والایات العظام والاسماء
المشرفات الکرام و بحرمة تدبیره لدیکم بارک الله فیکم وعلیکم وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک والیک المصیر نعم المولی
ونعم النصیر حسبنا الله ونعم الوکیل بحول الله وقوته وصلی الله علی محمد وآله الابدال الا ما اجبتم دعوتی وامتثلتم
لی قضا حاجتی ثم اذکر حاجتک قل بحق نون وصاد الله العظیم الاعظم وکبریائه وعظمته ولا یصف الواصفون کنه
عظمته ومجده علیکم الانبیا دنیا اریکم ببحق اسم الله الاعظم الاعظم علیکم قیل قال علیه السلام ان خفت من العدو
فاکتب آیة فاغشیناهم فهم لا یبصرون فی الدایرة وارقمها فی قطعة من الدیباج الابیض واجعلها علی راسک من غیر
حایل بینها وبینهم فانهم لا یبصرونک یعنی ان یقرء تلک الایة عند مقابلة العدو والکفار فان عدد حروفها تسعة عشر
ولها سر عظیم فاذا اکتبها ما اتل علیها القسم الذی مره کره سبع مرات وبخرها حالة تلاوة تلک القسم بمسک وعنبر وعود
ثم حم من یومک الذی کتبتها فیه الی سبعة ایام ان استطعت والا مثله ایام ولا تاکل فی تلک الایام ما خرج منه
روح اخرج من روح ثم صنها علی راسک کما تقدم فان ابصارهم تعمی عنک بقدرة سبحانه الله تم مربعی که در جوف
دایره باید نوشت باین نحو است که با عداد آیه او من کان میتا فاحییناه نوشته شده است و دیگر آنرا
هم باین فضا باید نوشت و لوحی که این مربع بطریق اضافه است نه بطریق مشهور تدبر انما رقم کار بطریق
مشهور است باین نحو

۴٨٧	۵٩۴۴	٢٩ ٨ ۶
٢٩٢٢	٣۴٩	۵۴ ٣ ۵
١۵	١٩۴	٢۴١٧٨٢
٢٢٣۵	١۴۶١	۴٨٧

١	١۴	١١	٨
١٢	٧	٢	١٣
۶	٩	١۶	٣
١۵	۴	۵	١٠

و بقیه ١۶۵۶٨ کسر ١

عمل جلب القلوب

اول جلب القلوب را زمام ساختیم چنین
شدح لب ال ق ل و ب این حروف را بسط غریبی کردیم یعنی از حروف اخطمنند بو نیعتسض جز
کسقنطظ د طلوحع غرینیز کردیم چنین شد ولب ال ب ت رات ح ا پس آن حروف اگر فرد است ۵ و اگر
زوج است ۴ ترکیب کنند و آنچه باقی ماند او را هم یک اسم ترکیب کنند و کلمه ئیل داخل کرده نام ملائکه حاصل شود
و در این مثال چند حروف مرکب کردیم چنین شد دکا بکائیل دکهائیل این است طریق استخراج نام ملائکه بسط زمام
اعوان را باید حاصل کرد و طریقش آنست که نام ملائکه را کلمه ئیل یکیا و کیمی جمع کنند چنانکه در این مثال این حاصل
میشود ادع لث ادول وجون حروف فرد است پنج پنج ترکیب داده و کلمه یوش داخل کردیم چنین شد
ادهکلیوش اولبکیوش این است طریق استخراج اسم جن که اعوانش گویند از بسط غریبی و طبیعی لب بسط زمام

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

وسطرِ غیر نیز آن را تخلیص کردیم چنین شد ج لب اق و دک ره پس آن سطر خلاصه را نقدر تکسیر کردیم تا زمام
پیدا شد یعنی اگر باز دگر تکسیر کنیم زمام که سطر اوّل است حاصل شود هکذا ه ج د ک ب ما و ق پس حرف اوّل و حرف
آخر سطر اوّل را وکذا حرف اوّل و حرف آخر سطر آخر را برداشتیم ق ه و ج ا د ل ب ک وکذا حرف دوّم و حرف ما قبل آخر
سطر اوّل و سطر آخر را وکذا حرف سیّم و حرف ما قبل آن ق ب ه ل و ج را ا ل ق ج ب ه ه د ل ا و ک
ه ر د ق ب ج ما قبل آخر سطر اوّل و آخر را تا سطرین تمام شود برداشتیم چنین شد ج ه ل ج ل د ا ب ب ل د و ق
ا د ک ل ق و ه د چون نیم است ۴۴ ترکیب دادیم چنین شد جهلج لد اب کوق ادکد قوهر این با اسماء ملک
الارواح است و طریق استخراجش همان نحو است که گفتیم پس استخراج طلسم میکنیم و قاعده اش آن است که تمامی سطور مسطوره
تکسیر را ۵۵ اگر فرد است ۴۴ اگر نیم است ترکیب میکنیم آنچه حاصل شد طلسمات است چون در ما نحن فیه نیم است
۴۴ ترکیب کردیم چنین شد جلبا قودک دهجج رلکب داوق قهوج ادل یکاق جلوج دا اگر تجدید و لا لا
وکهر د قیج پس باید در میان سطور تکسیر میکردیم آنچه از اسماء الله پیدا میشود موافق مطلب استخراج میکنیم و اگر پیدا نشود
از خارج بعدد حروف زمام از اسماء الله هر اسمی که منسوب بیکی از آن حروف است میآریم و چون هر حرف بملکی منسوب است
اگر منسوبات حروف زمام را از ملائکه هم استخراج کنی بهتر است و اگر همه کلمات اسماء ملائکه و اعوان و اسماء الله و طلسمات
بعدد با هم برابر کنی بهتر است پس یعنی انشا نموده یکان یکان ملائکه و اعوان و اسماء الله و ارواح را قسم بدهند
باسماء الله و بطلسمات چنانکه میآید و در وقت عمل طلسمات را بر سنگ سفید پاک نقش کرده در آبی که همه خلایق می خورند
میاندازند بجهة جلب عموم ناس و اگر جلب شخص را خواهد آن سنگ را بآب اندازد و بجوشد هر که دهد بیقرار و کرفتار او گردد
اما این وقتی شود که دعوت اسم مطابق را با شرایط بعمل آورد و بمبالغه تمام ورد خود سازد و بخواندن بعد از آن
عزیمت را بعد السطور تکسیر که در ملخص فیز نوشته است و همه شرایط دعوت را چنانکه سابقاً در این مجموعه در اکثر جاها
گذشته مرعی دارد و بخواند خطاب بارواح و ملائکه و اعوان کند تا یک هفته مداومت باین عمل نماید تا مراد حاصل شود و اگر
عدد کبیر یا صغیر یا وسیط مجموعی اسم مطلوب یا شهر مطلوب تا یک هفته مداومت نماید بهتر و موثرتر خواهد بود و اگر منظور
تسخیر یک نفر باشد بعوض جلب القلوب فقره جلب القلب را بصیغه مفرد تمام کرده همه اعمال مذکوره را با تمام رساند این عمل
بغایت مجرب است ان شاء الله عزیمت را باین نحو بایدکرد قد عزمت علیکم یا ارواح العالیات الطاهرات الزاکیات و یا ملائکه
رب العزة با الله الذی لا اله الا هو مقلب القلوب مسخر المطلوب با ارواح العالیات و یا ملائکه رب العزة و یا ایها الاعوان
اجیبونی و عزمت علیکم یا دکا بکا ئیل یا رکها ئیل بالله و باسم الله المرموز فی الالواح المسطور عزمت علیکم
و اقسمت بکم بحق محلکم و مقامکم و ذکرکم و تسبیحکم و تهلیلکم و مناصبکم عند الله تعم ان تمر وا الی الاعوان و تأمرهم ا

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۲۲ ابطال غمی وانجاح حاجتی. وبها ادهکلیوش اربکیوش یادکا بکائیل یا بکهائیل اقسم علیکم بالله مقلب القلوب بحق هذه الاسماء
جهلج لراب بکوق ادکد قومران تامروا اولاد هکلیوش واربکیوش ان یسخر قلوب الخلایق والناس اجمعین و
والرجال والغلمان والولدان والانس والجان بل جلب قلب جمیع الاکوان فی جمیع الاماکن والازمان بحق الله الرحمن الرحیم
یا اهل هذا العمل من الملائکة والاعوان والارواح اعینونی بتسخیر القلوب واخذ المطلوب اجیبونی وکونوا اعوانی
وانصاری واحبائی وادرکونی فی جمیع الاحوال والازمان اجیبوا یادکا بکائیل بکهائیل سمیعا مطیعا بحق جلبائیل قلبائیل
اجیبونی واجیبونی بتسخیر قلوب الخلایق اجمعین وبحق الاسم الاعظم جهلج لراب بکوف ادکد قومر وبحق هذه الطلسمات وبهذه
الکلمات جلبا قودلت دهجی دیکب اوف قهوع اردل بلکق جلود جرا کر قجبده والادوکهر دقنج اجیبونی
بالله مقلب القلوب الرحمن الرحیم یا معشر اعوان ادهکلیوش اربکیوش ان لم تجیبونی الی حصول مرادی فسلط الله تعالی
علیکم دکا بکائیل بکهائیل بایدیهم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران یضربون وجوهکم وادبارکم ویسرعونکم الی النار
وان اجبتم لی فبشرکم الله تعالی یوم القیمة لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة بارک الله علیکم بحق هذه الکلمات
اجیبونی بحصول مرادی العجل العجل الساعة الساعة الساعة الطاعة الطاعة الطاعة الوحا الوحا الوحا اجیبوا
یا محی الله اجیبوا الیوم ینادی المنادی من مکان قریب یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج اجیبونی یا ارواح
الطاهرات بحصول مرادی وانجاح حاجتی اعینونی یا ملائکة رب العزة باجابة دعائی وتبلیغ مرادی الی رحمة رب
وبعد چند شب بالغرببیتی وخطاب واتق شود ارواح واعوان زود تر اهتمام نمایند وسوده مند تعالی تو فبوح بحصول
مراد واجابت فی معـــــــــــرفــــــة حال الغایب خذ اسم الذی ترید واسم امه
والطرح سبعة سبعة وان بقی واحد فهو حی وکثیر مرضا وان بقی اثنین یخاف علیه وان بقی ثلاثة مات وان
بقی اربعة فهو فی الطریق ویحصل له منفعة عظیمة وان بقی خمسة احواله حسنة وان بقی ستة فهو بالسلامة متوجه
من قریب وان بقی سبعة قتل وایضا فی هذا المعنی حسب اسمه واسم امه واسقط اثنین اثنین فان بقی واحد
مات وان بقی اثنان فهو حی قال شیخنا البهائی ره وقال نور الله مرقده فی کشکوله اذا اردت ان تسکن فی
بلدة او قریة فاحسب اسمک واسم امک واسم تلک البلدة او القریة واسقط اربعة اربعة فان بقی واحد فانت
فیها فی تعب وان بقی اثنان فانت فیها متوسط الحال وان بقی ثلاثة فان الرزق تسهل علیک ونفسک مطمئنة وقطعیة
وان بقی اربعة یکون سعادتک فی تلک البلدة والقریة انتهی وقال طاب ثراه اذا اردت ان تعلم من یموت من
الزوجین قبل صاحبه خذ اسم الرجل والمرئة من الصغری واسقط خمسة خمسة فان بقی مفرد فیموت الرجل وان
بقی الزوج فالمرئة تموت والله اعلم وقال طاب ثراه فی طلب السارق یکتب هذه الحروف ویوضع تحت الارض ثم ینم

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

لا تملك ان ترى السارق فى المنام حتى لا يرى عاصاد ا بلج سلح بوماح سلح مسح ٥ واذا اردت ان تعلم من هو

السارق فكتب اسماء المتوهمين كل اسم فى حرقة وتكتب هذه الاسماء تحت اسمائهم وهى هذه اهيا طهيا نوسان

واطرحها فى النار فان اسماء البريئين تحرق ويبقى اسم السارق ٥ واذا سرق منك شيء فاكتب هذه الحروف فى رق ظبى و

ضعه تحت راسك فانك ترى السارق فى المنام وهى هذه هوها ع عا ا د ما وادمى هك ٥ وقال ايضا طا

ترا ه چون مکتوبی یا رقعه یا عریضه بکسی نویسند وخواهند که زود میسر شود اول بقلم بی مداد بر فوق عریضه این شکل

نویسند که زود کار ساخته شود بتوفیق الله تعالى ٭ لا اسمه ٭ شکل ٭ فایدة مجربة صحیحة منقولة

فی بعض المجامیع المنسوبة الى الشیخ الاجل الفاضل الاعلم العالم بهاء الملة والدین رحمه الله ورایته ایضا بخط الفاضل العالم

مولانا محمد تقی المجلسی فی بعض مجامیعه بکذا رایته مکتوبا بخطهما والله اعلم بحقیقة الحال من اراد ان یسخر سلطانا او حاکما او

من الاشخاص فلیتوسل لیصل رکعتین یقرء فی کل رکعة فاتحة الکتاب وسبع مرات هذه الآیة عسى الله ان یجعل بینکم وبین الذین

عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم ویقرء فی القنوت اللهم انی ادرء بک فی نحره واعوذ بک من شره واستعینک

علیه فاکفنیه بما شئت فاذا تم لا یتکلم مع احد ویقول سبعین مرة اللهم لین قلب فلان بن فلان لی کما لینت الحدید لداود

بجاه محمد الاکرم وبجاه علی الافضل الاعلم وبجاه فاطمة ذی الفضل والعصمة وبجاه الحسن والحسین سبطی سید المرسلین وسیدی

شباب اهل الجنة وبجاه ذریتهم الطیبین الطاهرین وبحق حم عسق وبحق کهیعص وصلى الله علیه وآله الطاهرین فان فعل

الصلوة فی لیلة الجمعة او یوم کان احسن وعز بهذا السلطان والحاکم وهذا الشخص المقصود واطاعه بحیث لا یتصور مزید علیه

وقد جربه مرة بعد اخرى والله اعلم للمحسنی نقل من خط الامیر الداماد که از خط شیخ علی بن عبد العالی الکرکی

نقل نموده برجه از برای دفع حمی بکتب فی رقاع ثلاث ما هذه صورته سوطا سوطا بالنار اخوینا یا و بیحجز المحموم فی کل یوم

برقعة فی النار مجرب للتب اگر خواهی کسی را دوست خود کردانی این کلمات آینده را در حضور آن کس چهل و یک بار خوانده

بر دست دمد بشرطیکه در اول شروع بکند بعد بسم الله الرحمن الرحیم بگوید واگر جوز و فی الذنبات وفیه و دو دست را تنه

باشد وهو چنین خواند که بخورد و با آن کس بخورد انشاء الله اینست کلمات این است استحبت الطیس عن النبی من اراد ان

یوسع علیه الرزق فلیکتب هذا الدعاء ویعلقه علی نفسه او یکتب فی منزله او یقرء کل یوم ولیلة ثلاث مرات والدعاء هذا یا الله

یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی رزقا

حلالا طیبا برحمتک الواسعة یا ارحم الراحمین ثم قال النبی والذی بعثنی بالحق نبیا ان من یکتب هذا الدعاء ویعلقه على نفسه

او قرءه دفع الله عنه وعن سبعة من عقبه الفقر ناد علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم وغم

سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی من قراه لیلة الجمعة ثلاثا وسبعین کما هنه نقل عن الشیخ برهان الدین ابراهیم الحموی

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 وتأثيره سرًّا للمحبّة ونفوذ حكام وبني آدم جميعاً يكتب يوم الخميس اول الشهر الله اكبر خمسمائة ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم خمسمائة ثم تعلقه على عضدك ثلاثة ايام فانه قطاع ولا تعصي ما دام معلقاً عليك ولا تخشى
من حية ولا عقرب ولا سبع ولا شيء مما خلقه الله تعالى وذلك من الاسرار المجربة المنقولة من كتاب هذا الفن الشريف نقل من خط
المرحوم المولى محمد تقي المجلسي ره نقل من خط المرحوم ملا شاه الجيلاني ره كتبه على ظهر كتاب شرح الاشارات سمعت من شيخنا
من سيد الحكماء وسند العلماء الامير محمد باقر الداماد الحسيني ره ان من ابتلى بتضييق المعاش فليقرأ سبعة ايام في كل يوم سورة
زمر وحواميم وسورة محمد ع يحصل له الفرج البتة وهذا مجرب والابتداء من يوم الجمعة والاختتام بالخميس ومن وظيفته
ان لا يتكلم مع الناس حتى يفرغ من القراءة والحاصل انه لا يتكلم في اثناء القراءة حتى يفرغ وفي بعض النسخ فليقرأ سبعة ايام في كل
يوم من سورة الزمر الى سورة محمد ع فعلى هذا النسخة سورة محمد خارج عن القراءة ٥ من السيد الداماد ره من اكثر ذكر اسمه
الغني المغني عشر حجة ما شكل جمعة عشر الاف مرة ولا يأكل حيوانا اغناه الله تعالى ما جلا واجلا بسم الله الرحمن الرحيم
سمعت من شيخي واستادي العالم العامل الشيخ محمد بن فرج الحميري ان هذا الدعاء مروي عن مولانا امير المؤمنين ع يقرأ كل
صباح ومساء لطول العمر والقرب عند الامراء والسلاطين وكان رحمه الله يقول انه من جملة مرتباته ومجرباته وانه قد جرب
مرارا والدعاء هذا اللهم اجعلني محبوبا في قلوب المؤمنين وملحوظا في اعين الخلائق ومنظورا في نظر السلاطين ومحفوظا
من شر الشياطين وبلغني الى مائة وعشرين سنة معافا من كل آفة وعاهة وبلية ومحنة برحمتك يا ارحم الراحمين
اول كتبه كما وجدته ٥ هر كس اين آيه را روز چهارشنبه هفتاد بار بخواند بر جمله اهل علم غالب آيد و فتوحات بروى حاصل گردد
هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم ٥ روز پنجشنبه هر كس اين آيه را سيصد نوبت بخواند
در نزد علما معزز و محترم گردد و تحصيل علوم بروى آسان شود و توانگر گردد و بر اعدا ظفر يابد من كان يريد العزة
فلله العزة جميعا ٥ ذكر منسوبات حروف و اسماء ملائكه و اسماء الله اللهم اني اسئلك بحق اياك نعبد واياك نستعين ان
تقضي حاجتي بحرمة الالف عليك يا اله العالمين يا من وضع اسراره في اسمائه يا اله يا اسرائيل بحق الباء عليك يا بديع
السموات والارض يا من لا منتهى لكنهه يا بديع يا جبرئيل بحق الجيم عليك يا جامع الكل فليس شيء غير صفات هويته
يا جامع يا كلكائيل بحق الدال عليك يا دليل المتحيرين في كل حال يرفق بعباده يا دليل يا دردائيل بحق الهاء عليك
يا هادي كل شيء واليه مرجعه يا هادي يا دوربائيل بحق الواو عليك يا ودود انت الذي جعلت المودة بين المرء
وزوجه يا ودود يا دفتحائيل بحق الزاء عليك يا زارع كل شيء منبته يا زارع يا صرفائيل بحق الحاء عليك يا حفيظ
ذو الامان من جميع الشدائد في سرادقات حفظه يا حفيظ يا تنكفيل بحق الطاء عليك يا طاهر المتقرّع عن كل شيء بكمال
كبريائه وعظمته يا طاهر يا اسماعيل بحق الياء يا يقظان الحي الكائن لم يزل ولا يزال كينونه اللهم يا ياسر كل عسير ومُيسّره

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

بحق أمور عظيمة في الدنيا والآخرة يا بديع يا سرايكطائيل بحق الكاف عليك يا كفيل الكافي الكفيل بكل حين من فضله و
كرمه يا كفيل يا زرونائيل بحق اللام عليك يا لطيف المحيط بكل شيء ولا يدركه الابصار كماله يا لطيف يا طاطائيل
بحق الميم عليك يا مالك الملوك انت الذي لا يعسك على اهل مملكته يا مالك يا معيائيل بحق النون عليك يا نافع
الكريم الشافي يا من طابت قلوب المحبين بذكره يا نافع يا حولائيل بحق السين عليك يا سلطان المسخر لكل شيء ولا ينازعه
احد في حكمه يا سيد يا هوكيل بحق العين عليك يا عليم القادر على ما كان موقوفا في مشيته وما يعطي الربية يا عليم
يا لوئيل بحق الفاء عليك يا فتاح كل مقاليد الامور بيديه يا فتاح يا سرحائيل بحق الصاد عليك يا صانع العجائب
لا تبلغ اوهام العارفين بحكمته يا صانع يا حمرائيل بحق القاف عليك يا قديم الاحسان فلا يحيط احد بعد نعمائه يا قديم
يا عطوائيل بحق الراء عليك يا رفيع الدرجات ذو العرش يلقي الروح من امره يا رفيع يا اموكيل بحق الشين عليك يا
شكور انت الذي انعمت على العباد نعمة ظاهرة وباطنة يا شكور يا عطكائيل بحق التاء عليك يا تواب في الرحمة
الواسعة على كل خلقه يا تواب يا عزرائيل بحق الثاء عليك يا ثابت القوي المقتدر فلا يقدر شيء بقاء معه يا ثابت
يا ميكائيل بحق الخاء عليك يا خبير من لا يعزب شيئا ذرة من علمه يا خبير يا مهكائيل بحق الذال عليك يا ذا رفيع الدرج
الكبير فلا يعرف الخلايق قدره يا ذا رفيع يا اهرجليل بحق الضاد عليك يا ضياء الكاشف ظلمة الحجاب بنور قدسه يا ضياء
يا اهجمائيل بحق الظاء عليك يا ظاهر المعروف القائم انت الذي لا ينقطع ابدا ولا يحصيه غيره يا ظاهر يا لوضائيل
بحق الغين عليك يا غني الكريم الوهاب في الطول فلا ينقص شيء من خزائنه يا غني يا لوغائيل هر اسمی از اسماء الله
که اول او الف است بالف منسوب است و آنکه اول شر با است بب منسوب است و هکذا الی آخر الحروف و لنعم ما قیل التکسیر
خیر من الاکسیر قاعده تسخیر الناس اول اسمی مناسب مطلب از اسماء الله پیدا نموده پس اسم طالب را پس اسم مطلوب
با حرف مطلب را تکسیر نماید تا از نام دهد یعنی هر گاه یکدفعه هم تکسیر کنند سطر تمام حاصل میشود مثلا اگر مطلب عزت
باشد و طالب علی اول از اسماء الله اسم عزیز است پس اسم طالب را که علی فرض کردیم پس لفظ عزت را که مطلب است تکسیر میکنند
و اگر مطلب علی تعرض بمحمد نام محال است که در ما بین ایشان محبت حاصل شود اول از اسماء الله حبیب پس اسم طالب را
که علی فرض کردیم پس اسم مطلوب را که محمد فرض کردیم تکسیر کنند تا بنام رسد باین شکل پس صدر و موخر سطور را
محکم کنیم و آن قدر تکسیر میکنیم که هفت سطر شود باین شکل ح د ل ع م ع ح ی م ب ب د ل ع م ع ح ی م ب ب ح

م ح د ی م ب د ح م ب غ ل ح ی م ب ع ع ح ب ح ل
ح ح ب ح ب ل د م ی ع م ح ع ع ح م ع ع م ل ع ب د ب
ح ب ع ب ع ل ع م ح م د
ب ح د ح ب ب ل د م ب ع ل ع م م ع ح ع ع م ع ع
ح ب ع ع ی ب ح ب ع ل ع م د م م ی ب ل ی
د ح م ب ح ی م ب ع ع ل
ع ح ل ع ب ع ع ح م م د ع م ح ل ع ع ب ب ح
ع ع ب ح ب ل ع ع ب ل ع ط ب ل ع ح ی ع م ع ح م د م د م

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۲۸ الدع ح ی م ب ب م ح ی پس صدر و موخر این هفت سطر را میکنیم باین نحو ح ب ح ع ح م ح ب ب ح ی ح
ی ل ح د م ع ب ع ب ع م پس اسماء ملائکه که منسوب باین چهارده حروفست استخراج میکنیم پس در سطور اکسیر
م ی عد ب ح ح د ب م ع اول و ثانی و غیره گفته آنچه از اسماء الله یافت شد استخراج میکنیم با اسماء ملائکه
ع م م ی ب ع د ل ح ب ع ختم نموده عزیمت انشا نموده ورد میباید نمود تا یک هفته هر روز بعدد کبیر یا وسیط
ح ع ب م ح م ل ع د ب ع یا صغیر مطلوب البته مطلوب حاصل میگردد و این مداومت را وقتی باید کرد که عدد
خ ح ط ع ب م ل ح م جمله آن چهارده حروف را مربع برده و در لوح طلا یا چیزی زرد نوشته در ساعت سعد نوشته
م ع ح ل ب م ع ی ب و اسماء مستخرجه را بر دور لوح ثبت کرده و صدر و موخر آن هفت سطر را که عبارت
ب م د ع ع ی ع ح م ل ب از آن چهارده حروف باشد ترکیبا و بار دیگر تقطیعا بر دور آن لوح نوشته بجوف
ب ط م م د ح ع ع ع ع ببندد باشد این عمل بغایت مجرب است قاعده از برای حصول مطالب آنچه
با اسمی مناسب مطلب پیدا و عدد جملی او را با عدد جمل اسم طالب جمع و استنطاق داده و از اسماء الله اسماء ملائکه آنچه
منسوب بآن حروفست استخراج و بعد و اسم مطلب تا یک هفته مداومت باید کرد مثلا محمد نامی را عزت مطلوب باشد
عدد جمل عزت و محمد را گرفتیم این شد ۱۹۶ استنطاق او اینست د ف ق ملائکه و اسماء الله منسوب باین
حروف استخراج نموده بنحو مسطور مداومت باید نمود طریق اخذ مداخل جمل حروف و اعداد بدانکه مداخل جمل حروف
و اعداد علی الاطلاق چهار است مدخل کبیر و وسیط و وسیط مجموعی و صغیر اما کبیر عبارت از آنست که عدد آن حرف را
در مرتبه خود بگذارند و وسیط عبارت از آنست که یک مرتبه از مرتبه خود تنزل دهند بشرطی که پایین تر از دو مرتبه
دیگر داشته باشد و وسیط مجموعی آنست که دو مرتبه از مرتبه اش تنزل دهند بشرطیکه پایین تر از دو مرتبه
داشته باشد و صغیر آنست که باخر مراتبش تنزل دهند بنا برین غ که هزار است مداخل اربعه مسطوره را دارد
کبیرش هزار و وسیطش صد و وسیط مجموعیش ده صغیرش یک و هکذا سایر ما فی مرتبة الالوف و مات را سه
مدخل است کبیر و وسیط صغیر مثلا ق کبیرش صد است و وسیطش ده و صغیرش یک و دیگر وسیط مجموعی ندارند
و عشرات دو مدخل دارند کبیر و صغیر مانند ی که کبیرش ده و صغیرش یک است و دیگر وسیط و وسیط مجموعی
ندارد و آحاد همین کبیر را دارند سایر مداخل را ندارند زیرا که پایین تر از آحاد دیگر مرتبه نیست مثلا لفظ محمد را بشید
سه مدخل دارد کبیر که ۱۱۲ است وسیط ۱۱۰ است صغیر که ۱۲ است و هکذا سایر الکلمات و الفقرات
طریق اخذ مداخل خمسه حروف و اعداد الفبعی احد است و احد ۱۳ است و شماره حروفش ۳ است
بر ۱۳ افزودیم ۱۶ شد پس این عدد را استنطاق کردیم ی و حاصل شد این مدخل اول الف است بعد از آن

www.FMR.ir

www.FMEHR.com
نشر الکترونیک فروغ مهر
تنها مرکز ارائه کتابهای خطی و نایاب به صورت الکترونیکی
دارنده کاملترین مجموعه کتب خطی و علوم غریبه
www.fmehr.com www.FMR.ir www.fmr.ir

مد ی و د را بعربی بردیم ستة عشر شد و عدد جمله ستة عشر را گرفتیم ۱۰۴۰ شد شماره حروف ستة عشره هفت است
بر او افزودیم ۱۰۴۷ شد استنطاق کردیم ع م ز شد این مدخل دوم است عم الف را بسبع م ز را بعربی بردیم
سبعة اربعون الف شد و عدد جمله آن را گرفتیم ۵۷۷ شد شماره حروف آن را که ۱۳ است بر او افزودیم ۵۹۰
شد استنطاق کردیم ث ص شد این مدخل سیم الف است پس ث ص را بعربی بردیم خمسمائة تسعون شد عدد
جمله آن را گرفتیم ۲۳۱۳ شد شماره حروف را بر آن افزودیم ۲۳۴۳ شد استنطاق کردیم غ ش م ج شد این
مدخل چهارم الف است پس این حروف را بعربی بردیم الف ثلثمائة اربعون ثلاثة شد عدد جمله آن را گرفتیم ۲۴۹
۲۵ شد شماره حروف که ۱۹ است بر آن افزودیم ۲۵۶۸ شد استنطاق کردیم ح س ث ب غ شد
این مدخل پنجم الف است و هکذا اخذ مداخل سایر الحروف از برای هر مطلبی که خواسته باشند آیه یا اسمی از اسماء الله
که مناسب مطلب باشد پیدا و اسم طالب و مطلوب اگر مطلب محبت باشد یا اسم طالب را اگر غرض عزت و دولت
و نصرت و غیر آنها باشد و اسم مطلوب را اگر غرض اهلاک و اخراج و مانند آن باشد آنها را مقطع نوشته حروف را
پنج پنج طرح کرده اگر در آخر فرد ماند مدخل پنجم آن حروف را باید گرفت و اگر زوج باند مدخل چهارم حروف را باید گرفت
و اگر هیچ نماند باز مدخل پنجم را باید گرفت و قاعده گرفتن مداخل این قسم است که آن حروف مقطعه را خلاصه کرده
یعنی مکررات آنها را انداخته از باقی هر مدخل که مطلوب است باید گرفت و به یکدیگر هم نوشته آنچه از حروف بعد از
گرفتن مداخل همه حروف باقیه حاصل شد تکسیر می‌کنند تا به نظام برسد پس هر چه از اسماء الله در صورت تکسیر
پیدا میشود استخراج کرده پس ملائکه که بآن خلاصه مداخل منسوبست استخراج کرده آنها را با اسماء الله مستخرجه
ورد نموده انتظار حصول مطلب میکشند و اگر در صورت تکسیر از اسماء الله چیزی پیدا نشود باید اسماء الله منسوبه
بآن حروف را استخراج نمود مثلا از جهت القاء عداوت ما بین زید و عمر آیه مناسب این مطلب این را جستیم و القینا
بینهم العداوة پس ۹ دید با اسمی مزبور مقطعا چنین نوشتیم و ال ق ی ن ا ب ی ن ه م ع د ا و ة
ز ی د ع م ر و پس خلاصه کردیم این شد و ال ق ی ن ب ه م ع د ة ز بعد از آنکه ۵ ۵ طرح کردیم
چهار ماند که زوج است پس مدخل چهارم آن حروف خلاصه را یکی یکی گرفته و اعمال بآخر رسانند قاعده تصحیح
جفر بردن آیات و اسماء از جهت هر مطلبی اولا آیه را که بیست و هشت حرف باشد و مناسب مطلب باشد پیدا کرده
یا اینکه چند اسم از اسماء الله مناسبه که مجموع ۲۸ حرف باشد تحصیل نمایند پس اسم صاحب مطلب را ابتدا بآیات
آیه بیست و هشت جمع کرده و اگر آیه یا اسماء مناسبه کمتر از ۲۸ حرف باشد او را هم بتدبیر آیات آیه ۲۸ حرف
کرده ملحق بعد از آن یک حرف از آیه و یک حرف از اسم صاحب مطلب را در خانه اول هر سطر صفحه جفر نوشته صفحه را با آخر رسانیده

بیستر حمد

www.FMEHR.com

۱۵۰ پیش خود نگاه دارند بسیار مجرّب است قاعدهٔ ۲۸ حرف کردن آیات یا اسماء اگر خواسته باشیم که محمّد تقی را مثلاً ۲۸ حرف کرده بصفحه ببریم اوّل حروف آن اسم را بزبر و بینات بنویسیم ۱۸ حرف میشود پس مداخل کبیر آنحروف را گرفتیم ۸۱۷ شد استنطاق کردیم ذ ی ض شد علاوه ملحوظ نمودیم ۱۲ حرف شد پس مداخل وسیط آن ۱۸ حرف را گرفتیم ۵۰ شد استنطاق کردیم ن شد پس مداخل صغیر آن ۱۸ حرف را گرفتیم ۳۵ شد استنطاق کردیم ه ل شد پس عدد همان حروف را که بجمله بود استنطاق کردیم ع ی شد پس عدد نقاط آن ۱۸ حرف را که ۱۱ بود استنطاق کردیم ا ی شد همه را جمع کردیم ۲۸ شد باین شکل م ی م ح ا م ی م د ال ت ا ق ا ف ی ا ذ ی ض ن ه ل ع ی ا ی قاعدهٔ دیگر اسم محمّد تقی هفت حرف است عزیز نیز اکفا را میکنیم ۱۴ میشود پس نظیره آن ۱۴ حرف را میآئیم ۲۸ میشود ایضاً اگر خواسته باشیم که اسم حسن را ۲۸ حرف کنیم ذبر ح و زبر و بینه س ن را میکنیم ۷ حرف میشود پس عزیز نیز آن ۷ را میآئیم ۱۴ میشود پس نظیره آن ۱۴ را میآئیم ۲۸ میشود امّا ترتیب حروف این باید در قاعدهٔ عزیز نیز و نظیره هر حرف را در پهلوی او نوشت بعد از آن گذشت بحرف دیگر مثلاً اوّل ح را نوشتند پس عزیز نیز او را که ذ هست در پهلوی ح پس نظیره ح ذ را در پهلوی آنها می نویسیم و هکذا فی سایر الحروف ایضاً آیهٔ الا الی الله تصیر الامور را مقطعاً نوشتند پس مداخل کبیر آن را که ذ ی ق غ است و مداخل وسیط آن را که ف است و مداخل صغیر آن را که ج ل ا ت و عدد حروف آن را که ک است گرفته مینویسیم ۲۸ حرف میشود باین شکل ا ل ا ا ل ی ا ل ل ه ت ص ی ر ا ل ا م و ر ذ ی ق غ ف ج ل ک ایضاً آیهٔ نصر من الله و فتح قریب را مقطعاً نوشتند پس مداخل کبیر او را که ب ش غ است و وسیط او را که ض است و صغیر او را که ز م است پس عدد حروف او را که ی است میگیریم پس عدد نقاط را میگیریم ی میشود و چون همه را جمع کردیم ۲۶ شد ی را بسه حرف تقسیم میکنیم ا ج و میشود باین نحو ن ص ر م ن ا ل ل ه و ف ت ح ق ر ی ب ب ش غ ض ز م ی ا ج و و اگر احیاناً از بیست و هشت زیاد شد عدد حروف و نقاط را بهم ضم نتوان کرد ۵ آیهٔ فالله خیر حافظاً و هو ارحم الراحمین ۲۸ حرف است ۵ حرف ۲۸ کامل الجدار با آنکه ۱۴ است اساس و ۱۴ آخر را نظیره میگویند ۵ قاعدهٔ استخراج صفحه عدد اگر عددی که در دست داریم از طرح جفر ۲۸ ۱۷ است بیشتر است آن عدد را بر آن طرح جفر تقسیم میکنیم و آنچه باقی ماند بطرح صفحه ۲۸ است قسمت میکنیم خارج قسمت عدد صفحه و باقی عدد جزء است پس جزء را بر صفحه مقدم داشته بصفحه میبریم و اگر آن عدد که در دست داریم از طرح جفر کمتر باشد بطرح صفحه قسمت کرده [illegible] و اگر آن عدد را بر طرح جفر قسمت کردیم چیزی باقی نماند جزء ۲۸ و صفحه ۲۸ منشوم

www.Fmehr.com

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

کرغ ۂ باید در نخه نوشت و اگر بطرح صفحه قسمت کردیم حیرف باقی نماند جز ۲۸ مراد است که ۂ است مثلا عدد عقل
اول که ۲۲۷ است چون قابل طرح جفر نیست بطرح صفحه قسمت کردیم خارج قسمت ۸ و باقی ۳ اشد لیکن ۂ
۱۳ از صفحه ۹ مراد است چون ۂ را بر صفحه مقدم باید داشت در رضا ندادی صفحه م ۱۱ می نویسیم و صفحه
باقی می سایم در رضا نچهارم سطر ۱۳ م ع م د استخراج میشود ایضا از لفظ نفحان ضابطه ابلیه حاصل میشود
و ان لفظ بلبل حب کل حاصل میشود و هکذا طریق استخراج دایره حسن ج س ن ط ع ی ف ل ت ص ل ق م
ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ ا ب ج د ه و ز ح س ع ن ط ع ل ف ل ص م ق ر ش ت ث خ ذ
ض ظ غ ا ب ج د ه و ز   هر که این کلمات را در کتابتی با قلم بی مداد بنویسد هر مطلبی که در درون نوشته
شده روا میکردد بسم الله الرحمن الرحیم وعد الله الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث
لا یحتسبون جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون   جدول الحیات والممات
حکما چنین آورده اند که اگر کسی خواهد که بداند که بیمار بهتر شود یا نه نام بیمار و نام مادر او را بحساب جمل
جمع کند و بین معلوم کند که چند روز است که بیمار شده است آن را بروی بیفزاید و اگر عدد آن نداند چهل روز برکی
بیفزاید و چون همه جمع کند بیست دیگر و دیگر برکی بیفزاید و سی سی طرح کند آنچه بماند انجدول طلب کند
والله اعلم

لوح حیات		لوح ممات			
۱	۳	۸	۲	۴	۵
۱۰	۱۳	۱۶	[illegible]	۴	۹
۱۵	۱۶	۱۷	۱۱	۱۲	۱۸
۱۹	۲۲	۲۳	۲۰	۲۱	۲۴
۲۶	۲۸	۳۹	۴۵	۲۰	۳۰

ایضا نوع آخر اگر خواهی که بدانی
بیمار بهتر شود یا نه نام بیمار را بحساب
جمل بکیرد و از ایام هفته آنروز
که بیمار شده است بحساب او نام
هفته بر آن بیفزای و همه را جمع
کن و سی سی طرح کن و در آن جدول
طلب نمای اگر در لوح حیات باید بهتر شود
و الا بمیرد یا بزودی بهتر شود
بیابی در و اگر در لوح ممات
بیابی دیر بهتر شود و الا
بمیرد العلم
عند الله

لوح حیات			لوح ممات			
۱		۲		۴		۵
۳	۷		۶		۸	
۱۱		۱۳	۹			۱۰
۱۴	۱۶			۱۲	۱۵	
۱۷	۱۹		۱۸			۲۱
۲۲			۲۴		۲۵	
۲۳	۲۶		۲۷			۲۹
۲۸	۲۰		۲۰		۲۶	

www.Fmehr.com

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 ابن سطر از برای درد سر مجرب است انگشت را بر سر مریض نهد آنقدر بخواند که خوب شود بسم الله الرحمن الرحیم
ابوجری مجرجوری تذکره بیچی مانذری کالحجر یا رنذی بنذی دولی بیلی یا سی حنا نتر یبرکی
هنکارها دوا مادها سر سر جا جا جا   ایضاً دعا در درد سر بهر انگشت سبابه را بر سر مریض
بگذارد آن قدر بخواند که خوب باشد ده بار که بخواند پف کند و انگشتها را حرکت دهد که مجرب است
بسم الله الرحمن الرحیم کالحجر یا ی بنذی رنذی دولی حتو ونتر یبرکی ماداغاداسر
سر سر جا جا جا   از جهت خلاصی از قرض بعد از نماز صبح ۱۴ مرتبه یا عزیز یا عزیز بگوید للتفریق
من مجربات ملا محمد زمان ابن ملا مصطفی قاری این اسم را نوشته بجایی اندازند هر کس دیگر با هم جمع نمیشوند
کهولة الساعة باسم فلان ابن فلان بمفارقة فلان ابن فلان   فایده روایت شده
که هرگاه کسی اراده کند که بکسی داخل شود و از آن آثار مهربانی ببیند باید که در وقتی که چشمش بر او افتاد
سورهٔ انا انزلناه بخواند که انواع مهربانیها مشاهده مینماید   نوشته اند که مکرر تجربه رسیده که از برای
هر مهمی خصوص از برای دیوی بیت ده روز بعد از فریضه صبح رو بقبله هفتاد نوبت قبل از آنکه
با کسی حرف زند اسم الباسط را بخواند و بعد از آن هفتاد نوبت هر روز بنویسد و در روز آخر حاجت
اندازند تا سه روز بلاشک که مثل نگذشته مطلب حاصل میشود   جهت بر آمدن حاجات شب جمعه نیت روزه
کرده و صبح کند بقصد روزه و بعد از طلوع صبح ششصد بار بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
البته بمطلب برسد   لتوسعة الرزق چون کسی تنگ روزی باشد و چاره نیابد باید که اول توبه کند و با خلاص تام
رجوع بدرگاه الهی نماید و مدت یکهفته هر روز ۵۳۳ بار آیهٔ و من یتق الله را بخواند فقر و غنای او بدولت
مبدل گردد و معیشت بر او فراخ شود بعون الله تعالی   فایده جهت دفع دشمن هر روز هفتاد بار بگوید اللهم
شتت شملهم و فرق جمعهم و قلب تدابیرهم و خرب بنیانهم و قرب آجالهم و قصر اعمارهم و بدل احوالهم و اشغلهم
بابدانهم و خذهم اخذ عزیز مقتدر یا قهار یا قهار یا قهار یا جبار یا جبار یا جبار   فایده
بجهت قضاء حوائج یوم چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه داشته و بحلال افطار کرده و دو رکعت نماز حاجت
بجا آورده و رو بقبله کرده آنگاه بعده اسم مبارک علی ۱۴ این رباعی را بخواند که اسم اعظم است   یا امیر المؤمنین
یا ذا النعم   یا امام المتقین یا ذا الکرم   انما جئناک فی حاجاتنا   لا تخیبنا و قل فیها نعم   شیخ نعمت الله ...
ملا امین الزمان آقا سید حسین تونی نقل میکرد که بسیار بسیار اعتماد باثر این رباعی داشتند و مجرب فرموده اند که همانا
تخلف نمیکند همان شخص بکمترین اجازه داده اند   فایده جهت ازاله سهو در مکارم الاخلاق آورده که سر را بو...

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

وهزار بار بگوید جلالا بفضلك یا معین برودی فتح بعد دهد   بدان وفقك الله علی العمل بهذا الطریق طریق

وضع اعداد در مثلث آن است که از مجموع اعداد ۱۲ را طرح باید کردن و باقی او را سه حصه کرده از یک حصه

ابتدا نموده در لوح وضع کند تا مملو شود چنانکه مثلا عدد سیصد و دوازده را ۱۲ از و طرح کردیم باقی ماند

سیصد و ان سه حصه یکحصه او صد بود از صد ابتدا ساختیم و لوح را پر کردیم اگر غرض تفریق بود عدد والقینا بینهم

العداوة والبغضاء ابتداء را با عددها همین جمع کنند و عدد را انچه از ۴ ابتدا کرده وضع نمایند و آیه مذکور را

۵۴ بار بخوانند و بر آن لوح بدنیت تفریق و بغض آن دو کس بدمد و بگوید فرقت بین فلان ابن فلان کما فرق الله

بین الحق والباطل وبین السماء والارض بحق اجهزرکا و ۱۵ بار این عزیمت را بخوانند و هر بار بدمد عزمت علیکم

یا اطلطهیال یا بطلطهیال یا جطلطهیال یا نطلطهیال یا هطلطهیال یا وطلطهیال و یا

زطلطهیال و یا حطلطهیال یا طلطلطهیال فرقوا بین فلان ابن فلان بحق بدوح واجهزرکا بحق

تنکفیل وفتمائیل و بعد از آن در بخور بهتر است و شاخ بز و سم خود را بند و لوح را در هم بچند و دود و دود به او

ناخن آدمی و سیر انداز و بعضا منار بپهان کند تفریق عظیم افتد بامر الله تعالی ولیکن کاغذ او کبود باشد

یا پوست خر و در دهن خیف تلخ انداخته در غضب بقم رنهند و قبل از عمل ۴۰ بار آیة الکرسی را خوانده بر

دمد بطرف راست و چپ وخلف و قدام و ۴۰ مرتبه قل هو الله بخوانند و بر بخور دمد تا جمعیت ونرسد اما باید

که بجا متوجه این عمل را که هر کس بنا لوح کند بنجد بند عدد وحجت نماید و کتابت بنیل و سرکه

۲۱		۱
۱۸	۵	[illegible]
۴	۲	۷

۸۷۴

۱۰۸۷۲	۱۸۷۳	۱۸۷۱
	۱۸ ۱	۱۸ ۰۰
۱۸ ۰۹	۸۹۸	۱۸۷۳

افیون ما زکتی را کنهر فهیم مادر کونیه باشد

بیالد را بر آب کند و هفت بار این آیه را خواند

آن آب را بخورد مدهش شود راند

بماد کرنیده دهند تا بخورد کسی خر آورده باشد

ایشان آنها رها کرده انشاء الله تعالی همانلحظه شفا یابد و این مجرب است و ابن فضل بلعنه هنک مسترکهند بجهت

قلب جان خانه دوام یافت شده که نوشته بود با بعضا آنمودم موافق آمده مارکرنیده شفا یافته و مجرب است

بینی و بینی تو کرها لی بکلسی پای چرپانی دیم کردسا سئل ذو النون بن ابراهیم المصری رحمه الله عن

اسماء ام موسی ۳ فقال الروایات مختلفة فی کثرة والاغنی عندنا بالتجربة اذا اردت استعمالها تصوم سبعة ایام

ولا تکلم احدا وتتصدق کل یوم علی ثلثة مساکین وتبخر مسجدك کل یوم بکرة وعشیة باللبان والعود وتتلو الاسماء

بانتهی کل صلوة سبع مرات فاذا تم ذلك فتقراه فی نفسك سرا ولا تدع بدا علی قفل ولا سلسلة ولا غل الا فتح

للناس من طرفة عین انشاء الله تعالی وهی هذا بسم الله الرحمن الرحیم اللهم رب هلبا بنت رغبا الموصة الصدیقة

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 اتم سوعوه یا الله العزیز الکبیر المتعال المتکبر المهیمن العظیم الذی نفتح به الاطباق و اسنادوه به الافاق و نحت به الاقامات تفتح هذا القفل او هذا الغل وان تستا فتح قلب فلان لمحبة فلان نا بع عظیمه هرکه این شکل را در شهر آفتاب بکار برد و با خود دارد از شر ظالمان و بدکاران ایمن باشد و در رزق بر وی گشاده کردد و در میان خلق با عزت و حرمت باشد مربع این است

یا حفیظ یا مانع یا رقیب یا صمد طه انت انت	حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش یا حبیب انت	الهی انت الملک القدیر الجبار الجلیل الرفیع العلی الکبیر المتعال	ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا وانصرنا یا نصیر یا فتاح یا غفور یا ودود
الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم له	ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه	یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء	وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم یا حمید
لا اله الا الله الم ص المر کهیعص طه طس طسم یس ص حم حمعسق ق ن ا ا ا ا یا الله ا ح و م ان یا جمیل یا رؤف یا مؤمن یا منیم یا حلیم یا علیم انت انت	یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا جواد یا حکیم و یا وهاب یا فرد و یا حی یا رؤف یا لطیف انت انت	هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم طه الم المص طس یا حمید یا مجید انت انت	بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا جمیل
الله لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز یا غنی یا مغنی یا وکیل یا رازق یا باسط یا جواد انت انت	سوطه الم یا شدید یا ذا القوة المتین یا قادر یا قهار	لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین الله الله ربی لا اشرک له شیئا یا کاشف یا معین یا بدیع	الم الله لا اله الا هو الحی القیوم یا مالک الملک یا ذو الجلال والاکرام

نظم کاوه آن در دو رفش و انشت بکرد خاک در چشم دوات ضحاک بد از این علم یافت کیخسرو بخشش آورد دست و رفتران رستم این برد و این نصرت لبست خصم خود را فکند اندر خاک نسخه زین گرفت افلاطون شد معانیش کشف نیست ادراک ملک اندر این تواند زد خیمه عز و جاه بر افلاک هست توحید باز با انجیل باز بود شرح فرآن پاک اندرین شکل اندرین جدول نتوان دید یکسیک بی باک هر که او علم این حروف شناخت لعبت قهم شد ندارد باک دوستان تو با دو خرم و شاد دشمنان تو با دو جمله هلاک دوستانرا همه کند خرم دشمنانرا کند جمیع هلاک فاسبک نظم صفر و سه الف کشیده مد بر سر میم کور کوثر و زوج باز برد پس چار النعصاء واو عدم کز این است یقین اسم خدا اکبر ه ااا ح ||| ع ااا ع ق

نظم خمس هاآت و خط فوق خط وصلیب جعلها ابیع نقط ثم همزات اذا اعددتها وهی سبع لم تجد فیها غلط ثم ها ثم واو بعدها ثم ص ثم میم فی الوسط تمت آخر ان تحتک حرف نحتک شکلها شکل النقط هذا صورته

ههه ههه بلا وعععععع و هه ص م باب در کیفیت اخذ فواید از اسم بزرگوار الله و اسم اعظم است علی التحقیق از بعضی از اکابر منقول است که یکی از طالبان صادق الاخلاص را گفت که مجموع کتب سماوی

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

تا چیزی بغایت مفید که مداومت بدان تا به درجه رساند که فوق آن متصور نباشد آن طالب تواضع تمام نموده ۱۵۵
آن بزرگ فرموده که الله الله میگوئی چنانکه در یک نفس مکرر تکرار نگوئی و هرچند زیاده گوئی بهتر لیکن
و باید که الله بشرط اظهار همزه گوئی و سکون ها و غیر از آن لفظی بر زبان نیاری و چیزی دیگر در دل نگذرانی
و با هیچ یک سخن نگوئی الحق هر که بعد از نماز صبح صد و نود و دو نوبت بخواند خداوند عالم او را علم
و اوان دوری گرداند و در آن باب فهم خاصی دهد که هیچ حق را از باطل جدا کند و هر که را چیزی
گم شده باشد بر چهار گوشه کاغذ مربع این اسم شریف و در نیم شب بدست گرفته روی بآسمان کند
و ساعتی نگهدارد و در آن اثنا صد و نود بار بخواند آن گم شده در یافت میشود

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ - لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْجَلِیلُ الْجَبَّارُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَزِیزُ الْغَفَّارُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْکَرِیمُ السَّتَّارُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْکَبِیرُ الْمُتَعَالُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا رَبًّا وَشَاهِدًا
اَحَدًا صَمَدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ
لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا رَبًّا وَشَاهِدًا اَحَدًا صَمَدًا وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا رَبًّا وَشَاهِدًا
اَحَدًا صَمَدًا وَنَحْنُ لَهُ قَانِتُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ
لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا رَبًّا وَشَاهِدًا اَحَدًا صَمَدًا وَنَحْنُ لَهُ صَابِرُونَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ
اللّٰهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَاِلَیْکَ فَوَّضْتُ اَمْرِی
وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ روایت است که حضرت رسول صلعم
فرمودند هر کس هر وقت این دعا را بخواند چنان باشد که ۳۶ حج
کرده باشد و ۳۶ ختم قرآن کرده باشد و ۳۶ بنده آزاد کرده
باشد و ۳۶ دینار صدقه داده باشد و ۳۶ ... و همچنین دراز عمر

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 آزاد کرده باشد چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله السلام را فرمود
جبرئیل نازل شد و گفت یا رسول الله هر بنده از بندگان خدا و هر امتی از امتان
تو اسم اعظم را در عمر خود یکبار بخواند یا محمد به عزت و جلال خودم قسم او را هفت چیز
بدهم اول فقر و درویشی را از وی بردارم دوم از سؤال نکیرین ایمن گردانم سوم از صراط
المحیط هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید که دل و چشم و زبان و
دست خود را از جمله مناهی و خطایا نگاه دارد تا حضرت حفیظ او را از بلیات
محفوظ دارد و شیخ معروف کرخی هر که خواهد از غرق شدن در آب و سوختن آتش
و شر اشرار ایمن بود این اسم را بنویسد و تعویذ سازد و بر بازو بندد از نکبات
ایمن بود و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعد این اسم ۱۱۶۸ بار
مکرر در روز جمعه بعد از نماز بنویسد بخط باریک و طومار کند و بر بازو بندد
از وسوسه شیطان و خوف سلطان و بیم سباع و مار و عقرب و خیالات فاسد
امان حقتعالی برده باشد ۴ بگذرد چهارم از مرگ مفاجات نگاه دارم پنجم
دوزخ بر وی حرام گردانم ششم از تنگی قبر نگهدارم هفتم از ستم ظالم حفظ نمایم

ظ	ی	ف	ع
ف	ح	ظ	ی
خ	ف	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف

صحیح این است

۲۳۶۸	۲۳۷۱	۲۳۷۵	۲۳۶۱
۲۳۱۳	۲۳۶۲	۲۳۶۷	۲۳۷۳
۲۳۶۰		۲۳۶۹	۲۳۶۶
۲۳۷۰	۲۳۶۵	۲۳۶۴	۲۳۷۵

۲۳۷۶

۲۴۸	۲۵۷	۲۶۶		۲۳۷
۲۶۳	۲۳۰	۲۴۵	۲۶۰	
۲۳۳	۲۷۲	۲۵۱	۲۴۲	
۲۵۴	۲۳۹	۲۳۶	۲۶۹	

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الرَّحْمٰنِ الدَّيَّانِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْوَلِيِّ الْوَالِي لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْغَفُورِ الْوَدُودِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الْقَرِيبِ الْمُجِيبِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْوَكِيلِ الْكَفِيلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الصَّمَدِ الْمَعْبُودِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الرَّقِيبِ الْحَفِيظِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْمُمِيتِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الْحَيِّ الْقَيُّومِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الْجَوَادِ الْأَعْظَمِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمِنِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْحَبِيبِ الشَّهِيدِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الْأَوَّلِ الْقَدِيمِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْقَاضِي الْكَبِيرِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ
الْفَتَّاحِ الْعَلِيمِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللّٰهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي أَعْدَائِي كَمَا سَخَّرْتَ الرِّيحَ لِسُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
وَذَلِّلْهُمْ لِي كَمَا ذَلَّلْتَ فِرْعَوْنَ لِمُوسٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَيِّنْ قُلُوبَهُمْ كَمَا
لَيَّنْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَهِّرْهُمْ لِي كَمَا قَهَّرْتَ أَبَا جَهْلٍ
لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِحَقِّ كهيعص وَبِحَقِّ حمعسق صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ
لَا يُبْصِرُونَ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ فَ
سَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ جهت تسخیر اعداء و ارباب بدی
با نیت خالص و حضور دل ... در ... باحسن ... الهی علامت عطاء

www.FMR.ir

١٥٨ تفسير المتشابه [من القرآن] سألوا رسول الله صلى الله عليه وآله عن المتشابه من القرآن فقال إنما المتشابه من القرآن فهو الذي
انحرف منه متفق اللفظ مختلف المعنى مثل قوله عز وجل يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء فنسب الضلال إلى نفسه في هذا الموضع وهذا
ضلالهم عن طريق الجنة بفعلهم ونسبه إلى الكفار في موضع آخر ونسبه إلى الأصنام في آية أخرى فمعنى الضلالة على وجوه فمنه ما هو محمود ومنه ما هو مذموم ومنه ما ليس بمحمود ولا
مذموم ومنه ضلال النسيان فالضلال المحمود هو المنسوب إلى الله تعالى وقد بيناه والمذموم هو قوله وأضل فرعون قومه وما هدى وقوله تعالى وأضلهم السامري ومثل ذلك
في القرآن كثير وأما الضلال المنسوب إلى الأصنام فقوله تعالى في قصة إبراهيم عليه السلام واجنبني وبني أن نعبد الأصنام رب إنهن أضللن كثيرا من الناس الآية
والأصنام لم تضل أحدا في الحقيقة وإنما ضل الناس بها وكفروا حين عبدوها من دون الله عز وجل وأما الضلال الذي هو النسيان فهو قوله تعالى واستشهدوا
شهيدين من رجالكم فإن لم يكونا رجلين فرجل وامرأتان ممن ترضون من الشهداء أن تضل إحداهما فتذكر إحداهما الأخرى وقد ذكر الله تعالى الضلال في مواضع
من كتابه فمنه ما نسبه إلى نبيه على ظاهر اللفظ كقوله سبحانه ووجدك ضالا فهدى معناه وجدناك في قوم لا يعرفون نبوتك فهديناهم بك وأما الضلال
المنسوب إلى الله تعالى الذي هو ضد الهدى والهدى هو البيان وهو معنى قوله سبحانه أولم يهد لهم معناه ألم أبين لهم مثل قوله سبحانه فهديناهم فاستحبوا العمى على الهدى
أي بينا لهم وهو قوله تعالى وما كان الله ليضل قوما بعد إذ هداهم حتى يبين لهم ما يتقون وأما معنى الهدى فقوله عز وجل إنما أنت منذر ولكل قوم هاد

ومعنى الهادي ههنا المبين لما جاء به المنذر من عند الله وقد احتج قوم من المنافقين على الله تعالى أن الله لا
يستحيي أن يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها وذلك أن الله تعالى لما أنزل على نبيه صلى الله عليه وآله ولكل قوم هاد فقال طائفة
من المنافقين ماذا أراد الله بهذا مثلا يضل به كثيرا فأجابهم الله تعالى بقوله إن الله لا يستحيي أن يضرب
مثلا ما بعوضة فما فوقها فأما الذين آمنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم وأما الذين كفروا فيقولون ماذا أراد الله بهذا مثلا
يضل به كثيرا ويهدي به كثيرا وما يضل به إلا الفاسقين إلى قوله أولئك هم الخاسرون فهذا معنى الضلال المنسوب
إلى الله تعالى لأنه أقام لهم الإمام الهادي لما جاء به المنذر فخالفوه وصدفوا عنه بعد أن أقروا بفرض طاعته
ولما بين لهم ما يأخذون وما يذرون فخالفوه ضلوا هذا مع علمهم بما قاله النبي صلى الله عليه وآله وهو قوله لا تصلوا علي
صلاة مبتورة إذا صليتم علي بل صلوا إلى أهل بيتي ولا تقطعوهم مني فإن كل سبب ونسب منقطع يوم القيامة إلا
سببي ونسبي فلما خالفوا الله تعالى ضلوا وأضلوا فحذر الله تعالى الأمة من اتباعهم وقال سبحانه ولا تتبعوا
أهواء قوم قد ضلوا من قبل وأضلوا كثيرا وضلوا عن سواء السبيل والسبيل ههنا الوصي وقال سبحانه ولا
تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله ذلكم وصاكم به لعلكم تتقون فخالفوا ما وصاهم به الله تعالى واتبعوا
أهواءهم فحرفوا دين الله جلت عظمته وشرائعه وبدلوا فرائضه وأحكامه وجميع ما أمروا به كما عدلوا عمن
أمروا بطاعته وأخذ عليهم العهد بموالاته واضطرهم ذلك إلى استعمال الرأي والقياس فزادهم ذلك حيرة والتباسا
ومنه قوله سبحانه وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا أراد الله بهذا مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء

www.FMEHR.com
www.FMR.ir

www.FMEHR.com

فكان تركهم اتباع الدليل الذي اقام الله لهم ضلالة لهم فصار ذلك كأنه منسوب اليه تعالى لما خالفوا امره في
اتباع الامام ثم افترقوا واختلفوا ولعن بعضهم بعضا واستحل بعضهم دماء بعض فماذا بعد الحق الا الضلال
فانى يؤفكون ولما اردت قتل الخوارج بعد ان ارسلت اليهم ابن عباس لاقامة الحجة عليهم قلت يا معشر
الخلائق انشدكم الله الستم تعلمون ان في القرآن ناسخا ومنسوخا ومحكما ومتشابها وخاصا وعاما
قالوا اللهم نعم فقلت اللهم اشهد عليهم ثم قلت انشدكم الله هل تعلمون ناسخ القرآن ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه
وخاصه وعامه قالوا اللهم لا قلت فانشدكم الله هل تعلمون اني اعلم ناسخه ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه
وخاصه وعامه قالوا اللهم نعم فقلت من اضل منكم اذ قد اقررتم بذلك ثم قلت اللهم انك تعلم اني
قد حكمت فيهم بما اعلمه ثم قال ع واوصاني رسول الله ص فقال يا علي ان وجدت فئة تقاتل بهم فاطلب
حقك والا فالزم بيتك فاني قد اخذت لك العهد يوم غدير خم بانك خليفتي ووصيي واولى الناس بالناس
من بعدي فمثلك كمثل بيت الله الحرام يأتيه الناس ولا تأتيهم يا ابا الحسن حقيق على الله ان يدخل اهل الضلال
الجنة وانما عنى بهذا المؤمنين الذين قاموا في زمن الفتنة على الايتمام بالامام الخفي المكان المستور عن الا
عيان فهم بامامته مقرون وبعروته مستمسكون ولخروجه منتظرون موقنون غير شاكين صابرون
مسلمون وانما ضلوا عن مكان امامهم وعن معرفة شخصه يدل على ذلك ان الله تعالى اذا حجب عن عباده
عين الشمس التي جعلها دليلا على اوقات الصلوة فموسع عليهم تأخير الوقت ليتبين لهم الوقت بظهورها ويستيقنوا
انها قد زالت وكذلك المنتظر لخروج الامام عليه السلام المتمسك بامامته موسع عليه جميع فرائض الله الواجبة
عليه مقبولة منه بحدودها غير خارج عن معنى ما فرض عليه فهو صابر محتسب لا تضره غيبة امامه فمنه خلق الا
ختراع فقوله سبحانه خلق السموات والارض في ستة ايام واما خلق الاستحالة فقوله تعالى يخلقكم في بطون امهاتكم
خلقا من بعد خلق في ظلمات ثلاث وقوله تعالى هو الذي خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة
مخلقة وغير مخلقة لنبين لكم ونقر في الارحام ما نشاء الى اجل مسمى واما خلق التقدير فقوله لعيسى عليه السلام
واذ تخلق من الطين كهيئة الطير الاية واما خلق التغيير فقوله تعالى ولامرنهم فليغيرن خلق الله وسألوه عليه السلام
عن المتشابه في تفسير الفتنة فقال الم احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا وهم لا يفتنون اي لا يختبرون و
قوله لموسى ع وفتناك فتونا ومنه فتنة الكفر وهو قوله تعالى لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لك
الامور حتى جاء الحق وظهر امر الله وهم كارهون وقوله تعالى والفتنة اكبر من القتل يعني ههنا الكفر وقوله
سبحانه في الذين استأذنوا رسول الله صلى الله عليه وآله في غزاة تبوك ان يتخلفوا عنه من المنافقين فقال تعالى

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

١٦٠ فيهم ومنهم من يقول ائذن لي ولا تفتني الا في الفتنة سقطوا يعني ائذن لي ولا تكفرني فقال عز وجل الا في الفتنة سقطوا وان جهنم
لمحيطة بالكافرين ومنه فتنة العذاب فهو قوله تعالى يوم هم على النار يفتنون اي يعذبون ذوقوا فتنتكم هذا الذي كنتم به تستعجلون
اي ذوقوا عذابكم ومنه قوله تعالى ان الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا اي عذبوا المؤمنين ومنه فتنة المحبة للمال والولد
كقوله تعالى انما اموالكم واولادكم فتنة اي انما حبكم لها فتنة لكم ومنه فتنة المرض وهو قوله سبحانه اولا يرون انهم يفتنون
في كل عام مرة او مرتين ثم لا يتوبون ولا هم يذكرون اي يمرضون ويعتلون وسالوه صلوات الله عليه وآله عن المتشابه في القضا
فقال هو عشرة اوجه مختلفة المعنى فمنه قضا فراغ ومنه قضا عهد ومنه قضا اعلام ومنه قضا فعل ومنه قضاء
ايجاب ومنه قضا كتاب ومنه قضا اتمام ومنه قضا حكم وفصل ومنه قضا خلق ومنه قضا نزول الموت فاما
تفسير قضا الفراغ من الشيء فهو قوله تعالى واذ صرفنا اليك نفرا من الجن يستمعون القرآن فلما حضروه قالوا انصتوا فلما
قضي ولوا الى قومهم منذرين معنى فلما قضي اي لما فرغ وكقوله فاذا قضيتم مناسككم فاذكروا الله واما قضا العهد فقوله تعالى
وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه اي عهد ومثله في سورة القصص وما كنت بجانب الغربي اذ قضينا الى موسى الامر اي عهدنا
اليه واما قضا الاعلام فهو قوله تعالى وقضينا اليه ذلك الامر ان دابر هؤلاء مقطوع مصبحين وقوله سبحانه وقضينا
الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن في الارض مرتين اي اعلمناهم في التورية ما هم عاملون واما قضا الفعل فقوله تعالى في سورة
طه فاقض ما انت قاض اي افعل ما انت فاعل ومنه في سورة الانفال ليقضي الله امرا كان مفعولا اي يفعل ما كان في علمه السابق
ومثل هذا في القرآن كثير ومنه قضا الايجاب للعذاب كقوله تعالى في سورة ابراهيم وقال الشيطان لما قضي الامر اي لما وجب
العذاب ومثله في سورة يوسف قضي الامر الذي فيه تستفتيان معناه اي وجب الامر الذي عنه تسالان واما قضا الكتاب والحتم
فقوله تعالى في قصة مريم وكان امرا مقضيا اي معلوما واما قضا الاتمام فقوله تعالى في سورة القصص فلما قضى موسى الاجل اي فلما اتم
شرطه الذي شارطه عليه وكقول موسى عليه السلام ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي معناه اذا اتممت واما قضا الحكم
فقوله تعالى وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين اي حكم بينهم وقوله تعالى والله يقضي بينهم بالحق والذين يدعون من دونه
لا يقضون بشيء ان الله هو السميع العليم وقوله سبحانه والله يقضي بالحق وهو خير الفاصلين وقوله تعالى في سورة يونس وقضي بينهم
بالقسط واما قضا الخلق فقوله سبحانه فقضيهن سبع سموات في يومين اي خلقهن واما قضا انزال الموت فكقوله اهل النار
في سورة الزخرف وقالوا يا مالك ليقض علينا ربك قال انكم ماكثون اي لينزل علينا الموت ومثله لا يقضى عليهم فيموتوا
ولا يخفف عنهم من عذابها اي لا ينزل عليهم الموت فيستريحوا ومثله في قصة سليمان بن داود عم فلما قضينا عليه الموت
ما دلهم على موته الا دابة الارض تاكل منساته يعني تعالى لما انزلنا عليه الموت وسالوه عم عن اقسام النور في القرآن قال النور
القرآن والنور اسم من اسماء الله تعالى والنور التورية والنور القمر والنور ضوء المؤمن وهو الموالاة التي تلبس بها نورا يوم القيمة

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

والنور في مواضع من التورية والانجيل والقرآن حجة الله عز وجل على عباده وهو المعصوم ولما كلم الله تعالى ابن عمران ع اخبر بني اسرائيل ١٦١

فلم يصدقوه فقال لهم وما الذي يصحح ذلك عندكم قالوا اما عدد قال فاختاروا سبعين رجلا من خياركم فلما خرج بهم وقفهم وتقدم

فجعل يناجي ربه سبحانه ويعظمه فلما كلمه قال لهم اسمعتم قالوا بلى ولكنا لا ندري اهو كلام الله ام لا فليظهر لنا حتى نراه فشهد لك

عند بني اسرائيل فلما قالوا ذلك صعقوا فماتوا فلما افاق موسى مما غشيه وراهم جميعا وظن انهم انما هلكوا بذنب بني اسرائيل فقال

يا رب اصحابي واخاف ان تسخطهم والتوابع وعرفتهم وعرفونا انهلكنا بما فعل السفهاء منا ان هي الا فتنتك تضل بها من تشاء

وتهدي من تشاء انت ولينا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين فقال تعالى عذابي اصيب به من اشاء ورحمتي وسعت كل شيء

الى قوله سبحانه النبي الامي الذي يجدونه مكتوبا عندهم في التورية والانجيل يامرهم بالمعروف وينهاهم عن المنكر ويحل لهم الطيبات

ويحرم عليهم الخبائث ويضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم فالذين امنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذي

انزل معه اولئك هم المفلحون فالنور في هذا الموضع هو القرآن ومثله في سورة التغابن قوله تعالى فامنوا بالله ورسوله والنور الذي

انزلنا يعني سبحانه القرآن وجميع الاوصياء المعصومين حملة كتاب الله عز وجل وخزنته وتراجمته الذين نعتهم الله في كتابه فقال

وما يعلم تاويله الا الله والراسخون في العلم يقولون امنا به كل من عند ربنا فهم المنعوتون الذين انار الله سبحانه بهم البلاد وهدى

بهم العباد قال الله في سورة النور الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري

الاية والمشكوة رسول الله ص والمصباح الوصي والاوصياء والزجاجة فاطمة والشجرة المباركة رسول الله ص والكوكب الدري

القائم المنتظر الذي يملأ الارض عدلا ثم قال تعالى يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار اي يكاد ينطق به ناطق ثم قال تعالى نور على نور

يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم ثم قال في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح

له فيها بالغدو والاصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة وهم الاوصياء قال الله تعالى في سورة

الانعام في ذكر التورية والقرآن قل من انزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس وقال الله تعالى في سورة يونس هو الذي

جعل الشمس ضياء والقمر نورا ومثله في سورة نوح قوله تعالى وجعل القمر فيهن نورا وقال سبحانه الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور

يعني الليل والنهار وقال سبحانه في سورة البقرة الله ولي الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور يعني من ظلمة الكفر الى نور الايمان فالايمان ههنا نور ومثله

في سورة ابراهيم لتخرج الناس من الظلمات الى النور وقال عز وجل في سورة براءة يريدون ان يطفئوا نور الله بافواههم يعني نور الاسلام بكفرهم وجحودهم وقال سبحانه

في سورة النساء وانزلنا اليكم نورا مبينا يهدي الله لنوره من يشاء وقال سبحانه في سورة الحديد في ذكر المؤمنين يسعى نورهم بين ايديهم وبايمانهم

بشريكم اليوم جنات تجري من تحتها الانهار وفيها انظرونا نقتبس من نوركم اي نستضيء بضوئكم ومثل هذا في القرآن كثير وسالوه ع عن اقسام الامة في كتاب الله تعالى

فقال قوله تعالى كان الناس امة واحدة اي على مذهب واحد في الجاهلية فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين ومنها الامة الوقت كقوله سبحانه

وتعالى في سورة يوسف وقال الذي نجا منهما وادكر بعد امة اي بعد وقت وقوله سبحانه ولئن اخرنا عنهم العذاب الى امة معدودة اي الى وقت معلوم والامة

[illegible] من الناس يسقون والامة [illegible] من المؤمنين [illegible] تعالى ان ابراهيم كان امة والامة [illegible]

[illegible]

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

۱۶۲ در کتاب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام آیة الله زاده مرعشی نجفی نوشته شده ابن المغازلی شافعی داستان خوبی نوشته ابوالحسن علی فرزند محمد فرزند شرفیه گفت قاضی عدل جمال الدین لعنت الله فرزند علی فرزند احمد فرزند عطار در روز جمعه نیمه ذیقعده سنه ۵۸۰ ه‍ در شهر واسط در دو دقیقین در سفارش من حضور پیدا کردند و نیز امیر اشرف الدین ابوشجاع فرزند عنبری شاعر نزد ما حاضر شد شرف الدین از قاضی جمال الدین خواست که مناقب و فضائل مولای متقیان را باز بخواند - سپس از روی دو نسخه ای که با خط خودم در مساجد ام در آن روز بود بخواندن شروع کرد که جمعیتی بدور شان گرد آمدند که ناگاه ابونصر قاضی عراق و ابوعباس فرزند نقیه از آنجا عبور کردند و آنها بعدالت مشهور بودند پس ایستادند و خواندن مناقب را بر او انکار کردند و غوغائی بپا نمودند و ابونصر قاضی عراق در مسخره و استهزاء بر روی زیاده روی کرده و در ضمن گفتارش با طریق استهزاء گفت ای در خرده قاضی جمعه بعد از نماز برای ما بر بالای منبر وظیفه ای معین کن تا مقداری از این مناقب را در مسجد جامع بشنوم قاضی لعنت الله فرزند عطار گفت شما تا بلیت او را ندارید شما بدون خطیب حاضر شده گفتند علی علیه السلام سوره از کتاب خدا را حفظ نکرده است و همانکه مناقب مشتمل بر این اهمیت که در میان صحابه قاری تر از علی بن ابی طالب علیه السلام وجود ندارد شما اهل این حرفها نیستید لیکن آن دو نفر غوغاء و مسخره بیشتر نمودند قاضی لعنت الله از حوصله در آمد و مضطرب شد و در حضور جمعیتی که در آنجا ایستاده بودند گفت پروردگارا اگر برای اهل بیت پیامبرت در پیشگاه تو عزت و حرمتی هست خانه او را بر زمین فرو بر و عقوبت او را بزودی برسان شب جمع نمود و در بامداد روز شنبه ششم ذیقعده از سال ۵۸۰ ه‍ خداوند خانه اش را فرو برد خانه و جمیع ساختمانی که بالای دجله بود بدجله افتاد و تمام دارائی و اموال و اثاث و بار و هیز شد و این منقبت از شگفت انگیزترین چیزهائی است که امروز از مناقب آل محمد علیهم السلام مشاهده شده است نقل از کتاب اسرار آل محمد ع صفحه ۲۵۲

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

تأمل حديث المقام الم في المعنى عن الف دق م الم هو حرف من حروف اسم الله الاعظم المقطع ١٦٢
في القرآن الذي يعلمه النبي او الامام فهذا دعا به حبيب اقول وتحقيق الحق في ذلك يتوقف على
بيان مقدمات الاولى منها ما احتج قال السلطان العارف الشيخ محي الدين الوحد في الفتوحات
المكية الوجه مطلق من غير تقييد متعين المكشف وهو الحق تعالى والمكلفين وهم سائر الامم والحروف حاجبة
لكن اردنا ان نبين مقام المكشف من هذه الحروف والمكلفين من وجه دقيق حقيقي لا يتبدل عنه اهل الكشف
او اعتبروا علمه وهو مستخرج من البسائط التي عنها تركب هذه الحروف التي تسمى حروف المعجم لانها اعجمت على
الناظر فيها معناها ولما وقفنا على بسائط الحروف وجدناها على اربع مراتب حروف مرتبتها سبعة افلاك وهي
الالف والراء والدال واللام وحروف مرتبتها ثمانية افلاك وهي النون والقاف والضاد وحروف
مرتبتها تسعة افلاك وهي العين والغين والسين والشين وحروف مرتبتها عشرة افلاك وهي
بقي الحروف المعجمة وهي ثمانية عشر حرفا فكل حرف يتركب على عشرة فما ان كل حرف من تلك
الحروف منها ما هو على تسعة افلاك ومنها على ثمانية ومنها على سبعة لا غير كما ذكرنا فعدد الافلاك التي
صدرت عنها هذه الحروف وهي البسائط التي ذكرناها ستة وستون فلكا واما المرتبة السبعية
في الراء والدال واللام منها ومن الالف فطبعها الحرارة واليبوسة واما الالف فطبعها الحرارة
والرطوبة واليبوسة والبرودة ترجع الحرارة مع الرطوبة ومع البرودة ومع اليبس
باليبوسة على حسب ما تجاوره من العوالم واما مرتبة الثمانية فحروفها حارة يابسة . المرتبة التسعة
في العين والغين منها طبعها البرودة واليبوسة واما السين والشين فطبعها الحرارة واليبوسة
واما المرتبة العشرية فحروفها حارة يابسة الا الهاء والياء فانهما باردتان يابستان والدال
والهاء والهمزة فانهما باردتان رطبتان فعدد ما منها فلك التي عن حركاتها توجد الحرارة
مئة فلك وثلاثة افلاك وعن الافلاك التي عن حركاتها توجد اليبوسة مائة فلك وهو

واربعون

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

١٦٤ واربعون فلكا وعدد الافلاك التي عن حركاتها توجد البرودة خمسة وستون فلكا وعدد
الافلاك التي توجد عن حركاتها الرطوبة سبعة وعشرون فلكا مع التوالج والتداخل التي فيها
على حسب ما ذكرناه آنفا فسبعة افلاك توجد عن حركتها العناصر الاول الاربعة ومنها توجد
حروف الالف خاصة ومائة وتسعة وتسعون فلكا توجد عن حركتها الحرارة واليبوسة خاصة لا توجد
عنها غيرها البتة وعن هذه الافلاك توجد حروف الباء والجيم والدال والواو والزاء
والطاء والياء والكاف واللام والميم والنون والصاد والفاء والراء والسين والتاء
والثاء والظاء والشين وثمانية وثلاثون فلكا توجد عن حركتها البرودة واليبوسة خاصة
وعن هذه الافلاك توجد حروف العين والحاء والغين والخاء واثنان وعشرون فلكا توجد عن حركتها البرودة
والرطوبة خاصة وعن هذه الافلاك توجد حروف الهاء والهمزة واما اللام الف فمتزج
عن السبعة والمائة والستة والتسعين اذا كان مثل قوله تعالى لا يمسهم السوء ولا هم
يحزنون فاذا كان مثل قوله تعالى لانتم اشد رهبة فهو متزاوج من المائة والستة والتسعين
ومن العشرين وليس في العالم فلك توجد عنه الحرارة والرطوبة خاصة دون غيرها ولو نظرت
في طبع الهواء عرفت على الكمال التي منعت ان يكون له فلك مخصوص كما انه ما ثم فلك يوجد عنه
واحد من هذه العناصر الاول على انفراده فالماء والهواء فيدور بها الفلك الرابع ويقطع الفلك
الاقصى في احد عشر الف سنة وباقي الحروف يدور بها الفلك ويقطع الفلك الاقصى في
اثني عشر الف سنة وهي على منازل في الفلك منها ما هو على سطح الفلك ومنها ما هو في
مقعر الفلك ومنها ما هو بينهما ولولا التطويل لبينا من ذلك حقائق ولكن سننظر في ذلك
ما يشفي في الباب الستين من ابواب هذا الكتاب بعد كلامنا في معرفة العناصر وسلطان
العالم السفلي وفي اي دورة كان وجود هذا العالم الذي نحن فيه الآن من دورات الفلك

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

الأقص وأين روحانية نظرنا فلنقبض العنان حتى نصل موضعه ان شاء الله تعالى فلنرجع ونقول
أن المرتبة السبعية التي لها الزاي والألف واللام صفتها حظ الحضرات الالهية المكتنفة
من حروف المعجم وان المرتبة الثمانية التي هي النون والصاد والضاد صفتها حظ
الانسان من عالم الحروف وان المرتبة العشرية وهي المرتبة الثالثة من المراتب الاربعة
التي هي في الحروف صفتها حظ الملائكة من عالم الحروف وانما صفت هذه الموجودات الاربعة
لهذه الأربع المراتب من الحروف على هذا التقسيم لحقايق عسيرة المدرك يحتاج ذكرها وبيانها
الى ديوان بعينه ولكن قد ذكرناه حتى يحتمه في كتاب المبادي والغايات لما يحوي عليه حروف
المعجم من العجايب والآيات وهو بين ايدي ما كملناه وما قيد منه الأوراق متفرقة يسيرة ولكن
سـ ذكره منه في هذا الكتاب لمحة بدقايق ان شاء الله تعالى خصصت الابالسة للجن ان لحقتهم عليها
وهي التي اذنهم لقولهم فيما اخبر الحق قال عنهم ثم لآتينهم من بين ايديهم ومن خلفهم وعن
ايمانهم وعن شمائلهم وفرغت حقايقهم ولم يبق لهم حقيقة خامسة يطلبون بها مرتبة
زايدة ولا يعتقد ان يكون لهم العلو وما يقابله من الحقيقة تاما وذلك على ما قررناه في
كتاب المبادي والغايات فيما يحوي عليه حروف المعجم من العجايب والآيات فهو بين ايدينا
وبينه فلم احصوا ان العين والغين والسين والشين من غيرها من الحروف المتشابهة
التي من هذه الحروف وبينهم وانهم محجوبون عن الافلاك التي عنها وجدت هذه الحروف
وحصلت للحضرة الالهية من هذه الحروف ثلاث حقايق هي عليها ايضا وهي الذات والصفة
والحقيقة الرابطة بين الذات والصفة وهي القول لان الصفة لها تعلق بالموصوف
بها وبمتعلقها الحقيقي لها كالعلم يرتبط بنفسه بالعالم وبالمعلوم والارادة ترتبط
بنفسها بالمريد بها والمراد لها والقدرة ترتبط بنفسها بالقادر بها والمقدور

لها

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

١٦٦ الهاء وكذلك جميع الحروف ترتبط بعضها بالمزيد بها وبالمراد والاسماء وكانت الحروف
التي اختصت بها الالف والزاي واللام تدل على معنى القدم وهو قولك ازل لبساطة هذه الحروف
ووحدة فهذا اعجب الحقائق لمن وقف عليها فانه تنزه فيها بحكمة الخبير وتصنيف صدور بسم ربه وقد
تكلفت بعض في المناسبة اي بمعنى بين هذه الحروف وبين الحضرة الالهية في الكتاب المذكور
وكذلك حصل للحضرة التي تنتج من الحروف ثلاثة ايضا كما حصل للحضرة الالهية
غير انها حرف النون والقاف والضاد فعرفت الحضرات الالهية من جهة موادها فان
العبودية لا تشرك الربوبية في الحقائق التي تكون بها الها كما ان بحقائقها تكون العبد
ما لو شاء فلو وقع الاشتراك في الحقائق لكان الها وعبدا او عبدا واحدا وهذا لا يصح ابدا
فلا بد ان تكون الحقائق متباينة ولهذا ما يتوهم بعضهم كما ينبغي لكن دونهم ولم يعتني بهم
يعلم كما ينبغي يعلمهم فان ملك العلم واحد قديما في القديم محدثا في المحدث واجتمعت الحضرة
في ان كل واحد منهما معقولة من ثلاث حقائق ذات وصفة وحقيقة رابطة بين الصفة
والموصوف غير ان العبد له ثلاثة احوال حالة مع نفسه ومع غيره وهو الوقت الذي تكون فيه
نائم العقل عن كل شيء وحالة مع الله وحالة مع العالم والباري تعالى بين ان فانه وصفين
وصف من الله ووصف من اجل خلقه وليس فوقه موجود فيكون تعالى له وصف يتعلق به فهذا
بحر آخر ان خضت فيه لم تبلغ الور لا يطاق ساحله وقد ذكرنا المناسبة بين النون والقاف والضاد
والالف والدال التي لها شان ودين الاذان والاقدم التي للحضرة الالهية في كتاب المبادي والغايات
وان كانت حروف الحضرات الالهية على سبعة افلاك والاخرى ثمانية افلاك فان
هذا لا يقدح في المناسبة لبنية الافلاك [illegible] ثم انه في بعض النون المحسوسة التي هي نقطة
الفلك من العجائب للعقلاء [illegible] الذي شدد عليه سر وتحقق بروح الموت الذي

www.FMR.ir

لا يتصور ممن قام به عتراض ولا يتقطع وكذلك في نفس نقطة النون اول دلالة النون الروحانية المعقولة ١٦٧
فوق شكل النون النصف الذي هو النصف من الدائرة والنقطة الموصولة بالنون المحسوسة الموضوعة اول الشكل
التي هي مركز الالف المعقولة التي بها قطر الدائرة والنقطة الاخيرة التي ينقطع عندها شكل النون هي رأس الالف
المعقولة فيتقدر في مها من بعد ما قد فرقنا تحركت على النون فيجيء منها شكل لام معروف والنون شبه الزاي و
الالف المذكورة فتكون النون كما هي تعطيك الازل الذي ذكرنا عطفك الالف والزاي واللام في الحق
عين انه في الحق ظاهر لانه بذاته ازلي لا اول له ولا مفتتح لوجوده في ذاته بلا ريب والالف لا صغر فيه
الازل الا ان الازل ليس ظاهرا في ذاته وانما صح فيه الازل لوجه ما من وجوه وجوده فان الوجود
يطلق عليه الوجود في اربع مراتب وجود في الذهن ووجود في العين ووجود في اللفظ ووجود في الرقم
سنبينه في ذكر هذا في الكتاب انشاء الله تعالى في الحق جهة وجوده عين صورته التي وجد عليها في عينه في
العلم القديم الازلي فهو موجود اذ لا عناية العلم المتعلق به كالتميز للعرض بسبقيته من الجوهر حيث ر
يتحيز بالتبعية فلهذا صح فيه الازل ولحقيقة بحيث الازلية المجردة عن الصورة العينية المعقولة
التي تقبل العدم والحدوث على حسب ما بيناها في كتاب نشأة الدوائر والمدارك والجداول اذا انت
المراد اليه فانظره هناك مستوفى وسنذكر منه طرفا في هذا الكتاب في بعض الابواب وظهورها ذكرنا
من سر الازل في النون هو في الالف والالف دائم والكل لوجود كمال الدائرة وكذلك تصح حقائق
الالف والزاي واللام التي تلحق الى حقائق النون والقاد والصاد التي للعبد ويرجع الحق
حقيقة بهذا الاشارات التي منعنا عن كشفها في الكتاب ولكن نظاره العارف بين اجزائه في
عمله ويشير به او يسلم في الحال درجات التسليم هي حرام على غير هذين الصنفين فتحقق ما ذكرنا لك
وتنبه بذلك من العجائب التي تبهر العقول حسن ما لها وتفتق للملائكة في الحروف المعجم وهي بانسة
عشر حرف الباء والجيم والدال والهاء والحاء والياء والكاف والميم والكاء والقاف

والراء

١٦٨ والراء والتاء والثاء والواو والفاء والذال والهاء وقطعت الحضرة الثلاثية كالحضرة الالهية
على ثلاث مراتب ملك وملكوت وجبروت وكل واحد من هذه الثلاثية ينقسم الى ثلاث فهي تسعة
للعدد فاخذ ثلاثية الشهادة فضربها في الستة المجموعة من الحضرة الالهية والثلاثية او في الستة
الايام المقدرة التي منها اوجدت الثلاثية الحقية الثلاثية الخلقية فيخرج لنا ثمانية عشر وهو وجود
الملك وكذلك تحقق في الحق بهذه المثابة فالحق له تسعة افلاك للاخلاق والثلاثة له تسعة افلاك
فتمد من كل حقيقة من التسعة الحقية رقائق الى التسعة الخلقية وتنعطف من التسعة الخلقية رقائق على التسعة
الحقية حيث ما توجهت كان الملك في تلك للاقطاع وحدثت فيها كل ذلك الامر الزائد هو الملك فان اراد
ان يميل بكليته نحو التسعة الواحدة جذبته الاخرى فهو يتردد ما بينهما يتنزل من حضرة ذي الجلال والاكرام
على محمد وان حقيقة الملك لا يصح منها الميل فانه منشأ الاعتدال بين التسعتين الميل الى احد الطرفين ولا
انحراف عنه ولكنه يتردد بين الحركة المنكوسة والمستقيمة فان جاء هو فقد فالحركة المستقيمة فلكية
ودورية وان رجع عنه وصدق الحركة منكوسة عرضية للانسانية وقد تكون الحركة من الى من مستقيمة ابدا
ومن الى منكوسة ابدا وسيأتي الكلام عليها في موضع الكتاب وايضا فانها في ثلاث منكوسة ودورية ومستقيمة فانهم
فهذه نكتة عجيبة ثم ارجع واقول ان التسعة هي السبعة وذلك ان عالم الشهادة هو في نفسه ينقسم ولكنه
واحد فذلك اثنان وله باطن فذلك ثلاث ثم عالم الجبروت ينقسم في نفسه فذلك واحد وهو الرابع ثم له ظاهر
وهو باطن عالم الجبروت وله باطن وهو … ثم … وهذه صورة السبعة والتسعة فاخذ الثلاثية فضربها
في السبعة فيكون الخارج واحدا وعشرين فتخرج الثلاثة الاثنينية فبقي ثمانية عشر وهي مقام الملك وهو الاعتدال
التي منها يتحقق الاثنين الزائد وكذلك يفعل بالثلاثية الحقيقية يضربها في السبعة فيكون اكوان التي منها
يتحقق الحق على عبده ما شاء من الموائد فان اخذها من جانب الحق فتلك الافلاك الالهية وان اخذها من
جانب الكون فتلك الافلاك القمر وان اخذتها منهما جميعا فتلك تسعة الحق للخلق والاخرى للخلق وبالعكس

www.FMEHR.com

حصل الفلك ولهذا ما اوجد الحق تسعة افلاك السموات السبعة والكرسي والعرش تتميم مسئلة في اول هذا الفصل ١٦٩
ان يكون بالحرارة والرطوبة فلك ولم يذكر السبب فلنذكره لطرف في هذا الباب حتى تستوفيه في داخل الكتاب ان شاء الله تعالى
وسأذكر في هذا الباب بعد هذا التتميم ما يكون من الحروف حارًا رطبًا وذلك لانه دائر بفلك غير الفلك الذي ذكرناه في اول
الباب فاعلم ان الحرارة والرطوبة هي الحيوة الطبيعية فلو كان لها فلك كما لاخواتها في الامزجة لانقضت دورة
ذلك الفلك وزال سلطانه كما يعطيه الحيوة الزمنية وكانت تنعدم او تنتقل وحقيقتها تقتضي بان لا تنعدم فليس لها
فلك فلهذا ابى ان يرى تعالى ان الدار الآخرة هي الحيوان حيث جعل فلك الحيوة الابدية الحيوة الازلية ممتدة وليس لها فلك
تنقضي دورته فهي ثابتة الاستواء فهي لا يقع لها نقص ولا للحيوة الابدية المشروطة بالحيوة الازلية لا يصح لها
انقضاء الا ترى ان الارواح لما كانت حياتها ذاتية لها لم يصح فيها موت البتة ولما كانت الحيوة في الاجسام
بالعرض قام بها الفناء بالموت فان حيوة الجسم من آثار حيوة الروح كنور الشمس الذي في الارض من الشمس فاذا
مضت الشمس تبعها نورها وبقيت الارض مظلمة كذلك الروح اذا رحل الجسم للعالم الذي جاء منه تبعته الحيوة
المنتشرة منه في الجسم ودفن الجسم في صورة الحيوة في رأي العين فقيل مات فلان ويقول الحق رجع الى
اصله منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى كما رجع الروح الى اصله حتى اذا كان يوم البعث
والنشور تكون من الروح تجلي جسم بطريق العشق فتنشئ اجزاءه وتركب اعضاءه بحيوة لطيفة من الحركة
الاعضاء بلطيف اكتسبته من النفث الروح فاذا استوت البنية وقامت النشأة الترابية تجلى لها الروح
بالرقيقة الاسرافيلية في الصور المحيط فسرت الحيوة في اعضائه ويقوم شخصًا سويًا كما كان اول مرة ثم نفخ فيه
اخرى فاذا هم قيام ينظرون واشرقت الارض بنور ربها كما بدأكم تعودون فتحيى الذي انشأه اول
مرة فما شقي وما سعيد وانه ان في امتزاج هذه الاصول حتى يظهر الحرارة والبرودة ضدان فلا يجتمعان
واذا لم يجتمعا لم يكن عنهما شيء وكذلك الرطوبة واليبوسة وانما لم يجتمع ضد الضد لضد الضد الا وقد يتولد
عنهما امر الاربعة كانت اربعة ولهذا كانت اثنان ضدين لا يتنافيان فلو لم تكن على هذا لكان التركيب

مهما

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

١٧٠ سنه اكثر بالتعليم حتى يتقنها ولا يصح ان يكون التركيب اكثر من اربعة اصول فان الاربعة هي اصول العدد فالثلاثة
التي هي في الاربعة مع الاربعة سبعة والاثنان التي فيها من هذه السبعة تسعة والواحد الذي في الاربعة
مع هذه التسعة عشرة وركب ما شئت بعد هذا وما كثر عددًا ليعطيك هذا الاربعة كما لا يكثر عددًا الا ما الا ستة
فامتزجت الحرارة واليبوسة فكان نارًا او الحرارة والرطوبة والبرودة فكان الماء والرطوبة واليبوسة فكان
التراب فانظر في تكون الهواء عن الحرارة والرطوبة وهو النفس التي هي الحيوة الحسية وهو المحرك لكل شيء
للماء وللارض وللنار وبحركته تحرك الاشياء ولانه الحيوة لان الحركة اثر الحيوة وهذه الاربعة الاركان
المتولدة عن الامهات الاول ثم لتعلم ان حكم الامهات الاول تفعل والمركبات حقايقها لا تغير
من غير امتزاج فالتسخين للتكوين لا عن الحرارة لا غير والتخفيف والتقبض للتكوين لا عن اليبوسة فاذا
رايت النار قد اميتت الماء فلا تجعل ان الحرارة بعضها فان النار مركبة من حرارة ويبوسة كما تقدم بالحرارة
التي فيها تسخن الماء واليبوسة تخففت فهذه الاسباب متنافرة لا تجتمع ابدًا الا في الصورة ولكن بها
حسب ما تعطيه حقايقها فلا توجد منها في صورة ابدًا اوحدها ولكن يوجد شيان اما حرارة ويبوسة كما تقدم من
تركيبها واما ان توجد الحرارة وحدها فهذا لا يكون عنها هي من ذاتها ابدًا وسبب فان الحقايق
على قسمين حقايق توجد مفردات في العقل كحقيقة الحلم والعلم والنطق والحس وحقايق توجد بوجود التركيب
كالسماء والعالم والانسان والحجر فان فهمت فالسبب في جميع الامهات المتنافرة من خارج امتزاجها
ما ظهر حتى تركيب وتركب صعب حكم كشفه لانه لا يليق حمله بدون العقل لا يعقله ولكن قول اراد اسحابه
ان يعرفوا ما سبق في علمه خلق العالم وانها حد اكثره وحده ان شئت فاتها ولم تكن موجودة في اعيانها
ولكن اوجدها موتلفة لم يوجدها مفردة ثم الفها فان حقيقتها تابى ذلك فاوجد الصورة التي هي عبارة
عن تاليف حقيقتين من هذه الحقايق فتصورت كانها كانت موجودة متفرقة ثم الفت فظهر التاليف حقيقة
لم تكن في وقت افترقها فالحقايق نعطل ان هذه الامهات لم يكن لها وجود في عينها البتة

www.Fmehr.com

www.FMR.ir

قبل وجه الصور المركبة عنها فلما اوجد هذه الصورة التي هو الماء والنار والهواء والارض وجعل ... يستعمل
بعضها الا بعض فعقد النار بهواء والهواء نارا كما فعقب التي وطاء والسمى صادا الذي الفلك الذي وقف
عند حرف الثاء والذال وجاعد بين ليس الجيم ونصف تعريفه اللام والراس الحاء وثلث الدال والراء والياء والباء
والنون والميم والفلك الذي وقف عند حرف الشين والغين والطاء والهاء والضاد وراس الياء
ومرة حد الفاء دون راسها وراس القاف كشيء من تعريفه دائرة الطاء الاثقل والفلك الذي وقف
عند الهواء وجاعد طرف الحاء والخرى الذي يعتمد دائرته وراس القاف وتعريف الهاء وعلى حكم نصف الدائرة
ونصف دائرة الهاء والكاف مع قائمة وحرف الذال والعين والزاي والصاد والواو والفلك الذي وقف
عند حرف النار وقف عند حرف الفرة والكاف والتاء والسين والراء وراس الجيم وجسد الياء وحرف
راسها ووسط اللام وجسد القاف دون راسه وعلى حقيقة الالف صدرت هذه الحروف كلها وهو فلكها
ودقائقها وكذلك ثم وجود خامس هو اصل لهذه الاركان وفي هذا اختلاف بين اصحاب علم الطبائع
ذكره الحكيم في كتاب الاسطقسات ولم يات بشيء يعتمد النظر عنده ولم نوقف هذا الامر وراء علم الطبائع
على اهله واما دخل به عندي صاحب وهو في يده ولكن مستغنا بعلم الطب مشتغلا بالامهات لم نحتج به
على هذه الاشياء من جهة الكشف من جهة القراءة والنظر في القراءة علينا فوقفت على هذا الخلاف الذي
اشرت اليه فمن هناك علمته ولولا ذلك ما عرفت من خالف فيه اعدام لذلك لنا ما عندنا فيه الدليل الحق وعندنا
منعت ان الحق تعالى الذي ياخذ العلوم يخلو القلب عن الفكر والاستعداد لقبول الوارد الذي
يعطي الشيء على الامر على اجمال ولاحيرة لنوقف الحقائق على ما هو عليه سواء كانت الحقائق المفردات
او الحقائق الذاتية حديث والتاليفات او الحقائق الالهية لا يمترى في شيء منها فمن هناك هو علمنا فالحق
سبحانه يعلمنا عن ذوقنا بوحيا محفوظا معصوما من الخطاء والاجمال ... قال الله تعالى وما علمناه الشعر وما ينبغي
له محل الاتصال والرمز واللغز والتورية اي ما رمزنا له شيئا ولا الغزنا ولا خاطبناه بشيء ولكن نريد شيئا

www.FMEHR.com

 آخر ولا احلف له الطالب ان هو الا ذكر لما شاء من حذبناه وغيبناه عنه وحضرنا بنا عندنا ثم
ثم رددناه الكلم لتهتدوا به في ظلمات الجد والكون فان ذلك عليه يذكر الذكره بما شاء فهو ذكر لذلك
ودران الى جميع الاشياء كان شيء منها عندنا مبلغ لطائف له علمه بحسب ما شاء وعاينه في ذلك التقريب الانزه
الاقدس الذي نال منه دون سنه ما انقطع عنه وصف الملك والتحقيق والتوقي فمن علم ان
الطبايع والعالم المركب منها في غاية الانقطاع والاحتياج لا الاستقلال في حيطة عيانه وتاليفه علم ان
السبب هو حقايق الحضرة الالهيه للاشياء الحسن والاوصاف الملكيه بحسب ما نظمه حقايقها وقد بينا
هذا الفصل مستوفاة في كتب الدوائر والجداول والدوائر وسنذكر منها طرفا في هذا الكتاب فهذا هو سبب الكون
القديم الذي لم يزل يولف الامهات ويولد البنات فسبحانه سبحانه خالق الارض والسموات ويس
انتهى الكلام المطوي في هذا الكتاب على الحروف من جهته المكلفين والمكلفين وحظها منهم وحركتها في الافلاك
السماويه المضاعفة وعين سني دوراتها في فلك الافلاك وحظها من الطبيعه وحركتها تلك الافلاك
ومراتبها الاربعه في المكلف والمكلفين بحسب قسم الامة ولهذا كانت احدى عشر نطقا على نوعين فان
التي يقتصر بها على عامة العقلاء على اربعة حروف الجمل التي عن الافلاك السبعة وحروف الالف
عن الثمانية وحروف الملك عن التسعة وحروف الجمل عن العشرة وليس ثم قسم زائد عندهم لقصورهم عن
ادراكه لانهم تحت قهر عقولهم والمعقول تحت قهر سيدهم الملك الحق بكاثرة وتعالى عندهم في الكشف
ما ليس عند الغير فنطق المعقول على ستة مراتب مرتبة للكشف الحق فلا النون وهي ثنائية فان الحق
تعالى لا نعلمه الا من هو مصدوقنا ولا نعلم الا منه فلهذا كان له النون التي هي ثنائية فان طلب نطقها
اثنان الواو والالف فالالف له والواو لنا كما في الرجوع عن كلا الروحانيات اذا انت الحقيقة ولهذا
الالف تام والواو مترجمة لها سنتكلم ذكره في هذا الباب في دورة فلك هذا الالف المضروبة التي بها يقطع
الفلك المحيط الكلي دورة جامعة يقطع الفلك الكلي في اثنين وثمانين الف سنة ويقطع فلك الواو

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

الفلك الكلي في عشرة آلاف سنة على ما ذكرناه قبل في هذا الباب عند كلامنا على الحروف مفردة وحقائقها ۱۷۳

بعض من المراتب فعدد المكتفين واما المرتبة الثانية فهو الالف وهو احد المكتفين وجود دائما واتمه

خلقا واقومه ولها حرف واحد وهي الميم وهي مثلثة وذلك ان سقطت الباء والالف والهمزة وسيأتي ذكرها

في داخل الباب ان شاء الله واما المرتبة الثالثة فهي الميم مطلق النور والنارية وهي رباعية ولها من الحروف

الجيم والواو والهاء في القاف وسيأتي ذكرها واما المرتبة الرابعة فهي للبهائم وهي خماسية لها من الحروف

الدال اليابسة والزاي والصاد اليابسة والعين اليابسة والضاد المتوسطة والسين اليابسة والذال

والعين والشين وسيأتي ذكرها ان شاء الله واما المرتبة الخامسة فهي للنبات فهي سداسية لها من الحروف

الالف والهاء واللام وسيأتي ذكرها واما المرتبة السادسة فهي للجماد وهي سباعية لها من الحروف الباء والياء

والكاف والياء والفاء والراء والتاء والثاء والخاء والظاء وسيأتي ذكرها ان شاء الله تعالى والنوع خ

هذا الكتاب اطلب [illegible] ولو اخرت [illegible] اسرار الحروف ولو فتح الكلام على اسرار هذه الحروف وما تقتضيه حقائقها

لكلت اليمين وحفي القلم وجف المداد وطاقت القراطيس والالواح ولو كان الرق المنشور فيها من الكلمات التي

قال الله تعالى قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا وقال

تعالى ولو ان ما في الارض من شجرة اقلام والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله [illegible]

[illegible] فمن تعطى لها وعثر على هذه الكلمات فلو كانت هذه العلوم نتيجة عن فكر ونظر لانحصر الانسان

في اقرب مدة ولكنها موارد الحق سبحانه تتوالى على خاطر العبد وارواح البررة تتنزل على قلبه من عالم غيبه

رحمة التي من عنده وعلم الذي من لدنه والحق يجود بها على الدوام في حين على الاستمرار والمحل قابل على التوالي

فاما يقبل الجبر واما يقبل العلم فان لم تعد وتني وصف من تشعبه وعلا ما حصل له الوارد على الدوام فاما يقف

الجبر ويصيب في اللفظ ما لا يقدر على تقييده في ازمنة لا تسع ذلك الفلك المعقول ويضيق من هذا الفلك

المحسوس فكيف ينقضي ما لا نهاية له ولا غاية يقف عندها وقد صرح [illegible] فقل رب زدني

علي

www.FMR.ir

١٧٤ علما والمراد بهذه الزيادة من العلم المتعلق بحضرة التوحيد ليزيد معرفة بتوحيده فيزيد رغبة في تحميده
فيزداد فضله على عبيده دون انتهاء ولا انقطاع فطلب منه الزيادة وقد حصل من العلوم زيادة ولذلك أسرار
لم يبلغه أحد ومما يؤيد ما ذكرنا من أنه أمر بالزيادة من علم التوحيد لا غيره كان صلى الله عليه وسلم إذا أكل طعاما
قال اللهم بارك لنا فيه وأطعمنا خيرا منه وإذا شرب لبنا قال اللهم بارك لنا فيه وزدنا منه لأنه أمر بالزيادة
فكان يتذكر عندما يشرب اللبن الذي شربه ليلة أسري به فقال له جبريل أصبت الفطرة أصاب الله بك
أمتك والفطرة علم التوحيد الذي فطر الله الخلق عليه حين أشهدهم على أنفسهم وقت أن أخرجهم من ظهورهم
ألست بربكم قالوا بلى فشهدوا بالربوبية قبل كل شيء ولهذا تؤول رؤيا اللبن لمن يشرب في النوم
في أول حضرة عمر رضي الله عنه فأوله بالعلم واللبن جامع لما دل عليه عرفه من عرفه وجهله من جهله فمن
كان يأخذ عن الله بلا نفس كيف ينتهي كلامه فشتان بين مؤلف يقول حدثني فلان عن فلان
وبين ما يقول حدثني قلبي عن ربي وإن كان هذا رفيع المقدار فشتان بينه وبين من يقول
حدثني ربي عن ربي أي حدثني ربي عن نفسه بارتفاع الوسائط وهذا هو العلم الذي يحصل للعقل من المنح
الذاتية الذي منه يفيض على السر والروح والنفس فمن هنا من تحقيقه يعرف منزهه فقد عرفه
حتى يعرف الله فلا وهو لا يعرف سوى بنفي جميع وجوه المعرفة كذلك هذا لا يعرف قال الوقت لا يدري
أي هو فإن مطلب الأكوان والمكون لهذا لما قيل ظهرت سلمى بعيت عن جفنه ثم كان
ملكول لا تنكث كنت هو فالحمد لله الذي جعلني من أهل الإلقاء والتلقي فيتوفكرسي نادي جعلنا
وإياكم من أهل السعادة والترقي ثم أرجع وأقول إن فضل الأوقات المحرم تزيد على أكثر من
حسناته وفضلها كل فضل من الأشياء في كتب الكلام حتى تستوفيه من كتب الحديث والأحاديث الواردة
فلنقتصر منها على ما لا بد منه ذكره في هذه الكتب فيحسن أن يسعد بالشهر محرم ما يليق بكتابنا هذا
وربما نتكلم على بعضها وبعد ذلك نأخذها وخاصة تكلم الحروف التي والله قائلها كلها ثم نتبعها بأبيات

www.FMEHR.com

من اسرار تقدم اللام بالالف ولزومه اياه واما السبب لهذا التعشق الذي بينهما خاصة حتى ظهر ١٧٥
ذلك في عالم الخط والرقم فان في ارتباط اللام بالالف سرا لا يكشف الا لمن اقام الالف من رقدتها
وحل اللام عند عقدتها والله تعالى يرشدنا بعمل صالح يرضاه منا ذكر بعض مراتب الحروف ثم فصل اعلم
وايدك ان الحروف امة من الامم مخاطبون ومكلفون فيهم رسل من جنسهم ولهم اسماء من حيث هم
لا يعرف هذا الا اهل الكشف من اهل طريقتنا وان هذه الحروف افصح الخلق لسانا واعظمهم بيانا وهم
منقسمون بتقسيم العالم المعروف عند الخلق فمنهم عالم الجبروت الذي ذكره ابو طالب المكي وهو الهاء
والهمزة ومنهم العالم الاعلى وهو عالم الملكوت وهو الحاء والخاء والعين والغين ومنهم العالم
الاوسط وهو عالم الجبروت عندنا وعند اكثر اصحابنا وهو التاء والثاء والجيم والدال والذال
والراء والزاء والطاء والكاف واللام والنون والصاد والضاد والقاف والسين والشين
والياء الصحيحة ومنهم العالم الممتزج بين عالم الشهادة والعالم الاوسط وهو الفاء ومنهم عالم
الامتزاج بين عالم الجبروت الاوسط وبين عالم الملكوت وهو الكاف والقاف وهو امتزاج في
المرتبة وممازجهم في الصفة الروحانية الطاء والظاء والصاد والضاد ومنهم امتزاج بين
عالم الجبروت الاعظم وبين الملكوت وهو الحاء ومنهم العالم الذي يشبهون العالم منا الذين
لا يتصفون الا بالدخول [illegible] الالف والواو والياء المعتلات فهذه عوالم
والكل عالم رسول من جنسهم ولهم شريعة يتعبدون بها ولهم لطائف وكثائف وعليهم من الخطاب
الامر ليس عندهم نهي وفيهم عامة وخاصة وخاصة الخاصة فالعامة منهم الجيم والضاد والخاء
والذال والغين والشين ومنهم خاصة الخاصة وهو الالف والياء والباء والسين والكاف
والطاء والقاف والتاء والواو والظاء والصاد والحاء والنون واللام والغين ومنهم
خاصة الخاصة الخاصة وهو الباء ومنهم الخاصة التي فوق العامة في مرتبة وهو حروف اوائل السور

www.FMR.ir

١٧٦ كالم والمص وهي الالف واللام والميم والصاد والراى والباء والدال والزاء والهاء والقاف
والطاء والباء والواو والهاء والظاء والطاء والقاف واللام والقاف والسين ومنهم الى لم
المرسل وهو الجيم والحاء والخاء والكاف ومنهم الى لم الذى متعلق بالكرة ومتعلق به الخلق
وهو الالف والدال والذال والزاى والواو وهو عالم التقديس من الحروف الكروبيين
العالم الذى غلب عليهم التخلق بصفات الحق وهو التاء والثاء والخاء والذال والزاى والظاء
والنون والضاد المعجمة والقاف والشين المعجمة والفاء وعند اهل الابوزر ومنهم
العالم الذى غلب عليه التحقق وهو الباء والفاء وعند اهل الكشف اردو الجيم ومنهم العالم الذى
قد تحقق بمقام الاتحاد وهو الالف والهاء والدال والراى والكاف والياء والميم والصاد
اليابسة والعين والسين اليابسة والهاء والواو الالف اقول انهم على مقامين فى
الاتحاد عال ونازل فى الالف والكاف فالعالى الالف والكاف والميم والعين والسين والياء
والنازل على نحو ومنهم العالم الممتزج الطبايع وهو الجيم والهاء والياء واللام والفاء والقاف
والحاء والطاء خاصة ومن عوالم الحروف اربعة صنف مفرد وهو الالف والهاء والكاف
واللام والميم والنون والهاء وصنف ثنائى مثل الدال والذال وصنف الثلاثى مثل الجيم والياء
وصنف رباعى وهو الباء والتاء والثاء والياء فهذا قد قصصت عليك من عوالم الحروف ما
ان استوعبت بعض نحو الامور الموصلة الى كشف العوالم والاطلاع على حقائقه وتحقيق قوله تعالى
وان من شىء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم فلو كان تسبيح الكل لما زعم بعض النظار
لم يكن فايدة فى قوله ولكن لا تفقهون وصفت اليهم وقفت عليهم وكنت قد ذكرت
انه تجاه الكتب على بعضها فنظرت فى هو تكرار العالم مما يمكن فيه بسط الكلام اكثر من غيره فوجدت
العالم المختص هو عالم اوائل السور المجهول مثل الم البقرة والمص والمراتوبين واخواتها فلكم

www.FMEHR.com

على الم البقرة التي هي أول سورة مبهمة في القرآن كلامًا مختصرًا من طريق الأسرار ونرد بالحق به الآيات ۱۷۷
التي تليها وإن كان ذلك ليس من الباب ولكن فعلته عن أمر ربي الذي عاهدته فلا أتكلم إلا عن كلام
الإذن كما أنني أقف عندما يحد لي فإن تأليف هذا وغيره لا يجري مجرى التآليف ولا نجري
فيه مجرى المؤلفين فإن كل مؤلف إنما هو تحت اختياره أو تحت العلم الذي يبثه خاصة فيلقي ما شاء
ويمسك ما شاء ويلقي ما يعطيه العلم وتحكم عليه المسألة التي هو بصددها حتى تبرز حقيقتها ونحن في
تواليفنا لسنا كذلك إنما هي قلوب عاكفة على باب الحضرة الإلهية مراقبة لما ينفتح له الباب فقيرة
خالية من كل علم لو سئلت في ذلك المقام عن شيء ما سمعت لفقدها حسها فمهما برز لها من
وراء الستر أمر ما بادرت لامتثاله وألفته على حسب ما حد لها من الأمر فقد يلقى الشيء إلى ما ليس من
جنسه في العادة وما يعطيه العلم الظاهر والمناسبة الظاهرة للعلماء والمناسبة خفية لا يشعر بها إلا أهل الكشف
بل ثم ما هو أغرب عندنا أن يلقى إلى القلب أشياء يؤمر بتوصيلها وهو لا يعلمها في ذلك الوقت
لحكمة إلهية غابت عن الخلق فلهذا لا يتقيد كل شخص يؤلف عن الإلقاء بعلم ذلك الباب الذي يتكلم
عليه ولكن يدرج في غيره في علم آخر مع الجاري على حسب ما يلقى إليه ولكن عندنا قطعًا أنه من نفس ذلك
الباب بعينه لكن بوجه لا يعرفه غيرنا مثل الحمامة والغراب اللذين اجتمعا لتآلف العرج قام بكل
واحد منهما وقد أذن لي في تقييد ما ألقيه بعد هذا فلنبدأ بعونه والحمد لله وصل في قول الكلام
على هذه الحروف المجهولة المختصة بعدد حروفها بالتكرار وصلتها في السور وعلى إفراد
ص ن ق وتثنيتها في طس حم وتثليثها وجمعها في مكان ... عددًا ولم تبلغ خمسة وقف
ولم تبلغ أكثر ولم وصل بعضها وقطع بعضها ولم كانت السور بالتسع ولم تكن بالألف ولم
مبلغ هذه الحروف عند علماء الظاهر وعند كشف أهل الأحوال إلى غير ذلك مما ذكرناه في
كتاب الجمع والتفصيل في معرفة معاني التنزيل فلنقتصر الآن على الصور المعقولة ثم نجعل

سور القرآن

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

١٧٨ سيد القرآن، يس، وهو التعبد الشرعي وهو ظاهر القرآن الذي فيه العذاب وفيه يقع الحساب لها
و، باطنه الصفات وهو مقام الرحمة وهو العلم بحقايقها وهو التوحيد فعند تبارك تجلى تسع وعشرين
سورة وهو كمال الصورة والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالتاسع والعشرون القطب الذي به قوام الفلك
وهو سورة آل عمران ولولا ذلك ما ثبتت التسعة والعشرون وحملها على تكرار الحروف ثمانية وسبعون
حرفا فالثمانية حقيقة البضع قال عم الايمان بضع وسبعون بابا وهذه الحروف ثمانية وسبعون
حرفا فلا يكمل عبد اسرار الايمان حتى يعلم حقايق هذه الحروف في سورها فان قلت ان البضع مجهول
في اللغة فانه من واحد الى تسعة فمن اين قطعت بالثمانية عليه فان شئت اخذت ذلك من طرف
من باب العدد وان كان ابو الحكم ابن برجان لم يذكره من كتابه من هذا الباب الذي نذكره وانما ذكره من جهة
علم الفلك وجعله سترا على كشفه حين قطع به بفتح بيت المقدس سنة ثلث وثمانين وخمسمائة فلذلك
ان شئت نحن كشفناه وان شئت حجبناه بالعدد على ذلك الحد، فنقول ان البضع ثمانية في سورة
الروم وخذ عدد حروف الم بالجزم الصغير فيجتمع لك ثمانية التي تحسبها بالجمل الصغير وتعزلها فيما
اجتمع لك من عدد حروف الم بالجزم الكبير وهو واحد وسبعون واجعل ذلك كله سنين فاضربها يخرج
لك بعد الضرب خمسمائة وثمانية وستون سنة تضيف اليها الخمسة عشر التي ابرزتك برفعها
عندك فتصير ثلثا وثمانين سنة وخمسمائة سنة وهو زمان فتح بيت المقدس على قراءة من قرأ غلبت
بفتح الغين واللام سيغلبون بضم الياء وفتح اللام وهذا كان زمان ظهور المسلمين في جهادهم ونحن
على العدد من طريق الكشف اسرار عجيبة من طريق ما تقتضيه طبيعة ومن طريق ما تمنح الحقايق الالهية واما
حال ابناء العصر في المعرفة بالعدد كثابت بن قرة وغيره فلغير [illegible] الى الاكثر بسببه فنقول فلا يكمل عبد
الاسرار التي تتضمنها شعب الايمان الا اذا علم حقايق هذه الحروف بحسب تكرارها في السور كما انه
اذا علمها من غير تكرار علم تنبيه الله فيها على حقيقة الايجاز وتفرد القديم سبحانه بصفة الذاتية قال

www.FMR.ir

في قرانه اربعة عشر حرفا مفردة مبهمة فجعل ابه الثمانية لوقفة وذات عشر موجودة وهذا يبين
ان شأن هذا الفلك آخر يتركب من احد عشر ومن عشرة ومن تسعة ومن ثمانية حتى لا فلك اقل من اثنين
ولا يتعلق الا بالاشياء الثنائية ابدا فانه فما انفرد به الحق فلا يكون الموجود الا له ثم انه سبحانه
جعل اوله الالف في الخط والهمزة في اللفظ وآخره النون فالالف لوجود الذات على كمالها
لانها غير مفتقرة الى حركة والنون لوجود الشطر من العالم وهو عالم التركيب وذلك نصف الدائرة
الظاهرة لنا من الفلك والنصف الآخر النون المعقولة عليها التي لو ظهرت للحس وانتقلت من عالم
الروح لكانت دائرة محيطة ولكن اخفى هذه النون الروحانية التي بها كمال الوجود وجعلت نقطة
النون المحسوسة دالة عليها فالالف كاملة من جميع وجوهها والنون ناقصة والشمس كاملة
والقمر ناقص لانه ممحو وصفته محو صفة ضوءه معار وهي الامانة التي حملها وعلى قدر محوه واثباته الى
ثباته وظهوره ثلاثة لثلاثة غروب قمر القلب الالهي من الحضرة الالهية وثلاثة طلوع القمر الالهي
من الحضرات الربانية وما بينهما في الخروج والرجوع قدم بقدم لا يختلف ابدا ثم جعل سبحانه
هذه الحروف مراتب منها موصول ومنها مقطوع ومنها مفرد ومثنى ومجموع ثم نبه ان في
كل وصل قطعا وليس في كل قطع وصل فكل فصل يدل على قطع وليس كل فصل يدل على وصل
فالوصل والفصل في جميع وغير الجمع والفصل وحده في عين الفرق فما افرد من هذه الاشياء
وما ثنى فاشارة الى رسم العبد اذ لا وما ثنى فاشارة الى وجود رسم العبودية ابدا وما جمع فاشارة
الى الابد والموارد التي لا تنتهي فالاول للعالم الاعلى والمثنى للبرزخ المحمدي الذي هو مرج البحرين
يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان فبأي آلاء ربكما تكذبان هذا البحر الذي حصل به فما فضل على العالمين
وما البحر الذي حصل عنه وسماه بالاكوان اوما البرزخ الذي عليه استوى الرحمن فبأي آلاء ربكما تكذبان
يخرج من بحر الازل اللؤلؤ ومن بحر الابد المرجان فبأي آلاء ربكما تكذبان وله الجوار الروحانية

المنشآت

www.FMEHR.com

١٨٠ المثبت من الحقايق الاحسائية في الجواهر الزاهرة المقدس كان الاسلام فبي الله لكما تكون ابن سينه الى الم العلوي عن عقوه

وقدرته والعالم النفس وكنه كان خطرة في شان بقاء فبي هذه لكما تكون ابن ستفتح لكم اذا القتل فبي الله وكما

تكون ابن فوكه الو اعتبر القرآن ما يختلف شان ولا حضان ولا تنسج عن ان يقبر وايا كم وقد يخرج عن ذلكم فالكمال

ولا ترجع الى صفاتكم فهذه اسم العالم من فضلكم وقدركم كان لسانا حقيقة كمن يسخركم وهو الذي خلق قال الله تعالى وهو الذي سخر لكم

في السموات والارض جميعا والله يرشدنا واياكم الى الخير صحيحا وسعادتنا في الدنيا والآخرة انه ولي كريم

فصل والالف من الم اشارت الى التوحيد والميم اشارة للملك الذي لا يبيد واللام فيهما واسطة

لتكون لهما رابطة فانظر الى السطر الذي يقع عليه الخط اللام فتجد الالف ليستقيم حبلهما وتجد الميم منه يبتدي

او لها من حسن تقويم وهو موضع السطر الى اسفل السافلين وهو من توصيف الميم فنزول الالف الى السطر قد نزل [illegible]

الدين وهو اول عالم التركيب فيه هكذا ان نزل الى السطر فانه نسبة من مقام الوحدانية لا مقام ايجاد العالم نزول

تقديس وتنزيه لا نزول تمثيل وتشبيه وكانت اللام واسطة وهي الكلمة من الكلمات والكون من القدرة التي عنها

وجد العالم واشبهت اللام الالف في النزول الى اول ولما كانت مفرعة من الكون والكون قدرة سبحانه لا يقع الا القدرة

عن نفسه وانما يقع الا القدرة عن صفته حين رجع القدرة معروفا للخلق فلا بد من تنقلها بهم علوا وسفلا

فلما كانت حقيقتها لا تتم الا بالوصول الى السطر فكون هو الالف عن رتبته ومقامه وطلبت بحقيقتها النزول كنت السطر

فلما نزل الميم لايجاد الميم ولم يمكن ان ينزل عن صورة الميم لكان [illegible] عنها ابدا الا الميم فنزلت بنصف

دائرة [illegible] الا اول السطر عن حيز الجنة التي نزلت عنها نصف رتبت نصف فلك [illegible] نصف دائرة

[illegible] متعمول فكان منها [illegible] فيكون العالم [illegible] في ستة ايام منها من اول يوم الاحد

الى يوم الجمعة [illegible] يوم السبت [illegible] مقام الاقدام [illegible] الكون [illegible]

[illegible] محيط [illegible] الافعال والمعقولات [illegible] المبينة الحقيقة

والكشف [illegible] في ذلك [illegible] يعلم علم [illegible] نزل الالف [illegible] الحركات

www.FMR.ir

بل يدل على ان الصفات لا تقف الا بالذات كما قال كان قد كل شئ ... كما ان نحن هذا امر في الاثر الى ما يعقب
لا الى ذاته المنزهة فان الالف لا تتعلق ابدا الا بالمضاف اليه فان الالف لا تتعلق الا به وحده لو تقدير عن ذلك الملك وذاتك
وان ربي والمصور وجميع الاسماء التي تطلب العالم بحقايقها ومن ضمنه التبيينه من وجه ... عليهم فقال القائم الذي هو نفعة
بالميم الذي هو اثر علوه عنه فان الالف ذات واحدة لا يتقيد فيها لاتصال بشئ من الحروف اذ هي اولا في الطاق في
الصراط المستقيم التنزيه والتوحيد فلا يتم ... دعى انما ربها الذي امرت بالرجوع اليه في سورة النحو قد سماه ... ودعى
فاظهر الالف من اكم عنه والالف ... فمن اسمى لانه غيب من عالم الملكوت من واقف تانيه ما بين من الملائكة
في الغيب المحقق الذي يسمونه العوالم ... الاشكال وتسميه الصوفية الصور وتسمية المعقول ... وتسميه الاعيانية
ولما كانت متحدة في عالم الملكوت والشهادة ظهرت ووقع الفرق بين القديم والمحدث فانظر ... ما ترى عجبا
ومما يؤيد ما ذكرنا من وجه الصفة ... والميم من الالف فان قال ... وجدنا الالف ...
والنطق بالهمزة من الالف ... بالالف ... وهذا البحث ... فان الالف لا تقبل الحركة
فان الحرف مجبول على الحركة فان ... بالحركة التي تتعلق به من رفع ونصب وخفض والالف لا تقبل ابدا ما يدل عليه
الدال عليه ... عالم الحروف ... في العالم ... كما الالف ... الحركة ... تقبل ... الالف ...
من طلب سبب ... ولما لم يمكن النطق بها ... متحرك نطقنا باللام ... بالهمزة بحركة الفتحة
الهمزة مقام ... الاول ... صفة ... في ... الالف والنون فان ... وجدنا الالف
التي في الالف ... ولم ... في الالف ... المطلق ... متحرك ... موصولة به وانما
كلامنا في ... التي قد تقدم ... تنطق ... الالف ... الموصول فهذا ... بين
ميم ... وبين اللام ... موجودة ... نطق وانما الالف الموصولة التي تقع بعد الحروف
من حيث لام ... ما كان المدلول ... هذه الحروف ... الاستمداد الذي
وقع ... الصفات ... الحرف ... بالحرف فان ... الحرف الالف من اسم الله

www.FMEHR.com

 رجع الحروف المهملة به ولما دل الحروف المهملة مفتقرة الى الصفة الرحمانية وانطوى على حركة النصب التي هي الفتحة ولما علم
طلب منه الشكر عليها فقال وكيف يكون الشكر عليها قبل ان يعلمه التمييز بان وجودك وجود منفصل لم يكن منسبك وانما
كان في ذات القديم تعالى فاذكره عنده ذكرك لنفسك فقد حكيت بصفة الرحمة خاصة وانبئه عليها وسنه اقول ان الله خلق آدم على صورة
الرحمن فنطقت الكاف بشكر على معرفتها فقالت لام يا ما فاظهرت نطق نفسها لان الالف التي في طرف حتم وكسر موجودة
نطقت حيث سقط الزيادة الصفة عليها وهي الفتحة صفة تمتنع الحروف ان تقال وكذلك بعد المتحرك الواو المضموم ما قبلها والياء
المكسور ما قبلها حيث تنصف فتدغث حرفت كيفيتها يكفي بجزاء ما تم الاذنيت وحده فنقول نعم انما المد المرجعي في الواو المضموم ما
قبلها مثل من المتكلم والياء المكسور ما قبلها في مثل الياء ونحو حس وجاء الميم حتم فمن حيث ان الله قالي صلاحا حرف علة تستدعي
معلولها بحقيقتها واذا استدعت في ذلك عليه تدبر بكسر يستجاب تقع الاستمداد لوسر الاستمداد فلهذا اعلت لكن ذلك
لما اودع الزيارة المكلف الحروف لم يكن بينه وبين المتلقي الانبساط ما شيء لكنه يجهز عنه ذلك فخصته بانه الحرف وحق ما اراد الله
واحكمه معنوي من الرفع بسط التلقي وهو باب الحجاب او ضمير بعضه بالجهل الكلفة الرحمانية حين كان او فسره ولما اودع الزيارة الله
ما اودع من اسرار التوحيد الشرايع وجعل سر الاستمداد وعلانه لوالدي حدسه على التركيب يجهر عنه سر الاستمداد ولذلك قال
ما ادري ما يفعل بي ولا بكم وقال انما انا بشر مثلكم فلما كان مرجعه الى العالم السفلي عالم الجسم والتركيب عظمته والياء المكسور
ما قبلها وهي نزح وحفظ النفس فلما كان حاملا لوجوه اسرار الالهية من توحيد وتشريع وهو سر الاستمداد فهذا الذي تمتا
واما الفرق الذي بينها وبين الالف فان الواو والياء قد يسبقان بغير المد فيحملان بجميع الحركات كقولك وجد
ووزي ووكو الادوا بزيتون بغيره الحركت وقد يكونان الكون على كقوله دعا هو بحب وينون وشبهها والالف
لا تحرك ابدا ولا يوجد ما قبلها الا مفتوحا فاذا الذي بين الالف وبين الواو والياء فان ذلك سبقاهما في صفاتها
وهو الحفظ ما الالف في الحقيقة فذلك ليس من ذاتها وانما ذلك من جانب القديم سبحانه لا يحتاج الى الحركة ولا يقبلها ولكن ذلك
من صفة المقيم وحقيقته التي زينت به الواو والياء ومن كان كانت او لا شيء كتميز ضعفها فان فاذا اثبت هذا فكل
الف او واو او ياء انحتت وجعل النطق بها فاذا هي دليل وكل دليل محدث مستعمل محدثه والمحدث لا يكون

www.FMR.ir

www.FMEHR.com

 اصول جهه السبب وهو اسبب غيبه رقت هو كيده وهو غلوه هو نطف مجيده مفوق ليس يعقل ملكه هو بيغط هو داننا وهو الفعل وهو التقريب

وهو موق وعلم ومسيع هو الاهر كثرت اعتبر بكلها اى المتعلق اليها وعلم انه ولا شى كثيره ليس وجود ولانه اللى وجود العلم

موفق موسى الكرسي وسع مسيع العرش فى الحق الحق فى الحق فانظر الحق فى صفات [illegible] الداخل اذا سع فانه ذلك الحق الحب فعل ممكن

ورا ونور الوحد برجعوا اعولم الذا فالمستو ارجعوا ورائكم فالتزم الحق عليك كنت لما ارجع بطيئة الحق لب باب شعر

ارجعوا فلم مطلوب انت لولا نقطه وراءكم ارجعوا يقول لهم وراء انه يعرفوا لو والله السور بينهم فضرب القطع بتقدير جعوا من

الاكبر صف فخج ان والحور والولدان باب الحنان اهل للمقربين حق ولهم انه مما فيكبه هيئهم بالسور فضرب بسبب هم وحيهم ان وكذلك

الكبر الحق ابة مقابلة فمن الفرق هو وهذا التفصيلية الوزير عليه الاشعر باب الفرد التي والصفة الوزير مصور انما

الموحد الى الانف هو بحسب النعدد ذات والميم الصفة ذات عين اللام هو الحكم ذات من الالف ان وتقرر هذا انتبه فاذا قد

اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى الى قوله محيط بالكافرين قال الحكيم

خاصية هذه للايات هلاك العدو وحيرته والقياس امره عليه الى ان يقضى

ولا يخفى ان عمدة الحروف التى يمكن تركيب حروف ان فيه ادعيا هى الالف واللام والنون والياء والواو

والميم والعين والكاف وغيرها ولا يخفى ان لكل واحد منها جهة وحدة واجمال وهى جهة ربه ونظره لاحدية وجهة

كثرة وتفصيل وهى جهة نفسه ونظره الى نفسه وجهة الا وهى المثلث والتربيع والكمال وان نتيجة هى مثلث وكل نقص

وضلال ولا ريب ان لكل كان جهة وحدته اكثر وحدوده اقل هو اقرب الى المبدء والكمال وكل كان جهات

كثرته اكثر وجهة وحدته اقل كان ابعد من مبدئه وانقص واما الالف فهو على اربعة اقسام لينية ومتحركة

ومبسوطة وراكدة والاول حصلت من حركة النقطة وتنزلها لبعد معلوم وانه في مظهر الاول وهذه كالآية

بالنسبة الى الوجود وهو المتعقب في الصعود والمتدلج بين يدي المبدلج ومن تكررت الحروف لذلك لعدان وقت

المنكرة منه ومن اللينية على كتاب الله وسنة نبيه فاول حرف تكررت منها هو ان الذي التى حصلت في

ب حل وهى الالف المبسوطة هى التى فال ظهرت الموجودات منها هو بسم الله الرحمن الرحيم

واما النقطة

www.FMR.ir

وانا نقطة باء بسم الله. قال امير المؤمنين عليه السلام اشارة لطيفة لاهل الكمال.

سورة الفاتحة. قال الحكيم الفاضل التميمي ان في هذه السورة الف خاصية ظاهرة والف خاصية باطنة ثم ذكر من ذلك الخواص عجايبا وغرايبا فمما اختاره واختصر عليه اقرب مأخذه ان في هذه السورة المباركة تبرئ الاسقام والالام وتعجل به العافية اذا املاها المريض في جينه اوتليت عليه ويمسح بها جميع بدنه مرة واحدة وعلى موضع الوجع ثلاث مرات وقل: اللهم اشف فانت الشافي، اللهم اكف فانت الكافي، اللهم عاف فانت المعافي فانه تبرئ المريض باذن الله مالم يحضر اجله واذا كتب في اناء طاهر ومحيت بماء طاهر ومسح المريض بها وجهه عوفي باذن الله تعالى واذا شرب من هذا الماء من يجد في قلبه تقلباً او سكاً او ريحاً ليسكن باذن الله ثم ويزول عنه المه واذا كتب بمسك في اناء زجاج ثم محيت بماء ورد وشرب ذلك الماء البليد الذهن الذي لايحفظ مدة سبعة ايام متوالية على الريق زالت بلادته وحفظ ما سمع واذا كتب يوم الجمعة في الساعة الاولى في اناء ذهباً وحديد بمسك وكافور بقلم ذهب ومحيت بماء ورد وجعل ذلك الماء في قارورة ومسح وجهه من دخل على السلطان او من يخاف من عدوه مال اليه القبول والهيبة والمحبة. تمت بعون الله تعالى

این عکس زیر تم نشانت ایدوست
آثارم از این کتب عیانت ایدوست
در نشر اثرهای سلف بودم رنج
تا گنج برایگان فشانم ایدوست



گر راه علی را نروی گمراهی
ور راه علی روی تو صاحب جاهی
از راه مدینه علم باز آ باز آ
گر کشف و شهود و معرفت میخواهی

در دام گناه سخت در بندم ایدوست
با حمد ز راه صدق یاد آر مرا

در دست خداست چون و چندم ایدوست
بر فاتحه بس نیازمندم ایدوست

www.FMEHR.com
www.FMR.ir

فروغ مهر

بزرگترین تولید کننده

نرم افزارهای روانشناسی

و کتابخانه های الکترونیکی

www.fmehr.com

www.fmr.ir

info@fmehr.com